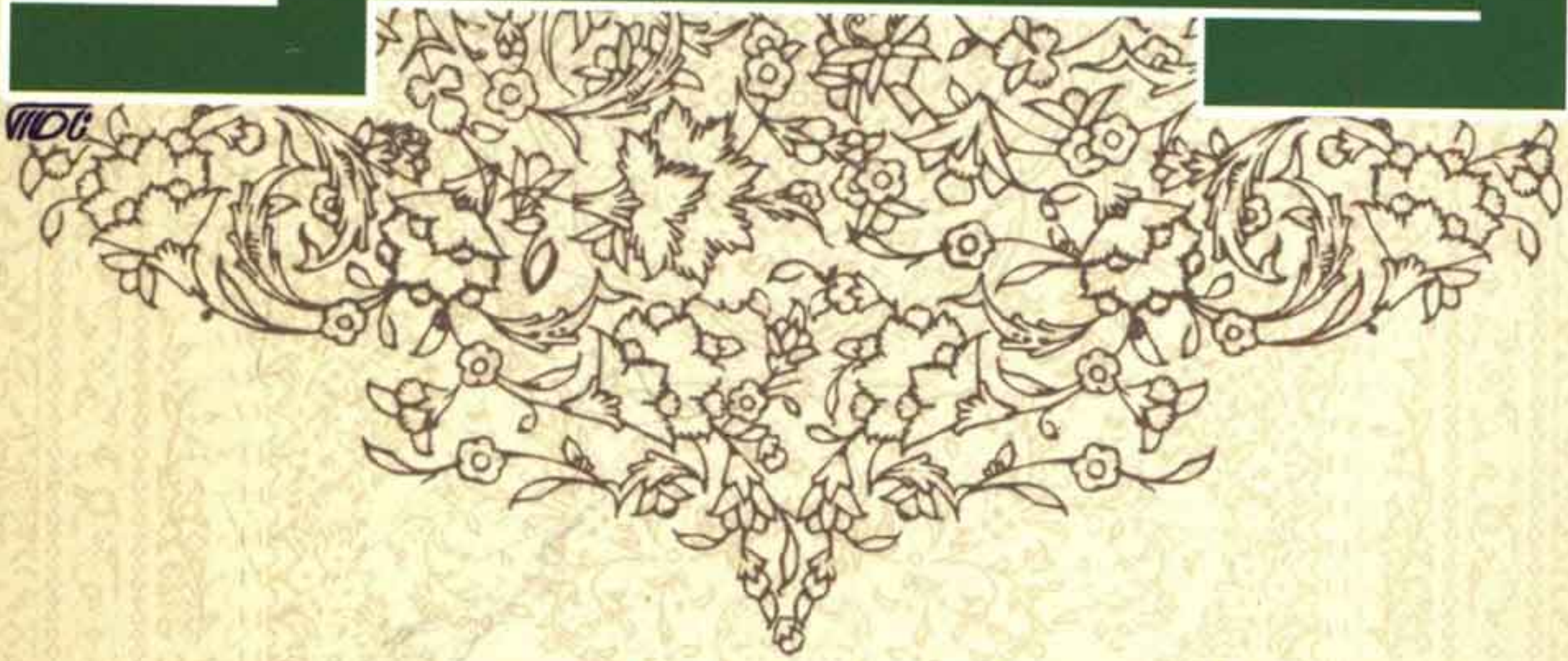




تربیت نسل



علی اصغر کیانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت نسل منتظر

علی اصغر کیانی

سرشناسه	کیانی، علی اصغر، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدیدآور	تربیت نسل منتظر / علی اصغر کیانی؛ ویراستار حسن صادقی زفره.
مشخصات نشر	قم: خاکریز، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص.
شابک	۹۷۸۶۰۰۵۶۴۶۰۰۵۰۴
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	کتابنامه: ص. ۱۷۲.
موضوع	محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت
شناسه افزوده	مهدویت - انتظار
شناسه افزوده	صادقی زفره، حسن، ویراستار
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۸ ک ۹۵۵/۴/۴ BP۲۲۲
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۸۰۹۶۸۲

تربیت نسل منتظر

مؤلف/ علی اصغر کیانی

ناشر/ انتشارات خاکریز

ویراستار/ حسن صادقی زفره

صفحه آرا/ عباس فریدی

چاپ/ گنج معرفت

نوبت چاپ/ اول، تابستان، ۱۳۸۸

شمارگان/ ۳۰۰۰ نسخه

قیمت/ ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۴۶-۰۵-۴



همه حقوق محفوظ است

مراکز پخش: ۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهداء (صفائیه) کوچه

آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان ص پ ۱۱۹-۱۳۵۰۲۷۱ تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه/ ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

تلفن: ۸۸۹۸۰۹۹۹-۸۸۹۸۱۳۸۹ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

بسمه تعالی

سخن آغازین

در ادبیات دینی مکتب حیات بخش اسلام، انتظار مفهومی بس ژرف و پر ارج دارد. گویا انتظار، زیباترین و کامل‌ترین جلوه بندگی حق تعالی است؛ به گونه‌ای که پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: **أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ**. برترین اعمال امت من، انتظار فرج از خدای عزیز بزرگ است.

از این رو، در فرهنگ دینی ما، منتظران از جایگاه والا و ممتازی برخوردار بوده و تعابیر بلندی در تجلیل مقام و مرتبت ایشان وارد شده است.

تحقق یک جامعه منتظر پیش از هر چیز، نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتواند این بار سنگین را به دوش بکشد و این، در درجه نخست، مستلزم بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری است. تنگ‌نظری‌ها و کوتاه بینی‌ها، کج فکری‌ها، حسادت، اختلاف‌های کودکانه و نابخردانه و به طور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی، با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست. منتظر واقعی برای چنین برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند گوشه‌گیر و نظاره‌گر باشد، بلکه باید مجاهدانه و پرنشاط در صف تلاشگران عرصه انتظار، برای اصلاح خویش و دیگران قرار گیرد. ایمان به نتایج و سرانجام حاصل از این تحول، اجازه ماندن منتظران در صف مخالفان را نمی‌دهد و بودن در صف موافقان نیز به داشتن اعمالی پاک و روحی پاک‌تر و برخوردار از شجاعت و آگاهی کافی و به بیان دیگر برخوردار از تربیت مورد نظر اسلام، نیاز دارد و خود سازی برای چنین هدفی، مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی، فکری و اجتماعی است.

منتظر باید بر اساس آموزه‌های راستین و باورهای عمیق دینی، به عنوان یک متدین راستین بوده، به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد. پیرو واقعی حضرت

ولی عصر (عج) کسی است که رفتار و مکتب او را الگوی عملی خود قرار داده و قیام و تلاش جان فرسای ایشان و همه مجاهدت‌ها و رشادت‌های پدران بزرگوار وی را در تربیت نفوس و پرورش دین داران واقعی در نظر بگیرد و با تمام وجود، خود را به تقوا و عدالت بیاراید و با اخلاص و ارادت منتظرش باشد.

از دیگر زینت‌های لازم برای شخصیت منتظر، حلم، بردباری و صبر است که مسافر راه پر فراز و نشیب انتظار باید بدان آراسته باشد. بر پایه روایت مفصلی که شرایط عصر غیبت و اوضاع پیش از ظهور را مطرح کرده، می‌توان این نکته را دریافت که در دوران غیبت، فشار زیادی بر منتظران مخلص و صدیق مهدی (عج) وارد می‌شود. مقاومت و پایداری در چنین شرایطی، به توان بالای روحی نیاز دارد. منتظران باید بکوشند، تا به درجات بالای صبر نایل گردند؛ صبری که طبق حدیث شریف، «رأس الایمان» است. در این میان همدلی، همراهی، مهربانی و نوع دوستی از جمله نکاتی است که منتظران امام زمان (عج) باید بدان‌ها توجه ویژه داشته باشند.

ما در این نوشتار بر آنیم تا گوشه‌ای از شیوه‌های تربیت نسل منتظر را فراروی علاقه‌مندان قرار دهیم. در آخر بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که در تولید و نشر این اثر، حقیر را یاری نمودند، به ویژه پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین رحیم کارگر تشکر کرده موفقیت آنان را از درگاه ایزد منان طلب نمایم.

و توفیق از خداوند است

علی اصغر کیانی

قم مهرماه - ۱۳۸۸

فهرست مطالب

فصل اول	۹
کلیات	۹
مقدمه	۱۰
زندگی مهدوی	۱۳
الف. انتظار	۱۵
۱. انتظار منفی و انزواگرایانه	۱۵
۲. انتظار مثبت و پویا	۱۸
انتظار و تحقق آن در جامعه	۱۹
انتظار پویا و تربیت نسل منتظر	۲۱
ب. ابعاد انتظار	۲۳
ج. مفهوم تربیت	۲۶
جایگاه و منزلت انسان	۲۸
۱. دنیا طلبی	۲۹
۲. گروه‌گرایی مفسدانه	۳۰
۳. شهوت طلبی	۳۰
۴. غفلت و نشناختن مسئولیتها	۳۱
۵. تن‌آسایی و راحت‌طلبی	۳۱
۲. تربیت مهدوی، رستگاری دینی	۳۲
نظام تربیت دینی	۳۳
فصل دوم:	۳۷
۱. آرمان خواهی	۳۸

۴۰	۲. منجی گرایی
۴۳	۳. چشم براهی
۴۶	۴. امیدواری و رجاء
۴۸	۵. تلاش و کوشش (فردی، اجتماعی)
۵۰	۶. گزینش درست
۵۲	۷. شور و اشتیاق
۵۳	۸. دور اندیشی
۵۴	۹. زمینه سازی
۵۶	۱۰. آمادگی

فصل سوم: ۵۹

۶۱	۱. شناخت و معرفت
۶۵	۱.۱. راههای شناخت
۶۵	الف. بررسی ادله حقانیت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۷	ب. مطالعه منابع مهدوی
۶۷	ج. آشنایی با دیدگاههای نجات گرایانه
۶۸	د. ایمان به وجود همیشگی راهنما و هدایتگر
۶۹	ه. شناخت حسب و نسب
۷۰	و. شناخت شخصیت
۷۱	۲. وظیفه گرایی و شناخت مسئولیت
۷۶	۳. ایمان و باوردداشت
۷۹	۴. رابطه و پیوند
۸۱	۵. همسویی
۸۲	۵-۱. توجه دائمی به یاد و نام امام <small>علیه السلام</small>
۸۳	۵-۲. خضوع و خشوع در برابر حق و دستورات امام
۸۳	۵-۳. سعی در جلب رضایت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۴	۵-۴. حرکت در مسیر اهداف امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۵	۵-۵. توسل و توجه به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۶	۶. همدلی و همرنگی
۸۸	۷. یقین و دوری از شک

فصل چهارم: ۹۱

تربیت اعتقادی ۹۱

۱. راه شناسی ۹۲

۲. آسیب شناسی ۹۴

الف. عوام زدگی ۹۶

ب. تضعیف باورها و اعتقادات ۹۶

ج. آرمان پردازی صرف ۹۷

د. دنیا طلبی ۹۸

ه. دیدارگرایی (آرزوی افراطی برای ملاقات با امام زمان عج) ۹۹

۳. دشمن شناسی ۱۰۲

الف. منفعت طلبی ۱۰۳

ب. روحیه استکباری ۱۰۵

۴. راهنما شناسی (امام شناسی) ۱۰۵

۵. مسئولیت شناسی ۱۰۸

۶. دین مداری ۱۰۹

فصل پنجم: ۱۱۳

تربیت اخلاقی ۱۱۳

۱. اخلاق گرایی ۱۱۴

۲. پاکسازی اخلاقی ۱۱۷

۳. زیباسازی اخلاقی ۱۲۱

۴. دائمی سازی اخلاق ۱۲۳

۵. پاک‌زیستی ۱۲۴

فصل ششم: ۱۲۷

تربیت اجتماعی ۱۲۷

۱. انزوا گریزی ۱۲۸

۲. جمع گرایی (انسجام) ۱۳۱

۳. مدعی ستیزی ۱۳۴

۴. انحراف ستیزی ۱۳۵

- الف. پرهیز از تعیین وقت ۱۳۵
 ب. دوری از مطالب سست و بی بنیاد ۱۳۷
 ج. پرهیز از طرح مسائل کم اهمیت ۱۳۹
 ۵. استواری و پابرجایی ۱۴۰

فصل هفتم: ۱۴۵

- تربیت عاطفی ۱۴۵
 ۱. جذب و کشش ۱۴۶
 ۲. دوستی ۱۴۹
 ۳. ولاء و پیوند (وصل) ۱۵۰
 ۴. عشق (حبّ ماندگار) ۱۵۲

فصل هشتم: ۱۵۵

- تربیت برتر ایمانی ۱۵۵
 ۱. خدا گرایی ۱۵۷
 ۲. روشن بینی و دقت ۱۵۹
 ۳. آگاهی به اوضاع جهان و وظایف خود ۱۶۰
 الف) آگاهی نسبت به سنتها و قوانین الهی ۱۶۰
 ب. آگاهی به نقش خود در تغییر اوضاع ۱۶۲
 ج) آگاهی به مشکلات و سختیهای دوران غیبت ۱۶۲
 د) آگاهی نسبت به حوادث و رویدادهای جهان ۱۶۳
 ۴. منزلت شناسی ۱۶۴
 ۵. اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط) ۱۶۹
 ۶. حق باوری (حق پویی) ۱۷۰
 کتابنامه ۱۷۲

فصل اول:

کلیات

۱. مقدمه
۲. زندگی مهدوی
۳. جایگاه و منزلت انسان
۴. نظام تربیت دینی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین انگاره‌های ارزشمند در زندگی شیعه، آموزه شکوهمند و متعالی «مهدویت» است. اندیشه مهدویت و پیوند عمیق شیعه با این آموزه بلند و بالنده به عنوان بهترین و تنها راه نجات جهان بشریت است. تفکر مهدوی و راه‌کار انتظار، تنها راه برون‌رفت جهان از بن‌بست روانی و اعتقادی است که به خاطر سوء تدبیر صاحبان قدرت گرفتار آن شده است. جهان امروز همانند کشتی‌ای است که در دریایی طوفانی گرفتار شده است. اگر افراد این کشتی فرض را بر این بگذارند که تا چشم کار می‌کند هیچ فرد یا ساحل نجاتی در دسترسشان نیست، به‌طور حتم و بدون تردید مرگ آنان حتمی است، قطعاً هیچ تلاش و کوششی برای نجات خویش نخواهند کرد؛ چرا که حتی کورسویی از امید به نجات و زنده بودن در وجود آنان سوسو نمی‌زند. اما اگر بدانند که در نزدیکی آنان ساحلی است که می‌توانند با کشتی خود در آنجا پهلو گرفته و نجات یابند، با تلاش فراوان سعی در نجات خود خواهند کرد. همین اندازه که امید در دل انسان زنده شود، مرگ

سایه خود را برمی‌چیند و زندگی برای انسان معنای دیگری خواهد گرفت. مهدویت برای بشریت همان امید به حیات است که ارتباط با آن و فهم و به کار بستن آن از ضروریات زندگی بشری برای حیات ابدی است. باورداشت مهدویت همان اعتقاد به وجود ساحل نجاتی است که بشر گرفتار و طوفان‌زده عصر غیبت، که به ابر طوفان هلاکت و درماندگی گرفتار است را به آینده‌ای روشن و سرشار از امنیت و آسایش نوید می‌دهد.

ایمان، اعتقاد و باور به مهدویت و وجود آخرین ذخیره الهی برای هدایت بشر، منبع همه کمالات و انتهای تمام راه‌های هدایت و تربیت است. پذیرش مهدویت و تربیت مهدوی چشم‌اندازی زیبا و سرشار از نیکی‌هاست که در انتظار سبز آن، همه خوبی‌های عالم برای انسان جلوه‌گر است.

اعتقاد به مهدویت و باور به نجات‌دهنده‌ای الهی یعنی باور به آینده‌ای سرشار از خوبی‌ها، امید و آسایش فراگیر و همگانی. علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۵ سوره نور^۱ می‌گوید:

«این آیه وعده... زیبایی است... خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان برپا می‌دارد که به تمام معنا صالح باشد، و از ملکه کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برند و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، در امنیت زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی و خارجی نداشته باشند. این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...».

در دنیا منعقد نشده، و دنیا... تاکنون چنین جامعه‌ای به خود ندیده است، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی علیه السلام خواهد بود. چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد... حق این است که... آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی علیه السلام به زودی منعقد می‌شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست!

این مهم در قالب باور به مهدویت و انتظاری پویا برای رسیدن به چنان روزی برای بشر دست‌یافتنی می‌شود. بزرگ‌ترین و بلندترین آرزوی همه بشریت، آمدن چنین بزرگ‌مرد الهی است تا مشکلات دنیا رفع و عقده‌های تاریخی بشر با جلوه نورانی ظهورش گشوده شود و شب طولانی غیبت به نور ظهورش روشن و تاریکی ظلم و بیدادگری به پرتو عدلش ریشه‌کن گردد.

از این رو تربیت نسل منتظر بر اساس آموزه‌های دینی و باورهای اسلامی در مسیر انتظار و توأم با فرهنگ مهدوی، منتظر را در راستای آرمان والا قرار می‌دهد. اهمیت تربیت نسل انتظار بر اساس آموزه‌های دینی و باورهای عمیق مهدوی، وقتی روشن‌تر می‌شود که با دقت در آیات و روایات به دست می‌آید که قیام حضرت مهدی علیه السلام نیاز به یاران و انصاری دارد که با تربیت و پرورش آنها امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین هر منتظری باید تمام تلاش خود را در این راستا به کار بندد. ما در این نوشتار برآنیم تا اصول تربیتی

نسل منتظر را به کنکاش بنشینیم و راه‌های آماده‌سازی آنان را در جهت ارتباط و پیوندی عمیق با امام مهدی علیه السلام بررسی کنیم.

زندگی مهدوی

ما به عنوان باورداران به ظهور منجی موعود، یک سری وظایف و برنامه‌های بایسته‌ای داریم که عمل به آنها ما را جزء منتظران واقعی قرار می‌دهد.

یکی از این برنامه‌ها، داشتن زندگی مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی است. امام زمان، الگو و اسوه کاملی برای داشتن یک زندگی الهی و شایسته است که با اقتدا و تاسی به او، می‌توانیم روزنه‌های کامیابی و موفقیت را به روی خود بگشاییم.

علاوه بر این ما باید تمامی تلاش خود را در جهت رسیدن به آن جامعه موعود به کار بندیم پس یکی از جلوه‌های بارز آموزه انتشار، زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است. ما باید تمام تلاشمان را بکنیم تا این ودایع الهی و ایمانی، ظهور و بروز یابند. برنامه‌ریزی ما باید به نحوی باشد که حتی آنانی را که در آینده به دنیا می‌آیند را در برگیرد. بی‌شک یک نسل مطهر و منتظر، نیازمند فضایی پاک و سرشار از انتظار و امید است تا بتواند در آن رشد کند. به عبارت دیگر، برای داشتن فرزندان و نسلی منتظر، پیش از آنکه خود به این باور برسیم، باید چنین فضایی را مهیا سازیم.

ما باید برای نسل‌های منتظر برنامه‌ریزی کنیم و به این وظیفه و تکلیف خود باور داشته باشیم. باید در تمام برنامه‌ها و اصول زندگی، برنامه‌ای در جهت صحیح زیستن نسل‌ها داشته باشیم و بر اساس هدف خلقت و آفرینش و طبق دستورات برترین دین الهی حرکت کرده و مانع از تخریب نسل‌ها به

واسطه زیاده خواهی‌ها شویم. در مقابل، کوتاهی و بی توجهی و دنیاگرایی ما می‌تواند ظهور را تا مدت نامعلومی به تأخیر انداخته، بشر را از رسیدن به بالاترین آرزو (رسیدن به کمال در دولت معصوم) دور نگه دارد و به موهومات دنیوی مشغول نماید. اگر چه بنا به وعده الهی، حتی اگر یک روز از عمر جهان مانده باشد، خداوند حضرتش را ظاهر خواهد ساخت و دولت حق محور و عدالت گرا را بر جهان حاکم خواهد کرد؛ اما عملکرد ما به عنوان منتظران ظهور، در ایجاد و تحقق این وعده الهی می‌تواند مؤثر باشد؛ چرا که سعادت افراد و گروه‌ها در عصر غیبت بستگی به میزان تأثیر آنها در فرهنگ انتظار و مهدویت و تحقق وعده الهی دارد.

برای داشتن زندگی مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی و تعجیل در ظهور و زمینه‌سازی آن، باید افکار و تمایلات افراد را به این سمت سوق دهیم که خودشان خواهان ایجاد و تربیت نسلی منتظر باشند.

شهید مطهری در پاسخ به این سؤال می‌گوید: بسیاری از آدم‌های خوب، صالحند نه مصلح. صالح شدن یک فرد، اصلاً ساده نیست و زحمت زیادی می‌طلبد، ولی با مصلح فاصله دارد.^۱ در فرهنگ انتظار انسان باید هم صالح باشد و هم مصلح که بتواند در ظهور و قیام حضرت تأثیر داشته باشد.

در این نوشتار به بررسی نکاتی می‌پردازیم که باور و عمل به آنها در تربیت نسلی مؤمن، متعهد، منتظر و کارآمد، مؤثر است. در این نوشتار ابتدا به مفهوم و مبانی انتظار پرداخته، پس از آن به بررسی مفهوم تربیت و مبانی

آن اشاره می‌کنیم. در ادامه به مأموریت اصلی نوشتار که بیان نکات مؤثر در تربیت نسل منتظر است می‌پردازیم.

الف. انتظار

فرهنگ انتظار؛ چشم به راهی است، چشمداشت به آینده‌ای روشن و منتظر دگرگونی بودن و در اصطلاح، انتظار ظهور منجی آسمانی است. انتظار در مکاتب الهی - بالأخص مکتب شیعه - جایگاهی بس والا دارد و شیعیان بر اساس آموزه‌های دینی، منتظر ظهور و قیام مردی از سلالهٔ پیامبر خاتم صلوات الله علیه در آخرالزمان هستند. نامش مهدی است و با قیام و انقلاب جهانی خود، طومار ظلم و فساد را برچیده و اخلاق و معنویت را حاکم خواهد کرد. آشنایی کامل و دقیق با این واژه ارزشمند در انتخاب راه و باور صحیح کمک فراوانی می‌کند. برداشت‌های متفاوت از انتظار نگاه‌های صحیح و ناصحیح، گرایش‌های متفاوت در رفتارهای گوناگون در طول تاریخ در برخورد با این مفهوم را با خود به همراه داشته که برای روشن شدن آنها به بررسی مفهوم آن می‌پردازیم تا تأثیر انتظار و نوع برداشت از آن را در تربیت نسلی منتظر و امیدوار به قیام و حکومت امام زمان علیه السلام بررسی و بهره‌برداری کنیم.

در طول تاریخ شیعه، از این انگارهٔ ارزشمند دو نوع برداشت شده است:

۱. انتظار منفی و انزواگرایانه

انتظاری است که انسان در آن برای خود توان و تأثیری در جلو یا عقب انداختن آن قائل نیست؛ همچون انتظاری که شخص غریب در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل به سوی خود دارد؛ اما خود هیچ حرکت و تلاشی

برای نجاتش انجام نمی‌دهد!!

این نوع انتظار به لحاظ اینکه برنامه‌ای برای آینده ندارد، انسان را به انزوا و درماندگی و دست روی دست گذاشتن و نشستن می‌کشاند. در این حالت، منتظر بی‌هیچ گونه تلاشی و صرفاً به امید آینده‌ای بهتر، در انتظاری فرسایشی به سر می‌برد. در این رویکرد افراد از زیر بار هر نوع مسئولیت اجتماعی و وظیفه خود در قبال جامعه، شانه خالی می‌کنند!! در برابر فساد، ظلم، بی‌عدالتی و بیدادگری سکوت کرده، از خود اراده و حرکتی نشان نمی‌دهند و در برابر اتفاقات غم‌انگیز، فسادهای فراوان و ستم‌های ظالمان سکوت کرده و تنها به جمله «خدا امام زمان را برساند تا مشکلات را حل کند» اکتفا می‌کنند! متأسفانه این گروه خود را در زمره منتظران حضرت حجت علیه السلام می‌دانند! البته باید برای ایشان روشن کرد که راه انتظار دشوارتر از آن است که بتوان تنها با جمله‌ای کوتاه و عبور از مشکلات و رسیدن به زندگی دنیایی خویش در آن واقع شد. بنابراین می‌بایست از این انگاره والا و این راه پر فراز و نشیب تاریخ بشری معنای دقیق‌تری برداشت کرد؛ چرا که برپایی حکومت مهدوی در این عالم - چنانکه از روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود - کاری بس عظیم و دشوار است. در این نگرش، انتظار، عامل رکود، عقب ماندگی و سستی است و منتظران از هرگونه تلاشی برای اصلاح جامعه دست شسته و در برابر ظلم ستمگران و فساد مفسدان راه بی‌اعتنایی، سکوت و مصلحت‌اندیشی منفعت‌گرایانه را در پیش می‌گیرند، تا آنجا که برخی مواقع به این باور نیز می‌رسند که می‌بایست به ظلم و فساد در جهان دامن زد و یا باید چنان بی‌اعتنایی کرد

تا سراسر گیتی را بی عدالتی و ظلم فراگیرد!! از نگاه شهید مطهری؛ این نوع انتظار، برداشتی قشری از مهدویت و قیام مهدی موعود است؛ به طوری که برخی گمان می کنند قیام حضرت مهدی علیه السلام، تنها ماهیت انفجاری داشته و به دنبال گسترش و رواج ظلم، تبعیض و تباهی ها شکل می گیرد. ^۱ البته این دیدگاه در فرهنگ غنی شیعه جایگاهی ندارد. امام خمینی علیه السلام که خود سر سلسله منتظران دولت یار بود، در این رابطه می فرماید:

«بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. این ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند؛ بلکه بعضی از آنها را که من سابقا می شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود. یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب علیه السلام بود.

اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می کردند و نهی از منکر هم می کردند و امر به معروف هم می کردند؛ لکن همین، دیگر غیر از این کاری از شان نمی آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم؛ ما تکلیف (های) خودمان را عمل می کنیم. برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت می آیند ان شاء الله درست می کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف

ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت ما می‌گذرد، نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته مردمی بودند که صالح بودند»^۱

۲. انتظار مثبت و پویا

در این نوع نگاه به انتظار، انسان توان و قدرت نزدیک کردن یا به تأخیر انداختن آن را دارد. چنین فردی شبیه به انسانی است که در انتظار تمام شدن جنگ و یا در انتظار تمام شدن پایان پروژه و یا یک عملیات ساختمانی است و می‌تواند در سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها نقشی مؤثر و مفید داشته باشد.

بنابراین، این امکان برای انسان وجود دارد که در اجرای پروژه‌های تجاری یا عمرانی یا علمی عجله کند یا اجرای آن را به وقتی دیگر موکول کند یا اصلاً آن را رها سازد. همچنین این امکان برای وی هست که به سوی پیروزی بر دشمن شتاب کند و یا سستی ورزد و آن را به تأخیر اندازد و حتی از خیر بگذرد.

از این‌رو، در انتظار نوع دوم حرکت، پویایی، رشد و بالندگی خاصی وجود دارد که انسان را متحرک و پویا می‌کند. روشن است که اگر انسان بداند نجات، رهایی و آسایش و امنیت و بالاخره کمال و سعادتش به حرکت، عمل و تلاش خود او بستگی دارد، سریع و بالنده و پویا برای نجات خویش حرکت خواهد کرد.

بنابراین اگر در انتظار نوع اول، تنها، امید به آینده هست و منتظر در آن انتظار صرفاً به آینده‌ای روشن دل خوش است، در انتظار با نگاه و رویکرد

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۲۱، ۱۴-۱۳.

دوم، علاوه بر امید، حرکت، پویایی، رشد و بالندگی که از اساسی‌ترین لوازم تربیت نسل منتظر است نیز وجود دارد. چنین انتظاری، امیدی با ویژگی‌های زیر را زنده می‌کند:

الف. امیدی که انسان را از غبار غم‌بار «حال رها» کرده و نگاهش را به «آینده» ای سرشار از خوبی‌ها منتهی می‌کند.

ب. امیدی که انسان را در برابر مشکلات پایدار و مقاوم می‌کند.

ج. امیدی که نسل منتظر را در رسیدن به قلّه نجات و کمال ورهایی از مشکلات و آسیب‌های ناشی از هجوم دشمنان یاری می‌نماید. چنین انتظاری، همان «انتظار پویا» و برترین نوع انتظاری است که نسل منتظر برای رسیدن به سرمنزل مقصود و یاری موعود، محتاج آن بوده و می‌بایست برای به دست آوردن آن تلاش فراوان کرده، وجود خویش را سرشار از آن گرداند.

انتظار و تحقق آن در جامعه

بنا بر آنچه در منابع و معارف عظیم دین اسلام و نیز کتاب‌های دیگر ادیان در مورد موعود آخرالزمان و انقلاب مهدوی آمده، این نهضت عظیم و انقلاب فراگیر، از آن تمام جهان است. قرار است ریشه ظلم و نابرابری در سراسر عالم به دست ایشان خشکانده و بساط ظالمان برچیده شود. عدل و عدالت در تمام جهان گسترش یابد و قانون الهی محور و حاکم شود. چنین امری نیازمند دو مؤلفه است: یکی بالا رفتن درک و شعور انسان برای رسیدن به چنان وضعیتی و مهیا شدن برای تحقق آن. دوم حرکت در آن مسیر و قرار گرفتن در راستای آن. از آن جا که منفعت طلبان و ظالمان فراوانی هستند که دنیای خویش را با وجود این حرکت در خطر دیده و برای جلوگیری از آن هر آنچه

بتوانند انجام می‌دهند؛ ایجاد زمینه و چنین بستری برای فرهنگ انتظار نیاز به آمادگی و توجه بیشتر و جدی‌تری دارد. از روایات استفاده می‌شود که برای رسیدن به این نقطه، باید کوشش‌ها کرد و موانع را از سر راه برداشت؛ چنانکه خود حضرت حجت علیه السلام نیز با زحمات و تلاش‌های فراگیر و گسترده قیام خود را آغاز خواهد کرد. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «مهدی از این جهت به جدش محمد شباهت دارد که با شمشیر قیام می‌کند، دشمنان خدا و رسول و ستمکاران و گمراه‌کنندگان را به قتل می‌رساند، با شمشیر و ترس نصرت می‌یابد، هیچ یک از لشکریانش با شکست مواجه نمی‌شوند».^۱

در روایتی از ابی جعفر علیه السلام آمده است که به ایشان عرض کردند: وقتی مهدی علیه السلام بیاید کارها برایش روبه‌راه می‌شود و به اندازه شاخ حجامتی هم خونریزی نمی‌شود؟ حضرت در جواب فرمود: به خدا سوگند چنین نیست! اگر چنین موضوعی امکان داشت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت می‌گرفت. در صورتی که در میدان جنگ دندان‌ش خونین شد و پیشانی مبارکش شکست. به خدا قسم نهضت صاحب الامر هم انجام نمی‌گیرد، مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خون‌ها ریخته شود. در اینجا راوی می‌گوید: امام دست به پیشانی مبارکش کشیدند.^۲ آن که انتظار را خلاصه در آرزو کردن آن می‌داند و حرکتی جدی و مؤثری در این مسیر نمی‌کند، نمی‌تواند خود را در چنین راهی قرار دهد؛ زیرا برای رسیدن به هدف باید جان و مال خود را بی

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸، ح ۷.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۸، ح ۱۲۳.

مقدار دانسته در رکاب حضرتش به جنگ و جهاد پردازد^۱.

انتظار پویا و تربیت نسل منتظر

منتظر باید در راه انتظار، حرکت، پویایی و آمادگی کافی برای رسیدن به آینده‌ای بهتر داشته باشد. این نوع از انتظار است که باید در راستای تربیت نسل منتظر مورد توجه قرار گیرد و منتظر با این رویکرد، برای حرکتی عظیم و رسیدن به آینده‌ای سرشار از خوبی‌ها آماده و تربیت شود.

گروه دوم از منتظران در تاریخ، کسانی هستند که با این مبانی، در راه انتظار قدم گذاشته و منتظر واقعی بوده‌اند. با نگاهی گذرا و اجمالی نیز می‌توان دریافت که آنچه در کلام اهل بیت علیهم‌السلام ناروا و باطل معرفی شده، همان معنای اول از انتظار است و آنچه که در کلام و سخنان نواری آن بزرگواران به روشنی بیان شده است و برای هدایت بشر و نتیجه گرفتن از زندگی بدان سفارش شده، همان انتظار همراه با حرکت، بالندگی، رشد و پویایی است که اهمیت ویژه و بالایی در معارف دینی دارد.

«انتظار الفرج عبادة»، سئل عن علی علیه‌السلام رجل ای

الاعمال أحب الی الله عزوجل؟ قال علیه‌السلام: انتظار الفرج^۲؛

انتظار فرج عبادت است. فردی از حضرت علی علیه‌السلام سؤال

کرد محبوبترین اعمال نزد خدای عزوجل کدام است.

حضرت علیه‌السلام فرمود: انتظار فرج.

۱. البته بدیهی است که این جنگ و جهاد در برابر ظالمان، منفعت طلبان و بیدادگرانی

است که به خاطر دنیای خویش با امام زمان علیه‌السلام از سر جنگ در می‌آیند.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ذیل حدیث ۳.

و این انتظار است که در تربیت نسل منتظر نقش بسزایی را ایفا می‌کند. لذا اهمیت و ضرورت انتظار آن هم به معنای صحیح آن برای منتظر و برنامه‌ریزان در جهت تربیت نسلی منتظر روشن می‌شود.

انتظار به معنای چشم به راهی همراه با امید و تلاش است که به تربیتی آگاهانه و پیش برنده منجر می‌شود. گوشه‌گیری، انزوا و ماندن در جای خود به امید روزی بهتر، امری نیست که بتوان برای آن ارزشی قائل شد و برنامه‌ای نظام‌مند بر اساس آن تعریف کرد. آنچه که باید مدنظر قرار گیرد و انگیزه لازم را در شخص در جهت تربیت عالمانه برای رسیدن به هدفی بهتر ایجاد نماید، انتظار همراه بالندگی و حرکت روبه جلو با هدف مشخص است. منتظری که از حیث کمال به نقطه مطلوب می‌رسد و لیاقت توجه ویژه روایات و تعاریف اهل بیت علیهم‌السلام را پیدا می‌کند، دارای انتظاری هدفمند و مطابق با آموزه‌های دینی همراه با مقاومت و صبر است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«من مات منکم علی هذا الأمر، منتظراً له، کان کمن کان فی فسطاط القائم! إن المیت منکم علی هذا الأمر، بمنزلة الضارب بسيفه فی سبیل الله...!»

کسی که از شما منتظر این امر باشد و در حال انتظار بمیرد، مانند کسی است که در خیمه (فرماندهی) حضرت قائم علیه‌السلام باشد. کسی که روی این اعتقاد بمیرد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر بزند...».

از امام جواد علیه السلام نیز نقل شده:

«أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج. من عرف هذا الأمر
فقد فرج عنه بانتظاره»^۱

برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است، هر کس این امر را
بداند و آن را بشناسد، خداوند با همین انتظار برای آنها فرج
عطا می‌فرماید.»

اساس تربیت دینی و رشد اخلاقی انسان حق‌گرا، در گرو انتظار فرجی
است که از ایمان و باور راستین به حضرت مهدی علیه السلام و انجام مأموریت
بزرگ الهی در پیش دارد. انتظار، ایمان به غیب است که انسان را به عمل
صالح و ادا داشته و بر اعتقاد صحیح، استوار نگه می‌دارد.

انتظار فرج، چشم به راهی برای حضور و ظهور امام و رهبری است که جهان
را آکنده از عدل و داد کرده و ظلم و ستم را از جهان ریشه کن می‌نماید.
آری! انتظار با این نقش تربیتی و سازنده‌ای که دارد، از برخی
عبادت‌های فردی و اجتماعی برتر بوده، تأثیر به‌سزایی برای رشد و تعالی
فردی و اجتماعی بشر دارد.

ب. ابعاد انتظار

انتظار در آیین‌ها و مکاتب مختلف به عنوان پدیده‌ای تاریخی وجود دارد و
بیشتر آنها منتظر ظهور منجی آسمانی هستند، ولی در بعضی زمینه‌ها و ابعاد
آن اختلافاتی دارند؛ از جمله اینکه منجی موعود کیست و وظیفه منتظران
چیست؟ از نظر ما انتظاری پویا، رشد آفرین و پرفایده است که، منجی آن

شناخته شده و وظایف و مسئولیت‌های منتظران مشخص باشد. آن که جهان در انتظار دولت سرای او روزگار سپری می‌کند، باید هویت شخصی و مشخصات خانوادگی‌اش روشن و اجداد او شناخته شده باشند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«المهدی من ولدی، اسمه اسمی، و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً...»؛^۱ «مهدی از نسل من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، شبیه‌ترین مردم است به من از نظر اخلاق و چهره».

این دیدگاه روشن شیعه است که می‌گوید: ظهور منجی موعود (امام مهدی علیه السلام) بر خلاف آنچه دیگر مکتب‌ها و مذاهب باور دارند - که هیچ چیز از آن حرکت به روشنی معلوم نیست، بر اساس برنامه حساب شده و با خواست خدای متعال انجام می‌گیرد. او با ویژگی‌های خاص و مشخص و معین متولد شده است و با عمری طولانی اکنون در حال حیات است. به اوضاع و احوال انسان‌ها آگاه و با آنها از نظر معنوی در ارتباط است.

از جمله شاخصه‌هایی که در روایات بحث شده و با همه جزئیاتش مشخص و روشن است، سیره، روابط، فعالیت، نگاه و حتی ویژگی‌های جسمانی منجی موعود، حضرت حجت است که کاملاً بیان شده است.^۲

این بُعد انتظار زنده و پویا، همان نظریه سازمان یافته است که شیعه، به آن باور و اعتقاد داشته و او را از سایر ادیان و مذاهب جدا می‌کند.

۱. امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری، چاپ دارکتب الاسلامیه تهران، بی‌تا، ص ۴۲۴.

۲. رک: ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب‌الغیبه، ص ۴۶۷.

در نگاه دیگر مکاتب نیز ممکن است فرد مورد نظرشان بعضی از این ویژگی‌ها را داشته باشد اما نظر آنان بر اساس احتمالات است و نقطه مسلم و روشنی در نوشته‌ها و گفته‌هایشان نیامده است. اما در نظر شیعه، آن رویداد بزرگ با تمام زوایا و اتفاقاتش، چون آفتابی تابنده در دل معارف دینی نورفشانی می‌کند و در انتظار ظهور و بروز اجتماعی روشن به روزگار می‌گذراند. بر اساس باور شیعه، ظهور و انقلاب مهدوی علیه السلام یک حرکت تکاملی است و با همه زوایا و جزئیاتش نشانه‌هایی از آن در دست است و به طور قطع و یقین تحقق پیدا خواهد کرد.

«لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذالک الیوم حتی
 یبعث رجلا منی یواطئی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم
 أبی یملاً الأرض عدلا کما ملئت ظلما و جورا!»
 اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را
 طولانی می‌کند تا اینکه مردی را مبعوث کند که نامش هم
 نام من و پدرش هم نام پدر من است تا که زمین را از عدل
 پر کند چنان که از ظلم و جور پر شده است.»

و نیز بر این باوریم که ظهور و انقلاب امام زمان علیه السلام در تمام ساحت‌ها و زوایای زندگی بشر تحول عظیمی ایجاد خواهد نمود؛ تحولی مثبت که در جهت تأمین سعادت بشر در همه ابعاد رفاهی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد بود که بنیاد آن بر اساس معنویت و عقلانیت است.^۲ بر این اساس روشن می‌شود که نظریه انتظار در نگاه تربیتی شیعه بر همه اجزای تربیت

۱. همان، ص ۱۸۱.

۲. گفتمان مهدویت، سخنرانی‌ها و مقالات گفتمان چهارم، ص ۴۲.

مؤثر است و در واقع تحولی مثبت و مؤثر در رشد و تکامل عقلی و معرفتی انسان‌هاست. بر این اساس تربیت فرد و اجتماع در فلسفه شیعه به هم آمیخته و جدایی ناپذیر است؛ یعنی انتظاری که برای تحقق یک پدیده بزرگ اجتماعی است، به شکل قابل توجهی به تربیت فرد فرد اجتماع گره خورده است و از طرفی تربیت افراد اجتماع با تحقق آن حادثه ارتباط جدی دارد. اصولی که شالوده تربیت فردی است؛ زیر بنای سیاست اجتماعی است و همان اصولی که مبنای سیاست اجتماعی است، اساس تربیت فردی است. از این روست که اگر فرد بر اساس باورهای عمیق اسلامی تربیت شود، چنان ساخته و آماده می‌شود که گویی تجسم حاکمیت سیاسی اسلام است. و اگر سیاست اداره جامعه، اسلامی باشد جامعه چنان کوشا و هماهنگ حرکت می‌کند که گویی همه پیکره اجتماع یک نفر و یک عینیت است.^۱

ج. مفهوم تربیت

این واژه بر پرورش دادن استعداد های انسانی؛ یعنی فراهم کردن زمینه‌های رشد استعداد های آدمی، دلالت می‌کند. «تربیت» از ریشه «رَبُو» به معنای زیادت، فزونی، رشد و برآمدن گرفته شده است^۲ و کاربردهای گوناگون از این ریشه همگی این معنا را در بردارد. «رَبُو» نَفَس عمیق و بلند را گویند که موجب بر آمدن سینه است. «رَبُو» یعنی سرزمین بلند و مرتفع،^۳ «رابیه» نیز به

۱. رک: حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۲۱۸.

۲. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳. «و جعلنا ابن مریم و أمه آیه و اوینا هما إلی ربوه ذات قرار و معین؛ و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلند که جای زیست و دارای آب زلال بود جای دادیم.»

همین معنا است^۱ و «ربا»؛ یعنی افزون شد و نمو کرد که در اصطلاح شرع مخصوص به افزون شدن سرمایه با غیر از سود شرعی است. «أربی علیّه» یعنی بر او اشراف و احاطه یافت. «ربیت الولد فربا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد.^۲ در قرآن کریم نیز این معنا آمده است: «وقل رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً»^۳؛ «بگو پروردگارا آن دو (پدر و مادر) را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند».

راغب اصفهانی می‌نویسد: «ربیت» (تربیت کردم) از واژه «رَبُّو» است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رَبَّ» (رَبَّبَ) بوده است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است. مانند «تَظَنَّنْتُ» که به «تَظَنَّنْتُ» تبدیل شده است.^۴ «رَبَّ» به معنای مالک، صاحب، خالق، مدبر، مربی، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیز را «رَبَّ» گویند.^۵ بنابراین «رَبَّ» به معنای مالک و مدبر و تربیت کننده است. «رَبَّ» در اصل به معنای تربیت و پرورش است؛ یعنی، ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و کمال خود برسد.^۶ آنچه در تربیت روی

۱. راغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی، دارالمعرفه، بیروت، ص ۱۸۷.

۲. راغب اصفهانی، همان.

۳. اسراء (۱۷)/۲۴.

۴. راغب اصفهانی، همان.

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، مصر ۱۳۸۹ق، ج ۲، صص ۳۸۱-۳۸۲.

۶. مفردات، ص ۱۸۴.

می‌دهد، همین مفهوم است و البته نقش ایجابی در تربیت از آن «رَب العالمین» است و جز او همه نقش اعدادی دارند. بنابراین تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات یعنی اعداد است تا استعدادهای انسان از قوه به فعل درآید و شکوفا شود؛ و چون در تربیت اسلامی مقصود «کمال مطلق» است، باید گفت: «تربیت عبارت است از: رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.»^۱ و به عبارت دقیق‌تر تربیت عبارت است از پرورش و شکوفا ساختن استعدادهای درونی (استعدادهای بالقوه) انسان و به فعلیت و ظهور رساندن آن استعدادها.

جایگاه و منزلت انسان

انسان موجودی است با استعدادهای شگفت و گرانقدر، چنانکه از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

«الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة؛^۲

انسان‌ها معادنی هستند مثل معادن طلا و نقره».

از این رو هر آنچه سر راه انسان است و برای رشد و تعالی او مانع است باید او برداشته شود و زمینه رشد و پویایی و شکوفایی استعدادها و کشف معادن درون او به وجود آید. انتظار برای رسیدن به موعود الهی و داشتن حیات و زندگی شکوهمند مهدوی، نیاز به کشف و بارور کردن این پدیده مهم دارد که در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است. انسان، هم از روی

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۵.

۲. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، من لا یحضره الفقیه، منشورات

جامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۸۰، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۷۹.

فطرت پاک الهی و هم به تجربه تاریخی به این نتیجه رسیده است که سرانجام، روزی بشر از این فلاکت، سرگردانی، ناامنی، ترس، اضطراب، دلهره، فقر، فساد و... نجات خواهد یافت و روزها را به امید رسیدن به آن روزگار باید سپری کند. او می‌بایست که خود و جامعه خود را برای این منظور تربیت کند و یا زندگی متعالی خودش را بر اساس آن سامان بخشند و نقاط قوت خویش را برای رسیدن به این هدف والا شکوفا کند. همان طور که در تبیین مفهوم تربیت بیان شد برای تربیت و شکوفایی انسان تا رسیدن به نقطه پایانی و قله کمال، باید موانع برداشته شده و زمینه‌های لازم ایجاد گردد. از این رو با توجه به اینکه بشر امروز برای رسیدن به کمال مطلق و آسایش و امنیت واقعی و داشتن جامعه‌ای عدالت‌محور، چاره‌ای جز انتظار، واقعی ندارد، باید خود را برای این امر بزرگ تربیت کرده، موانع را بردارد زمینه لازم را برای رشد و پویایی خویش آماده سازد، اصلی‌ترین موانع سر راه تربیت منتظرانه بشر که در طول تاریخ اجازه حرکت صحیح را به او نداده است عبارتند از:

۱. دنیا طلبی

دنیا طلبی و مادی‌گرایی، از بدترین مشکلاتی است که انسان به جهت خواسته‌ها و تمایلات دنیوی و ظاهربین، سر راه خود داشته و برای رسیدن به آنچه او را سعادتمند می‌کند، باید با آن مبارزه کند. سنخیت با دنیای مادی و لذا بد زود گذر، سبب می‌شود تا انسان‌ها گرایش شدیدی به دنیا داشته باشند و تمام نگرش خود را برای دستیابی به آن سامان می‌دهند. از طرفی اهداف کوتاه مدت و دست یافتنی آن نیز بشر را به طمع انداخته، تشویق و ترغیب زیادی برای تحمیل خود به انسان انجام می‌دهد که البته شیطان هم در این مسیر

تلاش و تبلیغات بسیاری انجام می‌دهد. از این رو، نسل منتظر باید با تقویت ایمان و روحیه آخرت‌گرایی، این صفت ناپسند و خطرناک را در خود کنترل کرده و از دنیا برای رسیدن به اهداف عالی خود استفاده نماید.

۲. گروه‌گرایی مفسدانه

بسیاری به جهت منافع خویش و خواسته‌های نفسانی، دنیای عدالت محور و معنویت‌گرا را نمی‌خواهند، لذا با هر شخص و اندیشه‌ای که برای رساندن جهان به عدالتی فراگیر و امنیتی همگانی تلاش کند، مبارزه می‌کنند. در طول تاریخ گروه مفسدان و کفار تا آنجا که می‌توانستند از حرکت و رشد جبهه حق و معنویت جلوگیری کرده و به عنوان دشمنان درجه اول دستگاه الهی، هر آنچه در توان داشتند انجام داده‌اند. در این مسیر، انتظار و ظهور و انقلاب امام زمان علیه السلام نیز استثناء نبوده و دشمنان با تمام قدرت برای از بین بردن آن تلاش کرده‌اند. هرچند، تلاش آنان بیهوده بوده و این چراغ فروزان و ذخیره الهی در فطرت انسان‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و از بین نخواهد رفت. گروه دیگر منفعت‌طلبان و دنیامحوران و منافقان هستند که رسیدن انسان و جهان را به نقطه اوج انتظار و در نهایت حکومت عدل مهدوی، خطری بزرگ برای اهداف دنیایی خود می‌بینند و در جهت نفی آن تلاش می‌کنند. بنابراین نسل منتظر باید با شناخت و آشنایی با این گروه‌ها، خود را برای مبارزه با آنها آماده نماید و به رشد کامل برسد.

۳. شهوت‌طلبی

توجه بیش از حد به غرایز و شهوت‌طلبی، انسان را از رسیدن به درجه منتظران و قرار گرفتن در مسیر انتظار ممانعت می‌کند و رسیدن به دنیا و

مطامع دنیوی را سرلوحه تصمیمات و برنامه‌های او در زندگی قرار می‌دهد. انسان از آنجا که از دو بعد جسمانی و روحانی تشکیل شده است و بعد جسمانی نیز در او قوی‌تر و متناسب‌تر با این جهان است، همواره در معرض هجمه‌ها و حمله‌های شدید غرایز و شهوات است که باید خود را از آنها حفظ کرده، در صدد مبارزه برآید. راحت طلبی و تن‌پروری که از مهم‌ترین دسیسه‌های شیطان برای تقویت غرایز و شهوات در وجود انسان است باید کنترل و مهار گردد و نسل منتظر با تلاش و جهاد در راه خدا با این دشمن خطرناک مبارزه کرده شرایط رشد خود را فراهم آورد.

۴. غفلت و نشناختن مسئولیت‌ها

از جمله مهم‌ترین موانع بر سر راه سعادت بشری غفلت است. غفلت از شرایطی که در آن واقع شده و نشناختن مسئولیت‌هایی که به گردن اوست، از جمله نکاتی است که همواره انسان را از مسیر سعادت دور ساخته است. نسل منتظر باید مراقب باشد به غفلت مبتلا نشده و وظایف خود را فراموش ننماید. منتظر باید با توجه به شرایط و رخدادهای دوران انتظار کاملاً نسبت به آنچه پیرامون او می‌گذرد، آگاه، مطلع و با برنامه باشد. غفلت از دنیای پیرامون و نیز وظایف محوله و اهداف پیش رو، نسل منتظر را بی‌انگیزه، سازش‌کار، بدون برنامه، خمود، راحت طلب و... کرده و در هر شرایطی مغلوب دشمن می‌کند. بنابراین نسل انتظار باید هوشیار و آگاه به مسائل و با برنامه برای آینده زندگی کند.

۵. تن‌آسایی و راحت‌طلبی

طبیعت انسان به راحت‌طلبی گرایش دارد. اگر مواظبت نکند این راحت‌طلبی به معضلی در زندگی او تبدیل شده و از او یک انسان تن‌آسا و راحت

طلب خواهد ساخت. بدیهی است انسان راحت طلب و تن پرور نمی تواند در میادین سخت و مبارزات طاقت فرسا حضوری جدی و اساسی داشته باشد بلکه به بهانه های گوناگون از این گونه موارد کناره گیری می کند. از این رو نسل منتظر باید مواظب این بلیه بوده و خود را غرق در دنیا و راحت طلبی های خودخواهانه نکند. مسیر انتظار مرد ره می طلبد و ایشار و از خود گذشتگی، که هیچیک از اینها با تن آسایی، راحت طلبی و دنیاگرایی منفعت محور، سازگاری ندارد. نسل منتظر باید خود را به سلاح ایمان و قدرت صبر و توکل مجهز کرده برای جهادی عظیم مهیا نماید.

۲. تربیت مهدوی، رستگاری دینی

نکته دیگری که در پایان این بخش می توان به آن اشاره کرد، هدف از تربیت نسل منتظر است. آنچه می بایست مورد دقت قرار گیرد، هدف از خلقت انسان است که توسط خداوند متعال برای وی طراحی، برنامه ریزی و ابلاغ شده است. روشن است که خالق انسان بهتر از خود او و یا هر کس دیگری نسبت به اهداف این خلقت آگاهی دارد. آنچه در مبانی دینی و قرآن کریم به عنوان هدف غایی و نهایی از خلقت انسان مطرح شده با انگاره هایی همچون: عبادت و بندگی^۱، حیات طیبه^۲، فلاح^۳، اقامه قسط^۴، تهذیب^۵ و...

۱. الذاریات (۵۱)/۵۶.

۲. نحل (۱۶)/۹۷.

۳. أعراف (۷)/۶۹.

۴. حدید (۵۷)/۲۵.

۵. مؤمنون (۲۳)/۴.

بیان شده است. که با توجه به شرایط پیش آمده در طول تاریخ برای بشر، رسیدن به هدف غایی، - که البته جمع همه اهداف در قرآن کریم بندگی و عبادت خداوند متعال عنوان شده است - به دوران انتظار و پس از آن ظهور دولت یار موکول شده است. پس به نوعی می توان گفت تربیت منتظر برای قرار گرفتن در مسیر انتظار، همان تربیت انسان برای رسیدن به هدف غایی خلقت یعنی بندگی خداست که جز در سایه حکومت عدل مهدوی امکان تحقق ندارد و قرار گرفتن در زمره یاران آن ذخیره الهی راهی جز انتظار صحیح به معنای درست کلمه ندارد.

نظام تربیت دینی

در لغت «نظام» از ماده «نظم» به معنای ترتیب، سازمان، مقررات، ساختار روش مندانه و آیین نامه آمده است.^۱ در اصطلاح به معنای مجموعه اجزاء مرتبط و به هم پیوسته که مرکب واحدی را تشکیل می دهند، گفته می شود، به نحوی که خلل در یک جزء آن، همه اجزاء را از کار می اندازد.^۲ برای مثال، موتور اتومبیل از اجزاء و قسمت های گوناگون ساخته شده است که از کار افتادن یکی از اجزاء آن، تمام موتور را از کار می اندازد. نظام تربیتی نیز از عناصر، اجزاء و عوامل گوناگون به هم پیوسته و مرتبط با هم تشکیل شده است که در کنار هم نظام واحدی را تشکیل می دهند. گفتنی است هر چند هر عامل و عنصر خاص در تربیت، اثر خود را دارد اما مجموع عوامل به

۱. آذرنوش آذرتوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، واژه نظام، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۶۹۹

۲. شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۴۱۰.

عنوان یک مرکب به هم پیوسته هدف ویژه و خاصی را دنبال می‌کند. به شکلی که اگر یکی از اجزاء آن، به هر دلیلی از کار بیفتد و یا درست تبیین، تحلیل و ارائه و بهره‌برداری نشود، تمام مراحل تربیت بشری متزلزل شده، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

عناصر اصلی هر نظام تربیتی عبارتند از مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها، عوامل و مراحل تربیت.

مبانی تربیت به آن دسته از اندیشه‌های اساسی و بنیادینی گفته می‌شود که زیربنای فرآیند تربیت را تشکیل می‌دهند.^۱ اصول تربیتی عبارت‌اند از معیارهای کلی و نسبتاً ثابت در تربیت انسانی که از مبانی انتزاع می‌شود و خط مشی مربی را در اجرای فعالیت‌های تربیتی معین می‌کنند.

اصول از مقولهٔ هنجارهاست و مفهوم بایندی دارد که باید در فرآیند تربیت در نظر گرفته شود و تخلف از آن مجاز نمی‌باشد.^۲ اهداف تربیت که از عناصر اساسی در نظام تربیت به حساب می‌آید با نگاه به مبانی و اصول مورد نظر قابل دست‌یابی است. اگر مبانی تربیت، دینی بود و مبانی انتزاع شده از آن هم مطابق با آموزه‌های دینی وضع شد، هدف‌های نظام تربیتی نیز دینی خواهد بود. بر عکس، اگر اندیشه‌های نظری در باب کشف

۱. احسانی، محمد، دو ماهنامه پژوهش، سال پنجم، شماره بیست و هشتم، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ص ۴۵.

۲. اعرافی، علی رضا، و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران، سنت، ۱۳۷۶، ص ۳۰-۳۲.

مبانی مادی و وضع اصول غیر دینی بود، اهداف تربیت نمی‌تواند دینی باشد.^۱ مهدویت به عنوان آخرین حلقه اتصال انسان به معنویت و الهی شدن، بر اساس همان نظام تربیت دینی تدوین شده است و منتظر باید به همه آنچه از حیث نظری در نظام دینی اسلام آمده است پایبند باشد علاوه بر آن انتظار و مهدویت به لحاظ حساسیت و اهمیت آن در پروسه تاریخی سعادت بشر، دارای مؤلفه‌های خاصی است که در ادامه این نوشتار بدان اشاره می‌شود.

۱. احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷-۱۴۹.

فصل دوم:

باورهای بایسته یک منتظر

۱. آرمان خواهی
۲. منجی گرایی
۳. چشم براهی
۴. امیدواری و رجایی
۵. تلاش و کوشش
۶. گزینش درست
۷. شور و اشتیاق
۸. دوراندیش
۹. زمینه سازی
۱۰. آمادگی

باور و اعتقاد قوی و عمیق به انسان کمک می‌کند تا برای هدف خویش جانفشانی نماید. نسل منتظر نیز می‌بایست از حیث باورهای دینی و ارزش‌های اجتماعی تقویت شود. منتظر ظهور منجی موعود، علاوه بر مسئولیت‌ها و وظایف خطیری که بر عهده دارد، نیاز به تقویت این بینش‌ها و باورها نیز دارد که او را در مسیر «انتظار مثبت» قرار داده، راه روشن «منجی-گرایی» و مهدی‌باوری را برای او آشکار سازد. در اینجا به بعضی از این باورها و اعتقادات بایسته منتظران اشاره می‌شود.

۱. آرمان خواهی

«آرمان خواهی» به معنای خواستنِ بهترین‌ها است. این انگاره همیشه برای انسان از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار بوده است. در هر برهه از زمان و در هر موضوع از موضوعات مربوط به ویژگی‌های شخصی و یا مسائل اجتماعی، انسان همیشه بهترین را برای خود خواسته و در جهت به دست آوردن آن تلاش فراوان نموده است. بدست آوردن و رسیدن به ایده‌آل‌های زندگی گاه انسان را به مرز دست نیافتنی‌ها رسانده و گاه نا امید کرده است.

انتظار برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل از هر حیث، نیز جزء آرمان‌های بزرگ انسان در طول تاریخ بوده و هست. در این راستا بشر آرمانی‌ترین خواسته خویش یعنی رسیدن به جهانی سرشار از عدالت، امنیت، آسایش و پویایی مطلق را در سایه انتظار دنبال می‌کند. رسیدن به چنین جامعه‌ای همان روح حق خواهی و حق طلبی است که بشر در طول تاریخ برای بدست آوردن آن مرارت‌ها چشیده و سختی‌های بسیاری را تحمل نموده است. جهان برای رسیدن به نقطه کمال و آرمان دیرین خود که همان حق محوری و گرفتن حق مظلومان از ظالمان است، فراز و نشیب‌های فراوانی طی کرده و حکومت‌های متعددی را تجربه نموده است. از بارزترین مشخصه‌های تربیتی انسان منتظر همین نکته است که برای رسیدن به جامعه‌ای حق طلب و آرمانی در ایجاد عدالت، روزشماری کرده، در انتظار بنشیند؛ چراکه از جمله آرزوهای زیبا و دوست داشتنی در نظر اهل بیت علیهم‌السلام، آرزوی تحقق حق طلبی در جهان است.

«أنتم أفضل من أصحاب القائم، و ذالك أنكم تمسون و تصبحون خائفين على إمامكم و على أنفسكم من أئمة الجور... فقلت: فما نتمنى القائم عليه السلام إذا كان على هذا فقال لي: سبحان الله، أما تحب أن يظهر العدل، و يأمن السبل، و ينصف المظلوم؟!»^۱

شما برتر از یاران قائم علیهم‌السلام هستید؛ زیرا شما صبح و شام در حال ترس و نگرانی بر خود و امام خود می‌باشید و همواره از زمامداران ستمگر در ترس و وحشت هستید...».

راوی پس از شنیدن این کلمات می‌پرسد: حالا که چنین است چرا باید در آرزوی ظهور مهدی علیه السلام باشیم؟! فرمود مگر دوست ندارید که عدالت ظاهر شود، راه‌ها امن شود و حق مظلوم از ظالم گرفته شود».

در روایتی دیگر در رابطه با تحقق آرمان و آرزوی دیرین بشر و منتظران ظهور حضرتش که دورانی سخت را در ایام غیبت می‌گذرانند چنین آمده است «... آنها در دولت‌های باطل ساکت و گنگ هستند و ظهور دولت حق را انتظار می‌کشند، خدا به زودی حق را با کلمات خود احقاق، باطل را نابود می‌سازد...»^۱ آری آرمانی‌ترین انگاره‌ای که می‌بایست برای تربیت نسلی منتظر مورد توجه قرار داد، حق خواهی و مراعات حقوق دیگران است. جامعه‌ای آرمانی است که هر کس به حق خود قانع و به داشته‌های خود اکتفا کرده، چشم از مال و ثروت دیگران پوشاند. تحقق چنین جامعه‌ای از آرمانی‌ترین خواسته‌های بشر است که باید خود را برای رسیدن به چنین اجتماعی از هر نظر ساخته، پرداخته و تربیت نماید.

۲. منجی‌گرایی

آموزه ظهور منجی موعود از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی است. انتظار بشریت برای فرا رسیدن و تحقق وعده الهی و تابش نور خدا در تاریکی، از آرمان‌های دیرپای بشری برای زندگی در جامعه برتر نشأت می‌گیرد. در این میان مسلمانان بر اساس تعالیم پیامبران و باور به حتمی و فراگیر بودن لطف الهی، چشم به ظهور منجی بشریت، حضرت مهدی علیه السلام دارند.

۱. رک: منتخب الاثر، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

ظهور منجی موعود از آرمان‌های تغییر نیافته و پایدار انسان در طول قرن‌ها و از مسلمات اعتقادی ادیان آسمانی زرتشتی، یهودیت و مسیحیت می‌باشد. منجی در این ادیان آسمانی با اسامی «سوشیانت» (رهاننده) در آئین زردتشتی و «مسیح» یا «ماشیح» در یهودیت و مسیحیت نام برده شده است که با حضرت مهدی علیه السلام در اسلام متشابه است و بیانگر آرمان مشترک بین ادیان آسمانی در ظهور منجی موعود است.

«اندیشه مهدویت» در اسلام حقیقت مسلم و ضرورتی قرآنی تحقق عدالت الهی بر زمین است. حضرت مهدی علیه السلام رسالت تمام پیامبران گذشته الهی را به انجام می‌رساند و پیروزی نهایی مکتب حق را در وعده‌ای الهی و حتمی محقق می‌سازد. از اینرو اعتقاد به او برای شیعیان جنبه اساسی و حیاتی می‌یابد. نیاز به چنین ذخیره‌ای الهی که وظیفه سعادت بشری را به عهده دارد، نیازی است حتمی و اعتقادی است عمیق به وعده انکار ناپذیر حضرت حق تبارک و تعالی؛ وعده‌ای که همه بشریت به ویژه مستضعفان، مظلومان و محرومین چشم به راه آن زندگی کرده و برای او زمینه را آماده می‌کنند.

منجی‌گرایی و ایمان به ظهور رهاننده‌ای الهی، باوری دینی است که عصاره تمام باورهای معرفتی فردی و اجتماعی بشر، در اعتقاد به آن و تلاش برای تحقق آن خلاصه شده است. باوری که نجات انسان از تمام رذائل اخلاقی و مشکلات اجتماعی و سختی‌های زندگی به تحقق آن، وعده داده شده است. پایان دادن به ظلم و ناعدالتی و از بین رفتن دشمنان انسانیت و استواری عقلانیت بر زندگی مردم، در حاکمیت این باور، جامه عمل به خود می‌پوشد. بر اساس چنین آموزه مشترکی می‌توان در راستای

همفکری و همکاری میان ادیان آسمانی، به ویژه مسلمانان گام برداشت و بر طبق الگوی مدینه فاضله عصر موعود، زندگی امروز و قبل از حضور آن حضرت ﷺ را سامان و نظم بخشید. سرانجام روزی حتی یک روز به پایان دنیا، منجی بشریت و احیاگر حق و عدالت ظهور خواهد کرد و حکومت بزرگ و جهانی مستضعفان مظلوم را برپا خواهد کرد. این باور همه مردم به ویژه همه مسلمانان و خصوصا باور تمام شیعیان جهان است که در تحقق آن به هیچ عنوان تردید ندارند.

این امر در روایات و کلمات نورانی اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

«إن لصاحب هذا الأمر غيبة، فليتنق الله عبد، وليتمسك بدينه! إذا بلغكم عن صاحبكم غيبة فلا تنكروها. إذا أذن الله في الخروج خرج!»

برای صاحب این امر غیبتی هست، پس هر بنده‌ای، از خدای خود تقوی پیشه کند، و به دین خدا چنگ بزند. هنگامی که به شما گفته شود که امامتان غائب شده تکذیب نکنید. هنگامی که خدا اجازه ظهور دهد ظاهر خواهد شد.»

کسانی که باور عمیق و اعتقادی استوار به منجی آخرالزمان داشته باشند و در جهت تربیت روحی و اخلاقی خویش آن چنان تلاش کنند که توفیق خدمت به دولت مهدوی را داشته باشند از پا برجا ماندگان در راه حق خواهند بود.

۳. چشم براهی

چشم به راهی؛ یعنی همیشه منتظر بودن؛ یعنی اینکه منتظر هرگز نباید مأیوس شده و لحظه‌ای از مولای خود غفلت ورزد و یا در ایفای وظیفه خود کوتاهی کند. چشم به راه مهدی بودن بسیار با ارزش است و از اهمیت زیادی در دین برخوردار است. بستر انتظار، بستر تحقق اهداف بلند تمامی پیامبران و اولیاء الهی است. زمینه رسیدن بشر به هدف مطلوب خویش و کمال ابدی است. زمینه انتظار زمینه تحقق وعده الهی و از بین رفتن ظلم برای همیشه است. لذا چشم به راه مهدی بودن یعنی چشم به راه ماندن برای رسیدن به بهترین‌های عالم که خداوند متعال برای بشر مقدر نموده است. این چشم به راهی از سپیده دم تاریخ آغاز شده است و تا تحقق آرمان‌های بلند الهی در عالم ادامه خواهد داشت. چشم به راهی مهدی، چشم به راه ماندن برای رسیدن به حکومت عدل الهی و چشم دوختن به آستانه تاریخ برای تحقق همه خوبی‌هاست. از این رو در کلمات آسمانی اهل بیت علیهم‌السلام چنین آمده است:

«إذا غاب صاحبکم عن دارالظالمین، فتوقعواالفرج؛»

هنگامی که صاحب شما از دیار ستمگران غیبت گزیند،
منتظر فرج باشید.»

یا در روایت گران‌بهای دیگری آمده است:

«إذا أصبحت و أمسیت یوما لا تری فیہ إماما من آل
محمد فأحب من کنت تحب، و أبغض من کنت تبغض،
و وال من کنت توالی، وانتظرالفرج صباحا و مساء؛»

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹، ح ۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳، ح ۳۷.

اگر در زمانی قرار گرفتی که به امامی از آل محمد علیهم السلام دست نیافتی، هر که را خواستی دوست بدار، و هر که را خواستی دشمن بدار و از هر که خواستی پیروی کن ولی هر صبح و شام در انتظار فرج باش.»

و نیز آمده است:

«إذا دارالفلک، و قال الناس: مات قائم أو هلك بأی واد سلک. و قال الطالب أنى یکون و قد بليت عظامه؟ فعند ذالک فارجوه. و إذا سمعتم به فأتوه و لو حبوا علی الثلج!»

؛ چرخ گردون آن قدر می‌گردد که می‌گویند: مرده! کشته شده! کجا رفته؟! جوینده‌اش گوید: دیگر استخوان‌هایش نیز پوسیده است، چگونه ممکن است بازگردد؟ در چنین موقع منتظر او باشید. هنگامی که خبر ظهورش به گوش شما رسید، به سوی او بشتابید و لو با [راه رفتن بر روی دست و زانو (چهار دست و پا)] و کشیده شدن از روی برف‌ها.»

چنان چه انسان برای رسیدن به آرمان‌های بلند خویش انتظار می‌کشد باید همیشه و همه وقت چشم به راه رسیدن مولا و محبوب خود باشد. گاه انسان منتظر است صرفاً به همین مقدار که خوب است در انتظار باشد اکتفا می‌کند. اما گاه منتظر است به معنی چشم به راهی یعنی هر آن و هر لحظه منتظر رسیدن کسی است که او در انتظارش شب و روز را طی می‌کند. رسیدن به آن ایده‌آل و آرمان بلند و ماندگار نوعی از چشم به راهی و انتظار را طلب می‌کند که انسان را برای رسیدن به آن در هر لحظه آماده نگه دارد.

«أقرب ما يكون العباد إلى الله عزوجل وأرضى ما يكون عنهم، إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم، لم يعلموا بمكانه. و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجة الله أو لا ميثاقه. | فعندها توقعوا الفرج كل صباح و مساء. فإن أشد ما يكون غضب الله على أعدائه إذا افتقدوا حجته فلم يظهر لهم! . و قد علم أن أوليائه لا يرتابون. و لو علم أنهم يرتابون ما غيب عنهم حجته طرفة عين. و لا يكون ذلك إلا على رأس شرار الناس؛^۱

نزدیکترین بندگان به خدا، که خدا نیز پیش از هر قومی از آنها خشنود است، بندگان هستند که حجت خدا از چشم آنها ناپدید خواهد شد، آنها حجت خدا را نمی بینند و جایگاه او را نمی شناسند ولی یقین دارند که حجت خدا در میان آنها است و حجت های خدا باطل نشده است. در چنین موقعی هر صبح و شام منتظر فرج باشید. که شدیدترین موقع خشم خدا بر دشمنان موقعی است که حجت خدا از دیده ها ناپدید باشد. که خدا می داند که دوستانش در وجود حجت خدا شک و تردید نمی کنند. اگر می دانست که امر بر آنها مشتبه می شود حتی یک لحظه هم حجت خودش را پنهان نمی کرد. این امر واقع نمی شود مگر در عهد بدترین مردمان.»

در این دوران سخت مردمان منحرف است، که عده ای از انسان ها بر سر اصول انسانی پایبند مانده، خود را برای ظهور منجی جهان و بشریت آماده می کنند. اینانند که نزدیکترین بندگان به خداوند متعال هستند و خدای متعال

از دست آنان خشنود و ذخیره الهی به یاری آنان دل بسته است.

۴. امیدواری و رجاء

امید به آینده‌ای روشن، همیشه در وجود بشر بوده و هست. اساساً انسان با همین امید است که برای فردای خویش برنامه‌ریزی و طراحی می‌کند. مشکلات فراوان، سختی‌ها و فرازونشیب‌های تاریخ، ناامنی‌ها و جنگ‌های متعدد، منفعت طلبی و ظلم ظالمان و نیز طولانی شدن دوران غیبت نباید بشر را از رسیدن به آرمانی‌ترین آرزوی خویش ناامید کند. امید به آینده و امیدوار بودن به ظهور موعود عدالت محور، آرزوی دیرین بشر است. یکی از مهم‌ترین دلایل تأکید بر انتظار فرج در کلمات و سخنان آسمانی اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند، همین، تقویت روحیه امیدواری باشد، چرا که امید به آینده است که انگیزه لازم را در انسان برای مبارزه با ظالمان و منفعت طلبان زورگو آماده و پر توان می‌کند. چنان چه انسان بر این اندیشه باشد که تلاش و کوشش او به نتیجه‌ای نخواهد رسید و امید به این نداشته باشد که اگر مبارزه کرد روزی روی آسایش و امنیت واقعی را در این جهان خواهد دید، امکان ندارد دست به حرکتی زده، برای فردای خویش تلاش کند. با امید و رجاء به آینده روشن و حکومت عدل و داد است که صالحان و مستضعفان به پا می‌خیزند و انقلاب می‌کنند؛ ریشه ظلم و فساد را بر می‌کنند؛ زیر بار حکومت بدکاران و بیدادگران نمی‌روند؛ از شکست‌ها و رنج‌ها مأیوس و رنجور نمی‌شوند و... اگر امید به آینده در وجود انسان باشد و با چشمانی لبریز از امید به آینده‌ای روشن و سبز زندگی کند و بداند که دیر یا زود حکومت در زمین به دست صالحان و کارگزاران دین محور و با رهبری تنها

ذخیره الهی برای سعادت بشر اداره خواهد شد و ظلم و ستم و نابرابری و... از جهان رخت بر خواهد بست، آن هنگام است که با انگیزه‌ای قوی و روحیه‌ای بالا در انتظار روز موعود به سر خواهد برد و هر آنچه که بتواند در این مسیر تلاش خواهد کرد.

امید به آینده و با امید و روشن بینی زیستن برای مؤمن منتظر از ارزشی بالا و جایگاه بلندی برخوردار است. این مفهوم در روایات چنین آمده است:

«إِنَّ الْقَائِمَ تَمْتَدُّ غَيْبَتُهُ لِيُصْرَحَ الْحَقُّ عَنِ مُحَضِّهِ، وَ يَصْفُو الْإِيْمَانَ مِنَ الْكُذْرِ بِارْتِدَادٍ مِنْ كَانَتْ طَيْبَتُهُ خَيْبَةً مِنْ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يَخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقَ إِذَا أَحْسَوْا بِالِاسْتِخْلَافِ وَ التَّمَكِّيْنِ وَ الْأَمْنِ الْمُنْتَشِرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ ﷺ. ثُمَّ تَلَا الْآيَةَ: [حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا]»

غیبت قائم علیه السلام به طول می‌انجامد تا حق روشن گردد و ایمان محض از تیرگی خالص شود و هر که از شیعیان سرشت ناپاک دارد و بیم آن هست که اگر از امکانات وسیع و امن و امان گسترده در عهد قائم علیه السلام آگاه شود، از در نفاق درآید، به ارتداد گراید، و با ارتداد آنها خالص و ناخالص از یکدیگر جدا شود. پس تلاوت فرمود: [تا هنگامی که پیامبران نومید شوند و مردم خیال کردند که آنها را به دروغ وعده عذاب داده اند، یاری ما فرا رسد].»

۱. منتخب الاثر، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲ و غیبة الطوسی، ص ۱۷۰.

۲. یوسف (۱۲)/۱۱۰.

و نیز آمده است:

«إنتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله عزوجل إنتظار الفرج... و قال ﷺ: الأخذ بأمرنا معنا غدا في حظيرة القدس، والمنتظر للفرج كالمتشحط بدمه في سبيل الله!»

منتظر فرج باشید و از روح خدا مأیوس نشوید که محبوبترین اعمال در نزد خدای تبارک و تعالی انتظار فرج است، کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا در حظيرة القدس با ماست. و کسی که منتظر فرج باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون آغشته گردد.»

۵. تلاش و کوشش (فردی، اجتماعی)

همانطور که دشمنان مهدویت برای از بین بردن این تفکر و فرهنگ الهی در گستره تاریخ تا به امروز کوتاهی نکرده و با تمام توان، تلاش خویش را برای رسیدن به این هدف به کار بسته‌اند، نسل منتظر نیز باید با همه توان به این مهم پردازد. روشن است که تلاش خستگی ناپذیر و کوشش فراوان برای رسیدن به هدف، از ضروری‌ترین برنامه‌های فردی و اجتماعی بشر است. انسان در راه رسیدن به آنچه به عنوان هدف تعریف کرده است، نباید از ناملايمات و مشکلات خسته شده و کنار بکشد. طولانی بودن مسیر در امر انتظار و نیز فراز و نشیب‌ها در این راه، فراوان است. اگر منتظر، خود را برای راهی بس دشوار و طولانی آماده نکند و تلاش و کوشش بسیار را سرلوحه کار خود قرار ندهد، دیری نمی‌پاید که خسته شده، از مسیر انتظار

منحرف و درگیر انحرافات شده، از حق باز می ماند.

انتظار پویا و فعال؛ یعنی اینکه انسان منتظر، همیشه و در هر حال با نشاط و قدرت و توان، در جامعه حضور داشته و برای خدا مجاهده و کوشش نماید. در این صورت است که خداوند نصرت و یاری خود را بر او می فرستد.

امام زمان علیه السلام نیز حتی یک لحظه از تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف خویش و تشکیل حکومت الهی در سرتاسر جهان بی کار ننشسته و دائماً در حال زمینه سازی و تلاش برای تحقق این امر مهم است. در تمام دوران انتظار، فریاد کمک خواهی و یاری طلبی ایشان بلند و با رفت و آمد در بین مسلمین به امر انسان سازی و یارگیری خود می پردازد. این نکته در روایتی نورانی چنین آمده است:

«ان یکون صاحبکم المظلوم، المبحود حقه، صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطأ فرشهم و لایعرفونه حتی یأذن الله له ان یعرفهم نفسه؛
صاحب این امر... در میان آنان راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمد می کند. روی فرش هایشان گام برمی دارد؛ ولی او را نمی شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.»

در قرآن کریم آیات فراوانی پیرامون جهاد و تلاش در راه رسیدن به هدف با تمام امکانات آمده است که به دو مورد اشاره می شود:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
 آوُوا وَتَصَرَّوْا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
 كَرِيمٌ﴾^۱

و کسانی که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا
 جهاد کرده‌اند، و آنان که به پیامبر و مهاجران جای داده
 و خدا و رسولش را یاری کرده‌اند، اینان همان مؤمنان
 راستین‌اند که برایشان آمرزش و رزقی ارجمند است که
 در بهشت نصیبشان خواهد شد.»

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلِيَّكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۲؛

کسانی که ایمان آورده و هجرت نموده و با مال و جانشان
 در راه خدا جهاد کرده‌اند، نزد خدا از همه بلند مرتبه‌ترند و
 اینانند که نیکبخت خواهند بود.»

۶. گزینش درست

از جمله انگاره‌های اساسی و مهم برای منتظر، دقت در گزینش صحیح است.
 این امر در همه امور شخصی، اجتماعی، سیاسی و... انسان باید رعایت
 شود. از کوچک‌ترین مسائل تا عظیم‌ترین حوادث زندگی بشری، اگر با
 تشخیص و گزینش و انتخاب درست همراه نباشد، نتیجه خوبی را به همراه
 نخواهد داشت. با این همه انحرافات، خرافات و مشکلات که سر راه انتظار
 و منتظر وجود دارد، همچنین آسیب‌ها و ادعاهای بی اساس انحرافی و شبیه

۱. انفال (۸)/۷۴.

۲. توبه (۹)/۲۰.

به آرمان منتظر که در بازار گرم منفعت طلبان هیاهوی فراوانی ایجاد کرده، انسان را به تردید انداخته، در مسیر نادرستی می‌اندازد، مگر اینکه با رعایت اصول اساسی و شناخت کامل از مبانی صحیح انتظار و امام علیه السلام، به گزینشی درست دست زده راه مستقیم را انتخاب نماییم.

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَصْحَ لَكُمْ الْأَمْرُ!»^۱

هنگامی که آن - غیبت - واقع شود، به آنچه در دست دارید (عقاید حقّه) چنگ بزنید تا قضیه آشکار شود و فرمان خدا فرا رسد.»

و نیز در روایت دیگری آمده است:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَصِيبُهُمْ فِيهِ سَبْطَةٌ، يَأْرُزُ الْعِلْمَ فِيهَا كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ فِي حَجْرِهَا. فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمُهُمْ. فَقِيلَ لَهُ: فَمَا السَّبْطَةُ فَقَالَ: فِتْرَةُ النَّعَاسِ وَالضَّعْفِ، كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَطْلُعَ اللَّهُ نَجْمَكُمْ!»^۲

برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که همگان دچار تب و لرز می‌گردند، علم و دانش در آن ایام درهم پیچیده شود، آن‌سان که مار در لانه خود به دور خود می‌پیچد. در آن هنگام ستاره آنها طلوع می‌کند. گفته شد: مراد از تب و لرز چیست؟ فرمود: روزهای فترت، که همگان دچار ضعف و سستی می‌گردند. در آن ایام بر عقاید خود استوار باشید تا خداوند ستاره شما را ظاهر گرداند.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲، ح ۳۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۴.

کسی در راه درست پا گذاشته و از بین موارد گوناگون و راه‌های متفاوت که گاهی نمای زیبایی هم دارند، دست به انتخابی صحیح و گزینشی آرمانی می‌زند که از یقینی الهی و شناختی درست برخوردار باشد.

«لا یثبت علی إمامته إلا من قوی یقینه و صحت معرفته؛^۱ بر امامت او استوار نمی‌ماند به جز کسی که یقینش بسیار قوی، و شناختش بسیار مستقیم باشد.»

۷. شور و اشتیاق

از دیگر بایسته‌های انسان منتظر، شور و اشتیاق است. انتظار در وجود انسان، می‌بایست به حدی برسد که شور، اشتیاق و علاقه را در پی داشته باشد. نشاط در حرکت و اشتیاق برای رسیدن به هدف و آرمان بزرگ، پتانسیل بالایی از رشد، پویایی و حرکت را در انسان منتظر ایجاد می‌کند. این روحیه باید در وجود انسان ریشه دوانده، نهادینه شود تا بتواند انسان را برای رسیدن به هدف کمک کند. شناخت کامل از هدف و امام خویش، می‌تواند این اشتیاق را ایجاد کند، چراکه انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد و آنچه بر فطرت انسان منطبق باشد اگر در تشخیص، صحیح عمل شود برای رسیدن، شور و علاقه بسیار ایجاد می‌کند. امام زمان علیه السلام که سر سلسله نیکی‌ها و خوبی‌های عالم است و انتظار ظهور ایشان نیز تنها راه نجات و به کمال رسیدن بشر است، شناخت و مهرورزی‌اش شور و هیجانی عظیم در وجود انسان برای رسیدن به ایشان ایجاد می‌کند. از طرفی کمال و رسیدن به نقطه اوج آن از فطریاتی است که در ضمیر بشر از طرف خدای متعال قرار داده شده است و چنان نهادینه و

۱. ینابیع الموده، ج ۳، صص ۸۲؛ منتخب الأثر، ص ۲۱۵، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴.

ژرف است که هیچ چیز در طول تاریخ نتوانسته است آن را از وجود انسان جدا کند. این نکته مهم، اگر به صورت صحیح و درست مورد تشخیص قرار گیرد به حرکت انسان با شور و اشتیاق فراوان، کمک زیادی می‌کند. تلاش برای گفتگو با امام عصر علیه السلام، ظهور و انتظار به همراه زیبایی‌ها، مهربانی‌ها و معرفت به انسان نوعی مصونیت همراه با علاقه و اشتیاق برای رسیدن می‌بخشد. و این از بهترین ویژگی‌های فرهنگ انتظار است. چرا که همراه با نوعی آرمان خواهی است که انسان برای رسیدن به آن سال‌های طولانی در تاریخ صبر کرده است و نشان دادن آن زیبایی‌های واقعی فرهنگ انتظار و مهدویت که بر فطرت و درون بی‌آلایش انسان حقیقت جو تطبیق کامل دارد، شور و اشتیاق واقعی را در انسان ایجاد می‌کند.

۸. دور اندیشی

دور اندیشی و آینده‌نگری به نحوی که انسان برای آینده خود برنامه و بینش خاص داشته باشد، از ضروریات زندگی و از لوازم اصلی رشد و پویایی است. و نیز از ویژگی‌های بزرگ و لازم برای هر انسانی است که آمال و آرزوهای خود را در آینده جستجو می‌کند. بسیاری از نابسامانی‌ها و نگرانی‌های بشر در طول تاریخ بیشتر مربوط به عدم توجه به آینده و عدم برنامه‌ریزی صحیح برای آن بوده است. آینده خوب و سرشار از آسایش، امنیت و... متعلق به کسانی است که در زندگی خود دوراندیش بوده با همتی بلند برای حال و آینده خود برنامه‌ریزی می‌کنند، چرا که تعیین نقطه مطلوب و فرض شده در دوردست، اولین گام برای رسیدن به هدف است. نظام حاکم بر جامعه برای رسیدن به نقطه مطلوب باید از استراتژی مناسب

برخوردار بوده، هم و همت خود را با دوراندیشی و آینده‌نگری به کار گیرد. احساس حرکت کردن و چشم به رفع مشکلات آن هم به اندازه نیاز امروز، هیچ جامعه‌ای را سرافراز نکرده و هیچ حکومتی را در اداره جامعه موفق نموده است. آنچه آینده‌ای روشن را برای بشر متصور می‌کند در اندیشه و برنامه‌ریزی برای آینده است.

«مهدویت»، نمود و تجلی دوراندیشی اسلام است که چشم اندازی روشن و مطلوب فراروی انسان‌ها می‌گشاید و در سطوح مختلف بر آینده‌نگری انسان تأثیر دارد. انسان منتظر همیشه خود را برای آینده نزدیک و دور آماده می‌کند، برنامه می‌ریزد و کارهایش را بر اساس عاقبت‌اندیشی سامان می‌بخشد. تا به آن جامعه موعود دست یابد و یا خود را در آن مسیر قرار دهد.

۹. زمینه سازی

ایجاد زمینه، آماده نمودن جهان و زمینه‌سازی مناسب برای انقلاب مهدوی، وظیفه‌ای است سنگین و سترگ که بر عهده نسل منتظر است. نسل منتظر، نسلی است مبارز و سخت‌کوش که با صلابت و استواری زمینه را برای ظهور دولت حق، آماده می‌کند. زمینه‌سازان ظهور، با رشد ایمان از یک سو و ایجاد نظام سیاسی مناسب از سوی دیگر خود را برای مبارزه با حکومت‌های مخالف و نیز منفعت طلبان دنیاخواه که در طول تاریخ با رویداد ظهور مشکل داشته و آن را مانعی بزرگ بر سر راه منفعت‌طلبی خود می‌دیدند، مبارزه کنند و هر چند توان برابری با جبهه نفاق و کفر را ندارند؛ اما باید برای از بین بردن دشمنان و بر ملا کردن نقشه‌های آنان تلاش کرده و زمینه

را برای قیام مهدی علیه السلام و استقرار حکومت امام زمان علیه السلام آماده نمایند. در این رابطه در روایات آمده است:

«يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوقِلُونَهُ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»
«قوم یبعثهم الله قبل خروج قائم فلا يدعون واترا لآل
محمد إلا قتلوه!»

گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم علیه السلام برمی انگیزد. آنان هیچ ستم کننده‌ای به خاندان محمد صلی الله علیه و آله را رها نمی کنند؛ جز آنکه او را به قتل می رسانند.

روایات مشابه این روایت نشان از اهمیت بالای خاندان آل رسول صلی الله علیه و آله و اهداف آنان در دوران قبل از ظهور برای نسل منتظر دارد. معلوم است که انسان‌های دوران غیبت و منتظران دولت حق باید برای رسیدن به این مهم جان فشانی کرده، با دشمنان امام علیه السلام مبارزه نموده، زمینه‌سازی لازم را انجام دهند. جامعه شیعه برای زمینه‌سازی باید شرایطی را رعایت کند که برخی از آنها عبارتست از:

- در جهت حل مشکلات روحی، اخلاقی، معنوی... برآید.
- ایمان به خدا و توحید را محور قرار دهد.
- اساسی‌ترین دغدغه آن رسیدن به هدف نهایی خلقت (بندگی و اطاعت از خدا) باشد.
- به مجالس و محافل توسل به حضرت مهدی علیه السلام رونق فراوان بخشد.
- از اختلافات پرهیز کرده، اتحاد و همدلی را سرلوحه امور خویش قرار دهد.

- اهداف حضرت حجت را در رأس اهداف خویش قرار دهد.

- فضای فعالیت را برای دشمنان حضرت از بین برده زمینه فعالیت برای

تحقق اهداف ایشان را فراهم نماید.

۱۰. آمادگی

منظور از آمادگی، اشکال گوناگون از آن است. منتظر، هم از حیث فردی و هم از حیث اجتماعی باید برای مبارزه با هر گونه خطر آماده باشد. این آمادگی هم برای مقابله و رویارویی با خطرات در عصر قبل از ظهور است و هم برای مقابله با خطرات هم‌زمان و نزدیک به زمان ظهور. انسان در طول تاریخ از سوی عوامل گوناگون در خطر بوده است. به همان میزان که انسان از ناحیه ابتلائات و اتفاقات طبیعی در خطر است و به همان میزان که در طول تاریخ از ناحیه دشمنان انسانیت آسیب دیده است؛ به همان اندازه هم از ناحیه فتنه‌های آخرالزمان باید احساس خطر کرده، برای مبارزه آمادگی لازم را کسب نماید. امروزه دولت‌ها و جوامع مختلف دنیا محور و منفعت طلب - که صدای حق طلب منتظران امام علیه السلام را از ناحیه منتظران دولت مهدی شنیده‌اند - خود را به انحاء گوناگون برای مبارزه با آن اتفاق نورانی عظیم آماده نموده، پیش بینی لازم را از هر حیث کرده‌اند. بر این اساس مردم دنیا هم باید برای این چنین امر مهمی خود را آماده کرده اموری را انجام دهند؛ چنانکه بعضی از این آمادگی‌ها را می‌بینیم؛ از قبیل ایجاد سایت‌های گوناگون، شکل‌گیری مجامع تحقیقاتی برای تحقیق در این باره، تولید فیلم و کتاب و مهاجرت مسیحیان به بیت المقدس برای استقبال از مسیح و... ما نیز می‌بایست برای درک صحیح مفهوم انتظار و پیشبرد خواسته‌های خود در

این راه آمادگی لازم را پیدا کنیم. این آمادگی باید هم در خود ما باشد و هم در جامعه. همچنین باید در زمینه‌های مختلفی صورت گیرد، مانند آمادگی فکری، عقیدتی، اخلاقی، نظامی، سیاسی و...

این معنا در روایتی چنین آمده است:

« ليعد أحدكم لخروج القائم عليه السلام و لو سهما. فإن علم الله ذلك من نيته رجوت لأن ينسأ في عمره حتى يدركه و يكون من أعوانه و أنصاره؛^۱ هر یک از شما خودش را برای خروج قائم عليه السلام آماده کند و لو با تهیه یک تیر، که اگر خداوند این آمادگی را در نیت شما ببیند، امیدوار هستم که خداوند در اجلتان مهلت دهد تا ظهور او را درک کرده از اعوان و انصار آن بزرگوار باشید.»

با بیان نکاتی که گذشت به این مهم می‌پردازیم که یک منتظر واقعی که باید خود را در راه امام زمان عليه السلام ببیند و برای آن روز موعود به صورت کامل آمادگی پیدا کند، باید تحت چه ویژگی‌هایی قرار گرفته و با چه شاخصه‌هایی تربیت شود.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

فصل سوم:

تربیت فکری و عملی

۱. شناخت و معرفت
۲. وظیفه گرایی و شناخته شده است.
۳. ایمان و باورداشت
۴. روابط و پیوند
۵. همسویی
۶. همدلی و همرنگی
۷. یقین و دوری از شک

تربیت فکری و عملی، عبارت است از تقویت دو بعد فکر و عمل، اعتقاد و عملکرد و... در این نوع رویکرد، نسل منتظر را باید از لحاظ اعتقادی و بینش‌های درست، تربیت و آماده کرد و وقتی فکر و باور او نسبت به منجی تقویت شد، او را در مسیر عمل و اصلاح رفتارها قرار داد. پویایی، رشد و بالندگی افراد ریشه در اعتقادات و باورهای آنان دارد. اگر افراد از لحاظ فکر و عمل تربیت شده و باورهای عمیق دینی بدست آوردند، توانستند فکر و عمل خویش را بر مبانی دینی عمیق استوار کنند، می‌توانند در مسیری قرار بگیرند که شخصیت آنان برای خدا و اهداف بلند مهدوی شکل گیرد.

توصیه به انجام اعمال نیک و خوب که مورد تأیید خدای متعال و ولی خدا باشد، بدون توجه به بایستگی و لزوم آمادگی و تربیت انسان برای انجام کارهای شایسته و رفتارهای مناسب نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. برای آنکه اعمال و رفتاری پسندیده داشته باشیم، باید فکر و باور صحیح و پسندیده داشته باشیم؛ یعنی ابتدا باید بتوانیم فکر کنیم تا بتوانیم برنامه‌ریزی و عمل مناسبی داشته باشیم. شاید به همین خاطر است که به تفکر و تأمل و تبت

مؤمن بسیار ارج نهاده شده و حتی بهتر از عملش نامیده‌اند.^۱ یا اینکه یک لحظه تفکر برتر از سال‌ها عبادت شمرده شده است.^۲ نسل منتظر نیز برای اینکه بتواند در مسیر صحیح حرکت کرده و به نتیجه مطلوب برسد، باید ابتدا خوب بیندیشد و بر مبنای آن عمل نماید. باید نسبت به خود و پیرامون خود شناخت کافی پیدا نموده، آنچنانکه شایسته است، رفتار نماید. شاید در بسیاری از موارد توصیه‌هایی بشود که نسل منتظر باید چنین عمل کرده و یا اینطور زندگی کنند، اما باید بدانیم این مهم وقتی به دست می‌آید که ما پایه‌های فکری، معرفتی، و اعتقادی رفتارهای خویش را اصلاح نماییم.

برخی از مؤلفه‌های فکری و عملی مورد نیاز در تربیت نسل منتظر را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. شناخت و معرفت

«شناخت» در هر حرکت و هر موضوعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که بدون شناخت تقریباً تمام حرکات و برنامه‌ها محکوم به شکست است. معرفت و شناخت به تمام ابعاد و زوایای یک مسأله، به انسان کمک می‌کند تا از روی آگاهی و برنامه‌ریزی دقیق و در نظر گرفتن احتمالات، حرکت کرده و با مشکلات کمتری روبه‌رو شود. از این رو هر انسان عاقلی قبل از هر تصمیمی ابتدا نسبت به موضوع، شناخت کامل پیدا می‌کند. در روایتی آمده است:

۱. «نية المؤمن خير من عمله»: بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹، ح ۲.

۲. «تفکر ساعة خير من عبادة سنة»: بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۲۹، س ۱۳.

«لکل شیء دعامة و دعامة هذا الدين ألقه و الفقيه الواحد أشد الى الشيطان من ألف عابد؛»

برای هر چیز پایه‌ای است؛ اساس دین اسلام، فهم عمیق است و یک فقیه در برابر شیطان، بهتر از هزار مسلمان عبادت گزار (بدون شناخت) محکم‌تر و اثر گذارتر است.»

روشن است که این جایگاه بلند و رفیع که در حدیث برای فقیه در نظر گرفته شده، به خاطر فهم دقیق دین است و فهم دقیق هم به جهت شناخت کامل نسبت به مبانی و زوایای گوناگون از دین است. مقام و منزلت اهل بیت علیهم‌السلام نیز از این قاعده مستثنا نیست. شخصیت و جایگاه ائمه علیهم‌السلام، آن چنان رفیع و بلند است که در خیال و عقل هیچ انسانی نمی‌گنجد و تمام دانشمندان و برترین افراد از حیث عقل و شعور، نمی‌توانند درک آن مقام را بنمایند. حقیقت امر آن است که آنچه در وجود این انوار مقدس تجلی کرده، عظمت و بزرگی خداست. اگر تمام انسان‌های روی زمین جمع شوند و عقل و درایت خود را یکی کرده تصمیم به درک این مقام گیرند، باز ناتوان و درمانده‌اند. آن چنانکه ذات و صفات خداوند متعال برای ما قابل دسترسی و شناخت نیست، قادر به شناخت صفات اولیای او نیز نخواهیم بود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«لا يقدر علی كنه صفة رسول الله، و كما لا يقدر كنه صفة الرسول فكذلك لا يقدر علی كنه صفة الإمام...»^۱؛
مردم از پی بردن به کنه صفت خداوند ناتوانند و همان‌گونه

۱. نهج الفصاحه، ج ۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۶۵، ح ۱۳.

که از پی بردن به گوهر صفت خدا عاجزند، توان فهم حقیقت صفت رسول خدا را نیز ندارند و همان سان که از دریافت کنه صفت رسول عاجزند، از درک ژرفای صفت امام نیز دور و بی بهره‌اند و...».

شناخت آن انوار مقدس - به ویژه وجود مقدس و نازنین امام زمان علیه السلام - ما را در رسیدن به کمال و دستیابی به اهداف بلند یاری می‌کند؛ چنانکه بدون شناخت و معرفت آنان، این راه سخت و هدف عالی، دست نیافتنی است. پس منتظر نیز برای رسیدن به امام و آرزوهای خویش به ناچار می‌بایست نسبت به امام زمان خود معرفت پیدا کند. نه آنکه تمام عمر خود را برای دست‌یابی به منافع دنیایی و جمع کردن مقداری خشت و گل و پاره‌های آهن سپری کند.^۱ ما نمی‌توانیم نام خود را منتظر گذاشته، وقت و عمر خود را برای آسایش در این دنیا و رسیدن به اهداف کوتاه مدت آن صرف کنیم؛ بی‌آنکه توجهی به انتظار و امام منتظرین داشته باشیم. عمر، وقت و امکانات را باید در راه معرفت به امام و شناخت انتظار و فراز و نشیب‌های این راه طولانی و پرخطر هزینه کرد، چنانکه قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنَاعًا﴾^۲؛
بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین [مردم] در کارها چه کسانی هستند؟ آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم

۱. رک: مصباح یزدی، محمد تقی، آفتاب ولایت، صص ۳۱.

۲. کهف (۱۸)/ ۱۰۳ و ۱۰۴.

و نابود شده است و با این حال می‌پندارند که کار نیک انجام می‌دهند».

در روایات بسیاری سفارش به شناخت امام علیه السلام شده است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«هل معرفة الإمام منكم واجبة على جميع الخلق؟ فقال: إن الله عزوجل بعث محمداً إلى الناس أجمعين ورسولاً لله و حجة على جميع خلقه في أرضه. فمن آمن بالله و بمحمد رسول الله، و اتبعه و صدقه، فإن معرفة الامام منا واجبة عليه؛ و من لم يؤمن بالله و برسوله و لم يتبعه و لم يصدق، و يعرف حقهما، فكيف يجب عليه معرفة الإمام و هو لا يؤمن بالله و رسوله و يعرف حقهما؟ لا والله، ما ألهم المؤمنين حقنا إلا الله عزوجل؛^۱

خدای تبارک و تعالی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری به سوی همه جهانیان برانگیخت. هر کس به خدا و محمد صلی الله علیه و آله ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امام را بشناسد. ولی اگر کسی به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاورده باشد، چگونه ممکن است که پیش از شناخت خدا و رسول، شناخت امام بر او واجب باشد؟ به خدا سوگند، حقوق ما را خداوند به مؤمنان الهام کرده است».

راه انتظار و مهدویت همچون دیگر زوایای دین از دشواری‌های خاص خود برخوردار است و نیاز به شناخت کامل دارد تا بتوان در این مسیر طولانی و مشکل حرکت کرد. منتظر می‌بایست نسبت به تمام آنچه نیاز دارد

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹؛ کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

شناخت پیدا کند، چرا که شناخت، کمک بسزایی به تربیت بهتر در این مسیر می‌کند. سرّ این که گفته‌اند زیارت بدون معرفت برای زائر اثری ندارد، این است که بدون شناخت نمی‌توانیم به کمالات پی ببریم و بدون کمالات و اطلاع از آنها نمی‌توانیم به سمت هدف خویش پیش برویم.

معرفت، منتظر را آگاهی و بصیرت می‌بخشد و این آگاهی او را برای رسیدن به مقصود یاری می‌نماید.

۱.۱. راه‌های شناخت

الف. بررسی ادله حقایق امام مهدی علیه السلام

ابتدا می‌بایست ادله حقایق و مقام‌های والای آن امام معصوم را بررسی کرده، بعد از آن وجودمان را برای پذیرش معرفت امام علیه السلام آماده‌تر سازیم. اگر بخواهیم آینه‌ای بازتاب نور داشته باشد نمی‌توانیم آن را در اتاقی تاریک گذاشته و چنین انتظاری داشته باشیم و نیز نمی‌شود آینه در اتاقی روشن و پر نور باشد ولی صیقلی و صاف نباشد. آینه برای بازتاب نور، هم باید در جایی روشن باشد و هم صیقل داده شود. برای معرفت به امام زمان علیه السلام از طرفی باید ادله روشنی پیدا نمود و از طرفی دل را برای پذیرش آنها، صاف و آماده کرد. هر اندازه که دل صاف، صیقلی و آماده و نورانی باشد، ادله محکم، نیز بیشتر شده و به طبع آن ایمان قوی‌تر، معرفت بیش‌تر و عشق افزون‌تر می‌شود.^۱ عشقی که با جلای دل و دلایل روشن و به لطف

۱. رک: *افتاب ولایت*، صص ۴۳-۴۶.

امام علیه السلام بر دل بتابد، عشقی است ماندگار و ابدی. آن هنگام است که منتظر آماده هرگونه جان فشانی برای امام خویش است و با چنین معرفتی است که پدر، مادر، مال و فرزند در راه انتظار ارزشی نداشته، فریاد «بابی أنت و اُمّی» سر خواهد داد. پس گمان نکنیم که معرفت ما نسبت به وجود مقدس امام زمان علیه السلام کافی است. باید در راه رسیدن به معرفت آن حضرت تلاش فراوان کرده، خود را بدان قلّه رفیع کمال برسانیم؛ باشد که از منتظران ظهور و یاوران دولت او باشیم.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

إن للقاء منا غیبتین، إحداهما أطول من الأخری. أما الأولى فستة أيام، و ستة أشهر، و ست سنوات. و أما الأخری فیطول أمدها حتی یرجع عن هذا الأمر أكثر من یقول به، فلا یثبت علیه إلا من قوی یقینه، و صحت معرفته، و لم یجد فی نفسه حرجا مما قضینا، و سلم لنا أهل البیت؛^۱

برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است که غیبت اولی آن شش روز و شش ماه و شش سال طول می کشد، اما دومی به قدری طول می کشد که بیشتر کسانی که به غیبت او ایمان داشتند از اعتقاد خود بر می گردند، فقط کسانی بر اعتقاد خود استوار می مانند که یقین محکم و شناخت صحیح داشته، تسلیم ما اهل بیت باشند و سخنان ما بر آنها گران نباشد.

یا در روایت دیگری آمده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴، ح ۱؛ منتخب الأثر، ص ۲۵۱.

«إعرف إمامك، فإنك إن عرفتَه لم يضرک تقدّم هذا الأمر
أو تأخر. و من عرف إمامه، ثم مات قبل أن يرى هذا
الأمر، كان له مثل أجر من قتل معه؛»

امام خود را بشناس، که در آن زمان تو را باکی نیست که این
امر جلو بیفتد یا عقب بماند. کسی که امامش را بشناسد و
پیش از فرا رسیدن این امر از دنیا برود، مانند کسی است که
در محضر او - بقية الله - به شهادت رسیده باشد.

ب. مطالعه منابع مهدوی

مطالعه کتب مهدوی راه کاری مناسب و آسان برای ایجاد و تقویت معرفت
نسبت به امام مهدی علیه السلام است. کتاب به عنوان منبعی قابل دسترس، انسان را
در هر زمان و مکانی با موضوع مرتبط کرده، بر غنای اطلاعاتی وی
می افزاید. بنیه اطلاعاتی انسان را نسبت به موضوع تقویت کرده، زمینه تردید
و انحراف را از بین می برد. مطالعه کتاب های مطمئن و علمی که از سلامت
قلم و بیان برخوردار بوده، مستند به منابع اصیل دینی باشند، کمک بسیاری
به عاشقان حضرت مهدی علیه السلام نموده، آنان را با زوایای مجهول و پشت پرده
این انگاره سرنوشت ساز آشنا می نمایند.

ج. آشنایی با دیدگاه های نجات گرایانه

از جمله مواردی که می بایست منتظر نسبت به آن شناخت و آگاهی پیدا
نماید تا با تحلیل و تبیین دیدگاه های گوناگون پی به درستی هدف و نگاه
خود ببرد «آموزه نجات بخشی» و منجی گرایی است. البته دشمنان مهدویت

همواره در تلاش‌اند تا با تشتت‌گرایی و ذکر دیدگاه‌های مختلف و ایجاد اختلاف بین ادیان و تفکرات گوناگون، اصل این آرزوی جهانی بشریت را زیر سؤال برده و منکر آن شود؛ حال آنکه با وجود طرح دیدگاه‌ها و معرفت‌های متفاوت در این خصوص، اصل آن مورد تأیید همه بوده و با اندکی تحقیق و پژوهش به دست می‌آید که شناخت شیعه، شناختی فراگیر و روشن و مبتنی بر وحی و استوار بر اصیل‌ترین و منطقی‌ترین دلایل عقلی و نقلی است که هر ره گم‌کرده‌ای را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

د. ایمان به وجود همیشگی راهنما و هدایتگر

معرفت نسبت به وسایط فیض الهی و اینکه انسان در طول تاریخ رها نشده و همواره نیاز به راهنما و هدایتگر دارد، از جمله نکاتی است که توجه ما را به مهدویت بیشتر کرده، به شناخت هر چه بیشتر ما می‌افزاید.

جهان هستی برای حفظ و بقای خویش نیاز به حجت الهی دارد و این حجت الهی است که وظیفه‌دار هدایت بشر است. عنایت به این مطلب و تلاش برای درک بیشتر آن، به معرفت ما افزوده، ضرورت شناخت مهدی آل محمد علیهم‌السلام را بر ما روشن‌تر می‌کند. بر همین اساس است که شیعه برای قرار گرفتن در راه انتظار و رسیدن به نقطه مطلوب، می‌بایست نسبت به تمامی ابعاد موعود منجی (امام مهدی علیه‌السلام) شناخت کامل پیدا نماید. همان‌طور که در منابع و معارف شیعی آمده است جهان هیچ‌گاه خالی از حجت و راهنمای الهی نبوده و نخواهد بود. خالی شدن زمین از حجت الهی - که همان راهنمای سعادت بشری است - باعث می‌شود دین از بین رفته و همه چیز نابود شود. در زیارت شریف جامعه کبیره می‌خوانیم:

«بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الأرض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر و عندکم ما نزلت به رسله و هبطت به ملائکته...»^۱

خداوند به واسطه شما آغاز کرد و به وسیله شما پایان می‌دهد، و به وسیله شما باران می‌فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگه می‌دارد که بر زمین نیفتد، جز به اذن او و به وسیله شما اندوه را می‌برد سخن را می‌گشاید و نزد شماست آنچه پیامبر و رسولانش فرود آوردند و فرشتگانش به زمین آوردند...».

با استفاده از این قسمت زیارت جامعه کبیره، به دست می‌آید که حجت‌های الهی و به عنوان آخرین ذخیره آنها حضرت مهدی علیه السلام، واسطه فیض الهی و گشاینده تمامی برکات آسمانی و زمین هستند که یکی از آن نعمت‌های الهی باران است. خداوند متعال احیای زمین را به واسطه نزول آن قرار داده است. از دیگر اموری که بشر و جهان به آن گرفتار است و به واسطه حجت خدا از آن برطرف می‌شود مشکلات و گرفتاری‌ها هستند. در هر صورت وجود حجت خدا در زمین واسطه بین جهان مادی و عالم وحی است که موجب ماندگاری هستی و رسیدن انسان به هدف نهایی می‌گردد.

۵. شناخت حسب و نسب

شناخت شیعه از امام زمان علیه السلام، شناختی است دقیق. در باور شیعی، نسل منتظر با تاریخ ولادت و نام مقدس او و پدر و مادر بزرگوارش آشنا می‌شود. در حالی که این نوع اطلاعات بر تمام ادیان و فرقه‌های دیگر پوشیده

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

است، در باور شیعی و نیز تمام فرقه‌های اسلامی، آخرین ذخیره الهی از فرزندان رسول خدا ﷺ است؛ با این تفاوت که در نظر شیعیان، ایشان متولد شده و جهان را به نور وجودش منور کرده است. پدر ایشان امام حسن عسگری علیه السلام و مادرشان نجمه خاتون می‌باشد. او از نسل نورانی اهل بیت علیهم السلام است.

شناخت و معرفت نسل منتظر به این مطلب او را برای حرکت و اطمینان به نتیجه کار، پرانگیزه و بانشاط می‌گرداند. کسی که پیرو مکتبی با چنین رهبری است، حتماً در انتهای راه به سعادت ابدی خواهد رسید. بنابراین از جمله نکات مهم در زندگی نسلی که در دوران انتظار بسر می‌برد، آشنایی کامل با نسب و حسب امام زمان علیه السلام است.

و. شناخت شخصیت

شخصیت آن حضرت، شخصیتی ملکوتی و متناسب با نسب و حسب ایشان است. سرچشمه کمالات او، وجود نازنین رسول خدا و برگرفته از خاندان وحی و نبوت است. هر چند شناخت و آگاهی به تمام ابعاد وجود و شخصیتی ایشان امری بس دشوار است، اما نسل منتظر می‌بایست تلاش خود را در جهت راه‌یابی به زوایای گوناگون شخصیت امام عصر علیه السلام به کار بسته و با استفاده از روایات صادره از وجود نازنین اهل بیت علیهم السلام و نیز آیات قرآن کریم، تا حد ممکن با شخصیت و ویژگی‌های آن حضرت آشنا شده و از این معرفت و آگاهی در جهت رسیدن به نقطه مطلوب انتظار استفاده نماید.

معرفت و آگاهی نسبت به جایگاه امام علیه السلام و نیز مقام و منزلت منتظر و فرهنگ غنی انتظار، بینشی عمیق و انگیزه‌ای دوچندان در وجود منتظر برای

سیر و حرکت در این وادی ایجاد می‌کند. آن‌طور که در رابطه با جایگاه امام معصوم علیه السلام در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«... و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین»^۱

... و عصاره انبیا، برگزیده و خلاصه رسولان و خاندان برگزیده پروردگار عالم‌ها».

این اوصاف سه‌گانه که در این قسمت از زیارت برای اهل بیت علیهم السلام آمده است به ترتیب اهمیت است؛ زیرا ابتدا به عنوان برگزیده از مرسلین که مقامی بالاتر از انبیا دارند و در نهایت به عنوان فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که برترین و بالاترین مخلوق است - معرفی شده‌اند. بدین ترتیب سلالة انبیا و صفوة المرسلین بودن برای امامت و جانشینی پیغمبر اکرم و سکان‌دار هدایت کشتی بشری بودن کافی نیست، بلکه «خیرة رب العالمین» خاندان برگزیده پروردگار بودن شرط است^۲؛ یعنی، باید از بهترین نسل‌ها بود و در بالاترین جایگاه ممکن ایستاد تا بتوان جهان خلقت را به هدف نهایی و سعادت ابدی رساند. امام مهدی علیه السلام آخرین ذخیره و برگزیده خداوند است که این هدف و آرزوی دیرین جهان هستی را به نتیجه رسانده، انسان را از کویر سردرگمی نجات می‌دهد به راه هدایت و سعادت بازمی‌گرداند.

۲. وظیفه‌گرایی و شناخت مسئولیت

از محورهای مهم بحث در تربیت نسل منتظر، شناخت وظایف و تکالیف

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲. عبدالله جوادی عاملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۱۵.

است. شناخت و معرفت نسبت به آنچه می‌بایست انجام شود، به منتظر کمک می‌کند تا از سر بینایی و بصیرت عمل کرده شرایط رشد و بالندگی خویش را مهیا نماید.

برخی از وظایف منتظران در دوران غیبت که می‌بایست نسبت به آنها شناخت کافی پیدا کند عبارت است از:

۲-۱. دین‌مداری: دینداری و دین‌محوری در تمام ابعاد و شئون زندگی از وظایف اصلی و مهم نسل منتظر در عصر پیش از ظهور است. دین به معنای واقعی کلمه، باید سراسر وجود فردی و رفتار اجتماعی منتظر را فراگیرد و او را در موقعیت‌های متفاوت یاری نماید و برای این منظور، منتظر باید تمام تلاش خود را برای فهم دقیق و شناخت راستین از آن به کار گیرد. منتظر باید کوشش نماید تا دین و عقاید خود را در عمل، اعتقاد و مبانی حفظ نماید، و در کسب آگاهی‌های لازم از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله کوشش نماید...

۲-۲. نشر معارف دینی: شناخت نسبت به وظیفه خطیر و بزرگ نشر معارف و یارگیری در جهت تقویت جبهه انتظار و رشد و بالندگی این فرهنگ غنی از نظر کیفی و کمی است. چنان چه منتظر نسبت به ترویج اندیشه اسلامی تلاش کرده و سعی نماید روح تعبد و تعهد در افراد جامعه گسترش یابد، یکی از بهترین و تأثیر گذارترین وظایف خود را به خوبی شناخته و اجرا کرده است:

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال

پابرجایان در محبت او، که خدا آنها را در کتاب خود توصیف نموده این قرآن هدایت است برای پرهیزگاران»^۱.

۳. دعا برای سلامتی امام و حجت خدا ﷺ: منجی موعود اگر چه

آخرین ذخیره الهی است و قرار است اهداف عالی نظام خلقت را محقق سازد و عالم امکان را به سر منزل مقصود - عبودیت الهی - برساند؛ اما به لحاظ بعد بشری شخصیت ایشان و سفارشات اکید دعا برای ایشان، از جمله مهم ترین وظایف نسل منتظر است که باید نسبت به آن شناخت دقیق پیدا نموده و در صدد انجام آن برآید.

«اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و

علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل الساعة ولیاً و حافظاً و قاعداً و ناصرأ و دلیلاً و عیناً...»

بار خدایا! برای نماینده ات حضرت حجت ابن الحسن که درود تو بر او و پدران او در این ساعت و تمامی ساعات سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش...»

۳-۲. تجدید بیعت با امام زمان ﷺ و خواستن آن در ادعیه: از جمله

مشخصه های مهم نسل منتظر که می بایست، نسبت به آن شناخت کافی و استمرار ویژه داشته باشد، تجدید بیعت با حضرت و استمرار بر این امر است، تا بر اساس آن از مرگ جاهلی نجات یافته در زمرة منتظران قرار گیرد. در این خصوص در دعای عهد چنین می خوانیم:

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.

«اللهم إني إجدد له في صبيحة يومي هذا و ما عشت من أيامي، عهداً و عقداً و بيعةً له في عنقي لا أحول عنها و لا أزول أبداً؛

بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز، و تمامی ایام زندگانیم، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می‌بندم که هیچ‌گاه و به هیچ وجه از آن بر نخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم.»

۲-۴. الگو پذیری از امام علیه السلام: آن هنگام که معرفت به امام و جلوه‌های

زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگوگرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید.

یکی از وظایف مهم نسل منتظر، الگوبرداری از امام و رهبر خویش است. هم سنخیت و شباهت با حضرت و هم پیروی و اطاعت از ایشان در گرو الگوبرداری از شخصیت، اخلاق و اعمال و دستورات ایشان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خوشا به حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من، در نزد من هستند.»

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضایل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است، چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آنگاه که به حضور مقدسش راه یابد، چه

سربلند و سرافراز خواهد بود!

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است، خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و رذایل اخلاقی دوری کرده و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؛ و گرنه افتادن به دام بدی‌ها، رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیادتر خواهد کرد، و این حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

«فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نؤثره منهم؛^۱
هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از
کارهای ایشان که به ما می‌رسد. اعمالی که خوشایند ما
نیست و از شیعیان انتظار نداریم!»

سهیم بودن در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی و کسب افتخار
یاوری و همراهی آخرین حجت حق نهایت آرزوی منتظران است. اما آیا نیل به
چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟!
امام صادق علیه السلام فرمود:

«من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل
بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛^۲
هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید
منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو
رفتار نماید.»

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، باب ۳۱ ما خرج
من توقیعه.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، باب ما روی فیما امر به الشیعه.

این نوع عمل کردن؛ یعنی الگوبرداری رفتاری و اعتقادی از امام زمان علیه السلام که منتظر را در راه خویش کمک بسیاری می‌نماید.

موارد بسیار دیگری را می‌توان نام برد که از وظایف نسل منتظر است و باید نسبت به آنها شناخت و معرفت پیدا نماید که به برخی اشاره می‌شود:

- حضور پر رنگ سیاسی و نظامی در اجتماع؛

- حراست از فرهنگ دینی و اسلامی و مرزبانی از اندیشه اسلامی؛

- تلاش در جهت رشد علمی و آگاهی از علوم روز دنیا؛

- شناخت اهداف و برنامه‌های پس از ظهور

دنیای پس از ظهور دنیایی متفاوت است که منتظر می‌بایست برای ترسیم برنامه‌ها و بازبینی اهداف خود، نسبت به آن دوران شناخت و معرفت کافی پیدا نماید. شناخت جامعه پس از ظهور در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به ظرفیت‌های نسل منتظر برای رسیدن به آن جامعه آرمانی یاری می‌رساند. معرفت نسبت به عدالت، امنیت، عقلانیت، رفاه، آسایش، دین‌داری و دین‌مداری و هزاران نعمت دیگر که به طور تمام و کمال در اختیار مردم جهان قرار خواهد گرفت، هم از جهت نقص جهان پیش از ظهور، به معرفت نسل منتظر کمک می‌کند و هم تصویری راستین از جهان واقعی در نظر او متصور می‌کند، که این خود بر انگیزه‌های نسل منتظر در مسیر سخت انتظار می‌افزاید.

۳. ایمان و باورداشت

پس از آگاهی و شناخت منتظر نسبت به راه و هدف خویش و وظایف و مسؤولیت‌هایش، نوبت به اعتقاد و باور می‌رسد؛ یعنی، اینکه تنها آشنایی و

شناخت کفایت نمی‌کند، بلکه می‌بایست با تمام وجود باور داشته باشد تا بتواند در آن راه جانفشانی و ایستادگی کند. بسیاری از آنان، که در کربلا همراه امام حسین علیه السلام حضور داشتند، امام علیه السلام را شناخته و اطلاع کامل از ویژگی‌ها و محاسن او داشتند، اما این شناخت به حدی نرسیده بود که امامت و راه امام علیه السلام برای آنان به یک باور و اعتقاد تبدیل شود تا بتوانند جان و مال و فرزندان خویش را در طبق اخلاص بگذارند و تقدیم امام خویش نمایند. انتظار ظهور منجی باید مبدل به باوری قلبی و عمیق شود که انسان را در زمره یاران حضرتش قرار می‌دهد. باید که خودخواهی‌ها و حب نفس‌ها از بین رفته تا این اعتقاد و باور در انسان نهادینه شده، به حرکت منتظر در راه رسیدن به امام علیه السلام یاری رساند.

«اللهم لا بد لأرضك من حجة على خلقك يهديهم إلى دينك و يعلمهم علمك، و لا يضيع أولياؤك بعد إذ هديتهم: ظاهر و ليس بالمطاع، أو متكتكم مترقب إن غاب شخصه عن الناس في حال هدنة، لم يغب عنهم ثبوت علمه، فإذا قلوب المؤمنين مثبتة؛^۱

بار خدایا! همواره باید حجّتی در روی زمین باشد که بندگانت را به سوی دین تو رهنمون شود و تعالیم تو را به آنها بیاموزد. تا بندگانت پس از هدایت تو گمراه نشوند. حجّت تو یا ظاهر و آشکار خواهد بود که اطاعت نخواهد شد، و یا از دیده‌ها غائب بوده که انتظارش را خواهند کشید اگر چه جسم او از ترس مخفی باشد ولی اثبات وجودش

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۴۹، باب الاضطرار الى الحجة.

مخفی نخواهد بود؛ زیرا در دل مؤمنان ثابت و استوار خواهد بود.»

باور به مهدی باید در وجود همه ما چنان، ریشه‌های گیاه در خاک محکم باشد. غیبت امام علیه السلام نباید اعتقاد به وجود حضرت را در دل مؤمن منتظر سست کرده، او را از انتظار برای ظهورش غافل نماید.

در سخنی گوهرگونه از رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

«... یا علی، وعلم أن أعجب الناس إيماناً و أعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجبتهم الحجة (فحجبت عنهم الحجة - خل) فأمنوا بسواد علی بیاض؛^۱

یا علی بدان که بهترین مردم از نظر ایمان و بزرگترین آنها از جهت یقین کسانی هستند که در آخر الزمان اند و پیامبر را ندیده‌اند و حجّت از آنها غایب است اما به آنچه در کتاب‌ها نوشته شده ایمان آورده‌اند.»

برای ایجاد اعتقاد عمیق در میان نسل منتظر، راه‌کارهای زیر توصیه می‌شود:

- تقویت بنیه‌های اعتقادی و فکری؛
- معرفی مهدویت به عنوان تنها راه نجات؛
- بیان زیبایی‌های عصر ظهور؛
- تبیین نافرجامی‌ها و مشکلات عصر غیبت؛
- ایجاد و رشد بایسته‌های اخلاقی و معنوی در خود؛
- تأکید بر این نکته که تنها راه سلامت در عصر غیبت اقتدا به موعود

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸، الفیة، ج ۴، ص ۳۶۵.

منجی الهی؛ امام زمان علیه السلام است؛

- انباشتن وجود خویش از باور به مهدی علیه السلام، آن چنان که دیگران به درون ما راه پیدا نکنند.

۴. رابطه و پیوند

پس از شناخت نسبت به این انگاره ارزشمند و وظایف و مسؤولیت‌ها و پیدا نمودن باور و اعتقاد عمیق بدان، نوبت به رابطه و پیوند با امام زمان و راه دشوار انتظار می‌رسد.

قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر ناگواری‌ها و بر پرهیز از گناهان و اطاعت از خدا شکیبایی کنید و با اتکا به صبر و پایداری یکدیگر بر مقاومت خویش بیفزایید و در امور دین و دنیا با یکدیگر همبستگی داشته باشید، و از عذاب خدا پروا کنید، که نیکبخت شوید.

در روایات آمده است:

«يا أيها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و قال اصبروا على
اداء الفرائض... رابطوا: إمامكم المنتظر»^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید... رابطه ناگسستی داشته باشید
با امامتان، [مهدی] منتظر علیه السلام.

۱. آل عمران (۳)/۲۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۶۰.

زمانی که انسان به امام عصر علیه السلام و ویژگی‌های آن حضرت شناخت کامل پیدا کرد و نسبت به انتظار ظهور او و اهمیت و تأثیر آن در سعادت ابدی بشر اطلاع کافی بدست آورد، و فهمید تمام آنچه برای راحتی، آسایش و سعادت دنیا و آخرت نیاز است در این وادی نهفته است، ارتباط عمیق و پیوندی ناگسستی می‌طلبد، تا بتواند بهره بیشتری ببرد. اما آن گاه که انسان از خوبی‌ها و ارزش‌های موجود در این فرهنگ غنی بی‌اطلاع باشد راه خود را به بی‌راهه منحرف کرده، راز موفقیت خود را در لابه‌لای فرهنگ‌های بشری جستجو می‌کند. اما وقتی به این راه عظیم و این راهبر الهی در فرهنگ مهدوی آشنایی پیدا نماید، نمی‌تواند در مسیری دیگر قدم بگذارد. از این رو می‌بایست ارتباط خود را روز به روز بیشتر نموده، زمینه‌های استفاده بیشتر تا رسیدن به درگاه عبودیت را برای خویش مهیا نماید. در واقع پس از شناخت و باورداشت عمیق، به مرحله‌ای می‌رسد که باید با آن موعود شناخته شده، ارتباط برقرار کند و خود را در دامن ولایت و امامت او قرار دهد. برای این کار نیز باید راه‌ها و مسیرهای مختلفی را طی کند، از جمله:

- رابطه اعتقادی و ایمانی؛ یعنی رابطه‌ای که زیربنای آن باورهای دینی و ایمانی است.

- رابطه امام و مأموم؛ یعنی پیوندی بر اساس اقتدا و تبعیت از مولا و امام خود؛

- رابطه هدایت‌گری و هدایت‌پذیری

- رابطه پناهگاه و پناهندگی؛ یعنی این که انسان حجت خدا را، تنها راه

مستقیم چون امر الهی بداند؛

- رابطه عاطفی؛ یعنی برقراری ارتباط دوستانه و عاشقانه با امام؛

۵. همسویی

پس از ایجاد ارتباط تنگاتنگ و پیوند عمیق، منتظر باید خود را همسو کند. یعنی باید برای رسیدن به امام زمان علیه السلام و قرار گرفتن در ردیف منتظران واقعی حضرت، خود را با اهداف ایشان همراه نموده و اهداف بلند امام علیه السلام همان اهداف او در زندگی باشد. نمی‌شود دم از انتظار زد، اما راه خویش را در پیش گرفت و به فرمان دیگران حرکت کرد. نباید در راه زندگی به شکلی عمل کرد که از مسیر انتظار و امام علیه السلام فاصله گرفته و به اهداف و آمال دشمنان کمک کرد و به اختلافات دامن زد.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«كأني بكم و قد اختلفتم من بعدى فى لخلق منى، أما
إن المقر بالأئمة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله المنكر لولدى، كمن
أقر بجميع أنبياء الله و رسله ثم أنكر نبوة محمد رسول
الله صلى الله عليه وآله و المنكر لرسول الله صلى الله عليه وآله كمن أنكر جميع
الأنبياء لأن طاعة آخرنا كطاعة أولنا، و المنكر لآخرنا
كالمنكر لأولنا؛

گویا با چشم خود می‌بینم که بعد از من در مورد جانشین
من به اختلاف افتاده‌اید، آگاه باشید که هر کس به همه
امامان علیهم السلام بعد از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله اعتراف کند ولی پسر من را
انکار نماید، همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف
نموده، رسالت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله را انکار نماید. زیرا که

اطاعت آخر ما، اطاعت اول ماست. و انکار آخر ما چون
انکار اول ماست.»

روشن است که اطاعت و پیروی بدون هماهنگی، همسویی و همگرایی راه
و هدف امکان ندارد. همراهی در عمل و رفتار بهترین نشان اطاعت است.

«وذلك بعد غيبة طويلة، ليعلم الله من يطيعه بالغيب و
يؤمن به؛^۱

و آن-ظهور- بعد از سپری شدن یک غیبت طولانی است، تا
خدا بداند که چه کسی در غیبت از او اطاعت می کند و به
او ایمان می آورد.»

از راه های همراهی و همسویی با امام علیه السلام می توان به این نکات اشاره کرد:

۵-۱. توجه دائمی به یاد و نام امام علیه السلام

از نکات قابل توجه در همسویی و همراهی با امام زمان علیه السلام توجه همیشگی
و دائمی به نام و یاد آن حضرت است. اینکه منتظر دائماً با یاد و نام او
زندگی کند و در تمام کارها یاد او را مد نظر داشته باشد، کمک می کند تا
خود را با اخلاق و رفتار امام منتظران همراه و هم سنخ گرداند.

از جمله راه های اساسی که باعث می شود نسل منتظر دائماً با یاد و نام
حضرت زندگی کند، توجه و توسل به وسیله ادعیه و زیارات، به ایشان
است و اینکه منتظر خود را در تمام لحظات زندگی در محضر ایشان بداند و
باور داشته باشد حتی حرکت یک پلک چشم انسان هم از دیده حضرت
مهدی علیه السلام مخفی نیست.

۵-۲. خضوع و خشوع در برابر حق و دستورات امام

اینکه با همه داشته‌های خود و در هر شرایط اجتماعی که هستیم، بتوانیم در برابر حق کُرنش کرده، گوش به فرمان او باشیم. موقعیت اجتماعی و شأنیت‌های ساخته شده در روابط اجتماعی مانع حق شنوی ما نباشد. برای احیای دین و گرفتن حق مظلوم از ظالم، امام علیه السلام و یاران آن حضرت را یاری کنیم. همسویی با امام علیه السلام در راستای اهداف امام علیه السلام باشد نه در راستای موقعیت یابی ما.

احمد بن متیل، شخصیتی بود بسیار عالی مقام که احتمال می‌رفت بعد از محمد بن عثمان، از نواب خاص شود، اما دو زانو و در کمال ادب و احترام و در نهایت خضوع و خشوع در برابر حسین بن روح نشسته و تبعیت کرد. منتظر امام علیه السلام باید چنین حق محور بوده، خاضعانه گوش به فرمان امام خویش و همچنین کارگزاران دولت حق باشد.

۵-۳. سعی در جلب رضایت امام زمان علیه السلام

راهبری و اطاعت، التزام عملی به امام علیه السلام و توجه به اشراف حضرت بر اعمال و رفتارهای انسان، از جمله اموری است که کمک می‌کند همسو و هم نوا با امام زمان علیه السلام حرکت کرده خود را برای روز موعود آماده نماییم. زندگی بر مدار دین و دستورات الهی باعث جلب رضای خدای متعال و اولیای الهی است. امام زمان علیه السلام به عنوان آخرین ذخیره الهی و ولی بر حق خدای متعال بر زمین، می‌بایست از عملکرد و رفتار نسل منتظر رضایت داشته باشد و این مهم محقق نمی‌شود، مگر با حرکت در مسیر انتظار و انجام وظایف محوله که نسل منتظر باید در راه رسیدن به آن نقطه، تلاش

فراوان نماید.

۵-۴. حرکت در مسیر اهداف امام زمان علیه السلام

وقتی منتظر با یاد و نام حضرت زندگی کرده، خود را در محضر ایشان بداند و سعی در جلب رضایت ایشان داشته باشد و رنگ مهدوی به زندگی خود بخشد. تحقق اهداف امام مهدی علیه السلام را مهم‌ترین دغدغه خود دانسته و تلاش برای رسیدن به آن اهداف را مهم‌ترین هدف خود در دنیا می‌داند. از جمله راه‌های تشخیص هدف و در زمره یاران امام علیه السلام بودن، این است که انسان زندگی خود را بررسی کند و ببیند آیا بر مدار اهداف حضرتش حرکت می‌کند یا خیر؟ با نگاه به اهداف و آرمان‌های انقلاب جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، می‌توان به ویژگی یاران او و میزان آمادگی‌شان پی برد. آشنایی با اهداف آن امام همام، نسل منتظر را برای تربیتی مهدوی یاری می‌کند از این رو به برخی از اهداف امام زمان علیه السلام با توجه به دعای ندبه اشاره می‌کنیم:

- «أین المعد لقطع دابر الظلّة؛

کجا است مهیا شده برای ریشه کن کردن نسل ستمگران!»

- «أین المدخر لتجدید الفرائض و السنن؛

کجا است، آن ذخیره‌ای که فریضه‌ها و سنت‌ها را احیا

می‌کند!»

- «أین المؤمل لإحياء الكتاب و حدوده؛

کجا است آن که آرزو می‌رود قرآن و حدودش را زنده

کند.»

- «أین مبيد أهل الفسوق و العصيان و الطغيان؛

کجا است آن بنیان کن اصحاب فسق و عصیان و طغیان!»

- «أین معز الأولياء و مذل الأعداء؛

کجا است عزت بخش دوستان و خواری کننده دشمنان!».

۵-۵. توسل و توجه به امام زمان علیه السلام

مهمترین لوازمی که کمک فراوانی به نسل منتظر برای حرکت در مسیر اهداف امام علیه السلام نموده و یاد و نام حضرتش را در زندگی انسان در دوران پر مخاطره غیبت، رونق می‌بخشد و نورانیت خاص عطا می‌کند، توسل و توجه به حضرت در قالب ادعیه و زیارات وارده است. نسل منتظر با دعا، توسل و توجه و نیز ندبه و گریه به درگاه امام زمان علیه السلام همسویی، همفکری و زندگی در دایره انتظار به معنای واقعی را برای خود نهادینه می‌کند. نسل منتظر خوب می‌داند که فاصله بین آنچه هست و آنچه باید باشد به اندازه یک تاریخ، زندگی بدون امام است که جای خالی آن عزیز سفر کرده در تمامی دوران انتظار به وضوح دیده می‌شود. او می‌داند که باید این حفره بزرگ زندگی خویش را با توسل و توجه به آن موعود منجی پر کند، و خود را بوسیله ندبه و توسل به درگاه ایشان از خطرات حفظ کرده، برای ظهور آماده نگهدارد. این نسل پراضطراب و عاشق باید در دوران غیبت و در تمام لحظه‌های بی‌کسی خویش به درگاه مهدی فاطمه عرضه دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي
الْمُتَّصِدِّقِينَ﴾؛ ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیب رسیده
و در تنگنا قرار گرفته‌ایم. این سرمایه‌ای که برای خرید
آوریده‌ایم ناچیز و کمتر از بهای آذوقه‌ای است که بدان

نیازمندیم؛ تو پیمانہ را کامل ببخش که خداوند بخشنندگان را پاداش می‌دهد.

۶. همدلی و همرنگی

همدلی و همراهی نتیجه آن شناخت، رابطه و همسویی است. زمانی که انسان نسبت به هدف خویش شناخت کامل پیدا نمود و توانست با آن رابطه و همسویی پیدا کند، می‌تواند همدل و هماهنگ با امام علیه السلام بوده و تا رسیدن به انتهای راه همراه او حرکت کند و بدون هیچ نگرانی دل به دلدار سپرده، به امید روز موعود زندگی کند. یعنی ارتباط و همسویی با آن حضرت، به تمام وجود او نفوذ کرده و وی را عملاً و قلباً همراه و همدل با امام کند و همه اعمال، رفتار، گفتار و تفکرات او رنگ و بوی مهدوی داشته باشد.

«و لو أن شیاعنا - وفقهم الله لطاعته - علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بالمشاهدتنا علی حق المعرفة...»

اگر شیعیان ما، که خدا توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناخت راستین...»

غیبت امام علیه السلام نباید بر دل مؤمن منتظر تأثیر گذاشته و او را از راه انتظار جدا نماید. اعتقاد به امام در غیبت و همدلی با وی در مشکلات و فراز و

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۸؛ احمد بن علی الطبرسی، الاحتجاج، ج ۲، منشورات دار النعمان للطباعة و النشر، ص ۴۹۸.

نشیب‌های راه از نشانه‌های بارز مؤمن منتظر است. از نکات مهم و تأثیر گذار در همدلی و همراهی عاشقانه با امام علیه السلام التزام عملی و قلبی به وجود مقدس ایشان است و همچنین اعتقاد به این امر که اعمال و رفتار هیچ انسانی در روی زمین از چشم آن حضرت پنهان نبوده، وی بر همه اعمال و رفتار ما اشراف کامل دارند. ایشان «عین الله الناظره» است و این باید باعث شود مؤمن منتظر، از حرام‌های الهی پرهیز کرده، واجبات را عمل نموده و خود را برای یاری امام علیه السلام آماده سازد. از نکاتی که برای همدل شدن با امام علیه السلام باید در نظر داشت، ایجاد ارتباط معنوی است. برای همدل شدن ابتدا هم سنخ، هم هدف و همراه شویم و به این منظور می‌بایست خود را از لحاظ معنوی رشد داده، به نقطه مطلوب برسیم. در این راه بهتر آن است که از ادعیه، زیارات معتبره، توسل و نیز از نماز آن حضرت کمک بگیریم.^۱

از جمله نشانه‌های همدلی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- شرکت در مجالس دعا، زیارت و توسل به حضرت حجت علیه السلام
- صدقه دادن و دعا برای سلامتی حضرت علیه السلام
- فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف بلند ایشان
- اطاعت از فرامین و دستورات امام زمان در تمام شئون زندگی
- پرهیز از نافرمانی و رنجاندن آن حضرت با گناه و اعمال ناپسند

۱. رک: امام زمان در کلام آیت الله بهجت، امیدیان محمد تقی، ص ۳۳-۳۵.

۷. یقین و دوری از شک

از مشکلاتی که همواره سر راه رسیدن به هر هدفی وجود دارد، تردید و دودلی است که انگیزه‌های لازم را در وجود انسان از بین می‌برد. سختی راه، طولانی بودن زمان، نبودن امکانات کافی، غیبت امام و ظلم فراوان نباید تردید را در دل مؤمنی که در انتظار ظهور آخرین ذخیره الهی است، ایجاد نماید. روایات بسیاری بیان کننده این نکته است که طولانی بودن غیبت دل بسیاری را از قساوت پر کرده و آنان را از اعتقاد و باور به ظهور بر می‌گرداند. این بیان در کلمات نورانی امام حسن عسکری خطاب به احمد بن اسحاق چنین آماده است:

«إن ابني هو القائم من بعدی، و هو الذی تجری فیہ سنن الأنبیاء بالتعمیر و الغیبة، حتی تقسو القلوب لطول أمدها. فقال صاحبه: یا ابن رسول الله و إن غیبتہ لتطول؟ قال: ای و ربی، حتی یرجع عن هذا الأمر أكثر القائلین به، فلا یبقی إلا من أخذ الله عهدہ بولایتنا، و کتب فی قلبه الإیمان و أیده بروح منه!»

پسر من بعد از من قائم به حق است. در حق او سنت‌های پیامبران از عمر طولانی و غیبت، جاری می‌شود. غیبت او به قدری طول می‌کشد که دل‌ها را قساوت می‌گیرد».

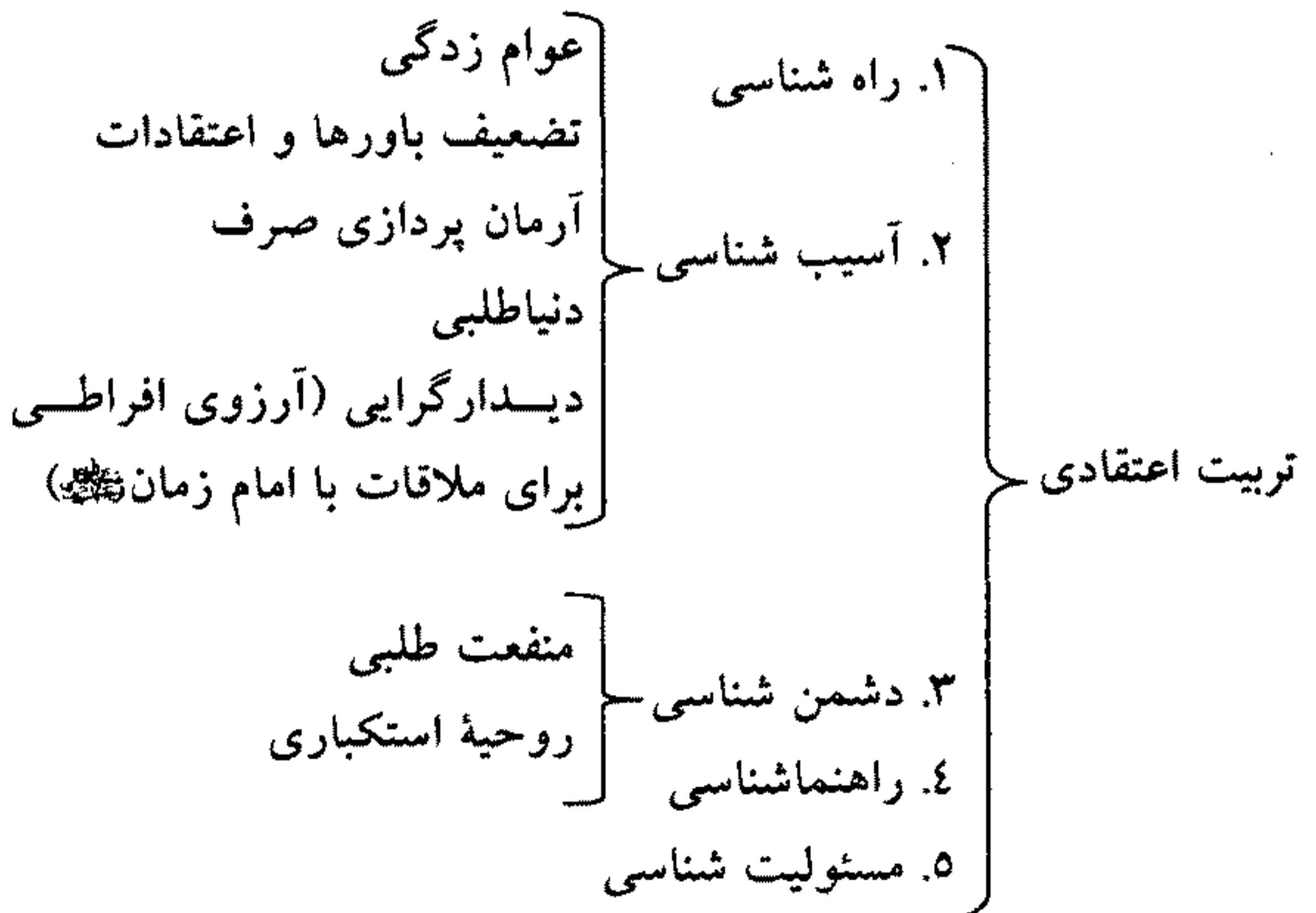
احمد بن اسحاق گفت: آیا غیبت او آن قدر طولانی می‌شود؟ فرمود: «آری، به خدا سوگند، آن قدر طولانی می‌شود که بیشتر معتقدان به امامت او، از اعتقاد خود برمی‌گردند. بر ایمان خود باقی نمی‌ماند؛ به جز کسی که

خداوند از او برای ولایت ما پیمان گرفته است، و در دل او ایمان را نوشته است و او را با روح - القدس - تأیید کرده است».

چنان که از بیان روایت به دست می آید عصر انتظار به قدری طول می کشد که دل ها به گرد و غبار قساوت آلوده شده و بسیاری را از باور به مهدویت تهی می کند. این غبار سنگین باعث می شود تردید و دو دلی به مرور زمان انسان را از هدف عالی انتظار باز دارد. بر این اساس انسان منتظر باید با گرایش به معنویات و توسل و توجه به درگاه الهی، خود را از درّه هولناک تردید جدا کرده در مسیر صحیح حرکت کند.

فصل چهارم:

تربیت اعتقادی



برای قرار گرفتن نسل منتظر در راه تربیت اعتقادی و رشد و پویایی باورهای عمیق انتظار، می‌بایست به مؤلفه‌های مهم و نکات اساسی توجه نماید. اساس و پایه هر فکر و عمل، بینش و باور انسان است. به عبارت دیگر، بنیان رفتاری و تربیتی انسان، بر باورها و اعتقادات استوار می‌شود و اگر در وجود هر انسانی دنیا و دنیاگرایی و توجه به مادیات، ریشه کند، دیگر نمی‌تواند بر اساس هدف معنوی و آخرتی برنامه‌ریزی کند. چرا که اعتقاد و باور قلبی او بر اساس دنیاگرایی و ظاهر پسندی شکل گرفته است. اگر انسان شخصیت خویش را به لحاظ اعتقادی و باور قلبی نسبت به امام زمان علیه السلام و حرکت عظیم ایشان، شکل داد و روح و وجود خود را ساخته و پرداخته کرد، وجوه شخصیتی وی نیز به راحتی در همان مسیر قرار خواهد گرفت. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که برای تربیت باورهای منتظر مورد نیاز است، به شرح ذیل است:

۱. راه‌شناسی

رفتن و رسیدن به هر هدفی، می‌تواند راه‌های متفاوتی داشته باشد. انسان می‌تواند برای رسیدن از هر راهی استفاده کرده و یا خواسته یا ناخواسته در مسیری قرار گیرد که با فراز و نشیب‌های آن آشنا نبوده، حرکت خود را

آهسته کند. لذا شناخت نزدیک‌ترین و بهترین راه برای رسیدن به هدف، همیشه مد نظر انسان‌های عاقل و آگاه بوده است.

راه تکامل و صراط مستقیم راهی است که انسان برای آن به این دنیا پا گذاشته و برای قرار گرفتن در آن تلاش فراوان کرده است. راه تکامل؛ یعنی همان باورهای راستینی که توسط انبیای الهی برای بشر به ارمغان آورده شد و به واسطهٔ رسول گرامی اسلام تکمیل و به وسیلهٔ اهل بیت علیهم‌السلام ادامه داده شد. اما از آنجا که راه حقیقت در طول تاریخ به وسیلهٔ سودجویان و دنیاگرایان مورد هجوم قرار گرفته است و بشر نتوانسته در این مسیر الهی برای رسیدن به سرمنزل مقصود قرار گیرد، خدواند متعال، ذخیره‌ای را برای نیل به این هدف والا کنار گذاشته و امیدی در دل بشر برای آخرالزمان زنده نگه داشته است. این راه، راهی است مستقیم که هیچ مشابه دیگری ندارد و هر راهی جز این، انسان را به ناکجاآباد می‌رساند؛ همچنان که در بستر تاریخ و روزگار مشقت‌باری که بر بشر گذشته است، راه‌های گوناگونی را تجربه کرده و به نتیجه هم نرسیده است. برای رسیدن به آن هدف والا ابتدا باید آن را به خوبی شناخت و با فراز و نشیب‌ها، آسیب‌ها و خطرات احتمالی آن آشنا شد تا بتوان با حرکت در راه مستقیم و سرعتی مطلوب به مقصود رسید.

راه‌شناسی یعنی آشنا شدن با بهترین و نزدیکترین راهی که انسان را با اطمینان خاطر به هدف برساند. شهید مطهری در این رابطه می‌نویسد:

«بشر در مسیر تکاملی خود مانند قافله‌ای است که در راهی و به سوی مقصود معینی حرکت می‌کند؛ ولی راه را نمی‌داند هر چند یک بار، به کسی برخورد می‌کند که راه را می‌داند و با نشانی‌هایی که از او می‌گیرد ده‌ها کیلومتر راه را طی می‌کند... تا تدریجاً خود قابلیت بیشتری برای فراگیری

پیدا می‌کند و می‌رسد به شخصی که نقشه کلی راه را از او می‌گیرد و برای همیشه با در دست داشتن آن نقشه از راهنمایی جدید بی‌نیاز می‌گردد^۱. امام عصر علیه السلام در یکی از توقیعات آفتابگون خویش می‌فرماید:

«... ولتعلموا أن الحق معنا و فينا، لا يقول ذلك سوانا إلا كذاب مفتر، و لا يدعيه غيرنا إلا ضال غوي. فليقتصروا منا على هذه الجملة دون تفسير، و يقنعوا من ذلك بالتعريض دون التصريح إن شاء الله^۲؛

شیعیان ما باید بدانند که حق با ماست و حق در میان ماست. به جز ما هر کس این ادعا را بکند دروغگوست و جز ما هر کس این دعوی را بکند ضال و گمراه است. شیعیان ما باید این جمله را از ما بپذیرند و تفسیر آن را نخواهند. از ما اشاره را قبول کنند و تصریح را نخواهند.»

روشن است وقتی انسان راه نزدیک و مطمئن و دارای شرایط عالی را که همان راه حق و صراط مستقیم است پیدا کند، سریع‌تر، بهتر و بدون مخاطره و آسیب به نتیجه می‌رسد، اما تا رسیدن به این نقطه باید تلاش فراوان نموده، خود را از هر حیث برای چنین کمالی آماده سازد.

۲. آسیب شناسی

باور به آموزه «مهدویت»، و فرهنگ انتظار نیز مانند هر اندیشه و فرهنگ دیگری آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که چنان چه به آنها توجه نشده و به موقع برای بر طرف ساختن آنها اقدام نگردد، می‌تواند آثار منفی و مخربی داشته

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۶۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ذیل توقیع ۱۹.

باشد. البته این آسیب‌ها می‌تواند در هر زمان، متفاوت از زمان دیگر باشد. از این رو مقابله با آنها نیازمند آسیب‌شناسی مستمر و روز آمد از سوی عالمان دین و مراکز مرتبط است. انسان منتظر هم می‌بایست آشنایی کامل با این آسیب‌ها داشته باشد. این آشنایی به انسان کمک می‌کند تا با چشمی باز و با برنامه‌ریزی کامل حرکت کند. عدم آشنایی با هر گونه آسیب در هر موضوعی به ویژه طی طریق در مسیر انتظار، حرکت را به حرکتی کور تبدیل کرده، رسیدن را مشکل و در بیشتر موارد غیر ممکن می‌سازد.

در حالی که شناخت آسیب‌ها، موانع و خطرات هر موضوعی متناسب با خودش، برنامه‌ریزی صحیح و حرکتی از روی بصیرت و دانایی را به همراه دارد. ما نیز وظیفه داریم به عنوان منتظر با آسیب‌های این مسیر دشوار آشنا شده بصیرت لازم را پیدا کنیم.

نکته قابل تأمل در انتظار این است که طولانی بودن مسیر و گذر زمان‌های بسیار بر این موضوع، باعث شده آسیب‌های فراوانی این ارزش الهی را تهدید کند و راه را برای منتظران سخت‌تر و رسیدن به هدف را مشکل‌تر سازد. اهمیت آسیب‌شناسی به حدی است که دانشمندان علوم اجتماعی، درهم شکستن سازمان اجتماع را با آسیب‌شناسی مترادف دانسته، معتقدند آسیب‌شناسی اجتماعی هر گونه سستی و از هم گسیختگی الگوهای روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد.^۱ بدیهی است شناخت آسیب‌ها در راه انتظار تأثیر فراوانی در تربیت منتظران و تبیین این راه دارد. از این رو به

۱. ستوده، هدایت الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، ج ۵، ص ۱۵.

عنوان نمونه به برخی اشاره می‌شود:

الف. عوام زدگی

یکی از آسیب‌های جدی و تأثیرگذار، عوام زدگی و سطحی‌نگری است. فراموش شدن فلسفه واقعی انتظار و بیان مطالبی سطحی و عوامانه تحت عنوان خواب، رؤیا و حکایت‌های ضعیف و بدون سند و مدرک معتبر و عموماً سازگار با احساسات عوامانه جای دقت و تأمل و هرگونه تفکر عالمانه را گرفته و ملاکات تحلیل و بررسی پدیده ظهور را تغییر داده‌اند.

ب. تضعیف باورها و اعتقادات

باور به مبدأ و معاد و رعایت احکام الهی و عمل به باورهایی که در مجموع به توحید، نبوت و معاد بر می‌گردند، انسان را در راه رشد و پویایی و رسیدن به نقطه کمال دوران انتظار؛ یعنی قرار گرفتن در صف منتظران، یاری می‌کند. حال سعی دشمنان بر این است که از یک طرف با ایجاد شک و شبهه، باورها را تضعیف کنند - تا جایی که شک‌گرایی در میان ما به ویژه جوانان تبدیل به یک افتخار شود - و از طرف دیگر می‌خواهند با ترویج ضد ارزش‌ها و بی‌دینی‌ها، به تدریج ارزش‌های دینی و اسلامی را در جامعه به ویژه در میان جوانان محو و نابود کنند و فرهنگ دین محوری و به دنبال آن فرهنگ انتظار را برای همیشه از بین ببرند. وقتی باورها و ایمان‌ها ضعیف شد، دیگر یقینی به حیات پس از مرگ، قرب الاهی و سعادت و پاداش آخرتی نخواهد بود تا انسان برای رسیدن به آن به انتظار موعود و منجی الهی نشسته و برای رسیدن به چنان سعادت‌ی سختی‌های فراوان را تحمل نماید. با از بین رفتن ارزش‌ها و باورهای دینی که ارکان اساسی سعادت

بشری هستند، دیگر ایثار، از خود گذشتگی و تلاش و کوشش برای نجات خود و دیگران مفهومی نخواهد داشت. پس تهدید باورها و اعتقادات دینی ما از آسیب‌های مهم و مورد دقت دشمنان مهدویت است. که منتظران درست امام زمان علیه السلام باید با دقت تمام توجه داشته باشند و روز به روز به تقویت باورهای دینی خود بپردازند.

ج. آرمان پردازی صرف

از دیگر آسیب‌های این مسیر آرزوگرایی صرف و خالی از عمل است. این آسیب چنان عده‌ای را به خود مشغول می‌کند که گمان می‌کنند صرفاً اعتقاد به امام زمان علیه السلام کافی است و تکلیف و وظیفه‌ای در این راه ندارند. این آسیب که در زبان آیات و روایات «تمنی» یا «امید» کاذب نام دارد بیشتر شبیه به اعتقادات اهل کتاب است تا مسلمانان منتظر، از این رو در قرآن کریم آمده است:

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ

أَمَانِيهِمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱

و گفتند هرگز هیچ کس به بهشت نمی‌رود مگر آن که یهودی باشد. این آرزوهای آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلالتان را بیاورید.

در روایتی کوتاه نیز این گروه را تکذیب کرده می‌فرمایند: «كذب المّمنون»^۲

آرزمندان خیال پرداز دروغ می‌گویند.

در این باب، روایات فراوان آمده و بدیهی است منتظران دولت ظهور نیز از

۱. بقره (۲)/۱۱۱.

۲. نعمانی، الغیبه، باب ۱۱، ص ۱۹۷.

این قاعده مستثنا نیستند و اگر صرفاً به آروزی گشایش کارها و عدم کوشش و حرکت اکتفا کنند، راه به جایی نخواهند برد. منتظر واقعی باید در کسورۀ عمل، آب دیده شده خود را برای حرکتی عظیم تربیت کند. بنابراین باید:

- از رؤیا پردازی پرهیز کند؛

- از آرزوهای طولانی و به دور از عمل پرهیزد؛

- با برنامه، هدف و در چارچوب دستورات امام حرکت کند؛

- از افراط و تفریط در آموزۀ مهدویت پرهیزد و به وظایف اصلی و

اساسی خود عمل کند؛

- باورهای خود را بر بینش‌های عمیق و مبانی منطقی استوار سازد.

د. دنیا طلبی

یکی از آسیب‌هایی که در طول تاریخ دین و ایمان مردم را هدف قرار داده و منتظران امام زمان علیه السلام نیز از آن در امان نیستند، دنیا طلبی و منفعت‌گرایی است. برخی بر این باور بوده و هستند که می‌توانند بی هیچ مانع و گزندی از اهل بیت علیهم السلام برای رسیدن به مال و منصب دنیا استفاده کنند. چنانکه در آن روایت شریف امام صادق علیه السلام فرمود: مردم درباره ما سه گروه اند: دو گروه به دنبال جاه و مقامند و برای این که مردم را بدرند، محبت ما اهل بیت علیهم السلام را اظهار می‌دارند و گروه سوم که (این گونه نیستند) از ما اهل بیت می‌باشند و ما از آنها مییم.^۱ واسطه قرار دادن امام علیه السلام به درگاه خداوند متعال امر پسندیده‌ای است که در روایات ما بدان سفارش شده است اما نکوهیده و

۱. رک: تحف العقول، ص ۵۱۳؛

زشت آن است که امام زمان علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام را صرفاً برای رسیدن به مطامع و مقامات دنیایی طلب کنیم. چنین افرادی، زود از میدان به در رفته، دوستی‌هایشان به ضعف و سستی می‌گراید. این افراد، که در زمان ما گرد مفهوم انتظار و مهدویت برای رسیدن به اهداف دنیایی و ظاهری خود جمع شده‌اند و هر کجا که دنیای خود را در خطر ببینند از دین و امام خود دست برداشته پیرو رهبران واقعی خویش می‌گردند و دشمنی را در رابطه با امام علیه السلام تمام کرده، حتی به جنگ می‌پردازند.

منتظران واقعی حضرت باید به شکلی تربیت شوند که مصلحت دین و امام علیه السلام را بر خواسته خویش مقدم دارند و هر آنچه که از امام به آنان رسیده، برای آنان خوشایند باشد و اعتراضی نداشته باشند. چنانکه در برخی روایات آمده برخی از مدعیان انتظار، در زمان ظهور حضرت با ایشان مخالفت می‌کنند که کسی انتظار مخالفت آنها را ندارد، اینان همان منتظران دنیا طلب هستند که با آمدن امام علیه السلام دنیای آنها به خطر افتاده چهره واقعی خویش را نمایان می‌کنند. منتظر باید خود را طوری تربیت کند و به شکلی در راه انتظار آبدیده و خالص گردد که امام علیه السلام را برای دین و دین را برای امام علیه السلام بخواهد و منافع خویش را هیچگاه مد نظر قرار ندهد و این جز در سایه تربیت الهی در راستای اهداف قیام مهدوی امکان پذیر نیست.

ه. دیدارگرایی (آرزوی افراطی برای ملاقات با امام زمان علیه السلام)

نسل منتظر باید بداند وظیفه و تکلیفی که در عصر غیبت بر عهده دارد، زمینه‌سازی برای ظهور و یاری امام زمان علیه السلام است. او وظیفه دارد برای همراهی و یاری ایشان آمادگی داشته باشد و تلاش خویش را در راه هم

سنخی و ارتباط روحی و قلبی با آن حضرت معطوف نماید. آنچه بر عهده نسل منتظر است عمل به دستوراتی است که از ناحیه شرع مقدس برای دوران غیبت به او داده شده است. دورانی که این نسل در آن قرار دارد، عصر انتظار و چشم به راهی است. عصر تحمل، صبر و رشد و بالندگی ایمانی است. نسل منتظر باید بداند عصر او، عصر انتظار و غیبت است نه عصر دیدار! بر اساس مبانی دینی ما درباره اصل امکان تشریف به خدمت حضرت در دوران غیبت، نص صریح و دستور خاصی ندارد. آنچه وجود دارد مطالبی است که از ناحیه علما و صلحا در قالب داستان‌هایی به ما رسیده است. چله نشینی‌ها و اذکار و ختم‌های دوره‌ای که در این خصوص وجود دارد، سند و مدرک درستی ندارند؛ چرا که اساس در این دوران بر غیبت نهاده شده است و اساساً قرار نیست حضرت مهدی علیه السلام در این زمان دیده شود. البته دیدار نیز ممکن است که به مصلحت و تشخیص خود حضرت است، نه به خواسته و تمایل من و شما، پس نباید در پی این و آن رفت و به دنبال چله‌نشینی و ختم‌گرفتن در دام افراد سودجو افتاد، که بیشتر آنچه در این وادی گفته می‌شود بی اصل و اساس است و پایه و سندی ندارد!

از این رو یکی از آسیب‌های انتظار که در کمین منتظران امام زمان علیه السلام قرار دارد و خطرناک و گمراه کننده است، نگاه افراطی به دیدار ایشان در زمان غیبت است. این آسیب باعث می‌شود دو گروه به ورطه خطر کشیده شوند: یکی از آنان که به پیروی از افراد منفعت طلب ناراست‌گو، به دروغ ادعای ملاقات می‌کنند و از این فرصت معنوی برای به دست آوردن ثروت دیگران و ساختن دنیای خویش استفاده می‌کنند. دسته دیگر کسانی هستند

که به خاطر این تفکر از دیگر وظایف خویش بازمانده صرفاً به ملاقات و دیدار حضرتش فکر می‌کنند و در همان راستا قدم بر می‌دارند. این باعث می‌شود وظایف اصلی و اساسی خویش را فراموش کرده، به انزوا کشیده شوند و عملاً از خیل سربازان انتظار خارج گردند. ضمن اینکه برخی از اینان بعد از مدتی که موفق به دیدن امام علیه السلام نمی‌شوند دچار یأس و ناامیدی شده، توهم گرا و خیال پردازانه دست از دین خود نیز می‌کشند.

وظیفه اصلی منتظر، این است که خود را برای امام خویش و تحقق اهداف او آماده کند و این که بتواند ایشان را ببیند یا نبیند خیلی در تربیت منتظران ایشان تأثیر نگذارد. منتظر باید بداند که در عصر غیبت چه مسئولیت و وظیفه‌ای دارد و بر اساس آن عمل کند. ما در روایات توصیه و تشویق به درخواست و دعا برای دیدار نشده‌ایم، بلکه این از جمله کراماتی است که با عمل صالح به دست می‌آید.

به دست آوردن ویژگی‌های منتظر واقعی و انجام وظیفه‌ای که امام بر دوش منتظران گذاشته برای کسی که می‌خواهد برای این راه تربیت شود از اهمیت بالایی برخوردار است.

علاقه و اشتیاق از نشانه‌های نسل منتظر و علاقه‌مندان به امام زمان است. امام شیعیان، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اشتیاق به دیدار مهدی آل محمد علیهم السلام داشت. حضرت در حدیثی بعد از آنکه قسمتی از صفات و نشانه‌های ایشان را بیان فرمود و به بیعت با او و اجابت دعوتش امر کرد، با

آه به سینه‌اش اشاره کرده و شوق دیدارش را اظهار داشت».^۱

در حدیث دیگری از احمد بن ابراهیم نقل شده: «به جناب ابوجعفر محمد بن عثمان، اشتیاقم را به دیدار مولایمان بیان کردم؛ به من فرمود: با وجود اشتیاق مایل هستی او را ببینی؟! گفتم: آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید و دیدن رویش را به آسانی و عافیت، به تو روزی کند! ابو عبدالله! التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت، به او اشتیاق داری و درخواست مکن که با او همنشین گردی که این از عزایم الهی است و تسلیم بودن به آن بهتر است؛ ولی با زیارت به سوی او توجه کن...».^۲

در هر صورت ابراز شوق دیدار را باید داشت و در دعاها و زیارات توجه و درخواست کرد؛ اما تمایل به دیدار آنهم به شکلی که آن را مهم‌ترین وظیفه خود بدانیم، انسان را از مسیر واقعی انتظار خارج می‌سازد.

۳. دشمن شناسی

از جمله نکات مهمی که منتظران باید برای آن آماده و تربیت شوند، شناخت دشمنان مهدویت و مخالفان انتظار و منجی‌گرایی است. دو گروه همیشه به عنوان دشمنان اصلی این نظام وجود داشته‌اند که به هر نحو در طول تاریخ با این امر دشمنی کرده و کوشیده‌اند اسباب نابودی آن را فراهم سازند. یک گروه، مخالفان هستند که در چهره‌های گوناگون در طول رسالت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام این کار را کرده و ضربه‌های فراوان زده‌اند؛ هرچند هیچ‌گاه موفق به

۱. ر.ک: مکیال‌المکارم، ج ۲، ص ۲۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۹۷.

شکست اسلام نشده و به هدف خود که برداشتن اسلام از روی زمین است، نرسیدند و نخواهند رسید؛ اما ضربه‌های فراوانی وارد کرده و دردسرهای زیادی ایجاد نموده‌اند. این گروه چون گذشته همچنان با مهدی آل محمد علیه السلام نیز مخالفت و دشمنی کرده، آرزوی برانداختن او را در سر می‌پرورانند. از وظایف اصلی منتظران، تربیت در راستای شناخت و مبارزه با این گروه است که در حقیقت دشمنان اسلام و خداوند هستند. گروه دیگر به ظاهر مسلمانند و به خدا و رسولش ایمان دارند و نیز به ظهور مصلح موعود اعتقاد دارند اما وجود امام زمان علیه السلام را انکار می‌کنند. اینان نیز از دشمنان‌اند که باید آنها را شناخت و برای رسیدن به نقطه اوج انتظار برای مبارزه با آنها نیز آماده شده، اهداف، برنامه‌ها و گفته‌هایشان را برای تربیت نسل منتظر تبیین و نقد نماییم.

برخی عوامل این ستیزه جویی‌ها عبارتند از:

الف. منفعت طلبی

یکی از اصلی‌ترین ادله مخالفت مخالفان و منکران مهدویت، منفعت طلبی و دنیا پرستی است. مخالفان دستگاه حق و مریدان شیطان، از ابتدا به خاطر دنیا طلبی خویش سر ناسازگاری با دستگاه حق گذاشته تا به امروز که با مهدی آل محمد علیه السلام مخالفت می‌کنند؛ اما عده‌ای هم هستند که به ظاهر پیرو مکتب انتظاراند و برای رسیدن به شرایط انتظار واقعی تلاش می‌کنند، اما به واقع دنیا طلب بوده و اسباب راحتی خویش را در دنیا جستجو می‌کنند. اینان نیز زمانی که انتظار را مخالف منافع خویش ببینند رو برگردانده، مخالفت می‌کنند. عده‌ای هم که شاید بتوان گفت تعداد فراوانی از مردم را تشکیل می‌دهند، افرادی‌اند که می‌خواهند در رکاب امام زمان بوده و جزء

منتظران راستین حضرتش باشند ولی به طور صحیح تربیت نشده، ویژگی‌های لازم را در این خصوص پیدا نکرده‌اند و این باعث می‌شود به هنگام امتحان و ضرورت بی‌اختیار دین خود را باخته و نگران دنیای خویش شوند. امام صادق علیه السلام در رابطه با مدعیان محبت اهل بیت علیهم السلام چنین می‌فرمایند:

«افترق الناس علی ثلاث فرق؛ فرقة احبونا انتظار قائمنا لیصیبوا من دنیانا، فقالوا و حفظوا کلامنا و قصرنا عن فعلنا، فسیحشرهم الله الی النار و فرقة احبونا و سمعوا کلامنا و لم یقصرنا عن فعلنا، لیستأکلوا الناس بنا فیما لئ الله بطونهم ناراً یسلط علیهم الجوع و العطش و فرقه احبونا و حفظوا قولنا و اطاعوا امرنا و لم یخالفوا فعلنا فاولئک منا و نحن منهم؛»

مردم نسبت به ما سه گروهند: دسته‌ای ما را به این امید دوست دارند که از دنیای ما بهره‌مند شوند. سخنان ما را می‌گویند و حفظ می‌کنند اما از برنامه‌های عملی ما کوتاهی می‌کنند. خدا آنان را به دوزخ کشد. فرقه‌ای ما را دوست دارند. گفتارمان را می‌شنوند، در عمل کوتاهی نمی‌کنند اما منظورشان تنها دنیا و شکم است. خدا شکم‌های آنها را پر از آتش خواهد کرد و گرسنگی و تشنگی را بر آنان مسلط سازد و گروهی دیگر ما را دوست دارند. سخنانمان را به خاطر سپارند. فرمانمان را اطاعت کنند و در عمل با ما مخالفت ننمایند، آنها از ما و ما از آنهایم.»

از این رو افرادی که می‌خواهند خود را در راه انتظار تربیت کنند باید هم از لحاظ دانستن و هم از لحاظ عمل چنین باشند که در این روایت آمده است.

ب. روحیه استکباری

دشمن ترین اشخاص با باور انتظار و با شخص آن بزرگوار - حضرت مهدی علیه السلام - ستمگران عالم اند. آنان که همواره وجودشان با ستم و زورگویی همراه بوده از روز غیبت آن حضرت، بلکه از روز ولادت او تا امروز مشغول دشمنی با آن پدیده الهی و این نور و این شمشیر الهی شدند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم با این فکر و عقیده مخالف و دشمن اند و می دانند این عقیده و این عشق که در دل های مسلمین - به خصوص در دل های شیعه است - برای مبارزه با هدف های ستمگرانه آنها است.

۴. راهنما شناسی (امام شناسی)

راهنما و راهبر برای تربیت و رشد، در هر موضوعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. انتظار نیز راهی است که انسان برای رسیدن به قلّه آن نیاز به راهنما دارد. باید در این مسیر پر مخاطره و دشوار از بهترین رهبر و راهنما استفاده کند. خداوند متعال برای رسیدن بشر به نقطه اوج کمال و بندگی، رهبران و راه نمایان فراوانی را فرستاد، تا بشر بتواند به راحتی از آنها استفاده کرده به هدف خویش برسد. شناخت راهنما به قدری در تربیت انسان مؤثر است که خداوند اساس هدایت بشر را بر راهنما و راهبر گذاشته است و برای بهتر رسیدن انسان و اطمینان هر چه بیشتر آدمیان، راهبران را از هر خطا و لغزش مصون داشته است. انسان ها به راحتی به آنان اطمینان می کنند و راه خویش را پیدا کرده تا رسیدن به هدف نهایی تلاش می کنند.

ابو نصر از یاوران امام حسن عسگری است که قبل از غیبت به محضر شریف امام زمان علیه السلام می رسد و حضرت سوال می فرمایند: آیا مرا می شناسی؟

پاسخ می‌دهد: آری شما سرور من و فرزند سرور من هستید. با شنیدن چنان جوابی که شاید در بدو امر به ذهن هر مسلمان شیفته اهل بیت می‌رسد امام فرمودند: مقصود من چنین شناختی نیست... (منظور حضرت این است که از یک شاگرد مکتب امام علیه السلام بیش از یک شناخت شناسنامه‌ای انتظار است) به همین خاطر در جواب ابونصر که می‌گوید شما برایم توضیح دهید که منظورتان کدام شناخت است، حضرت به برخی ویژگی‌های خویش اشاره می‌فرماید و به ابونصر می‌فهماند که منظور از شناخت، شناخت ویژگی‌ها، شخصیت، مرتبه و تأثیر انوار مقدسه بر عالم هستی است.

«انا خاتم الأوصیاء و بی یدفع الله البلاء من اهل و شیعتی!»

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به برکت من بلا از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.»

هر حرکت و مقصدی نیاز به راهنما دارد تا انسان سریعتر از موانع عبور کرده به مقصود خویش برسد. روشن است که همیشه بین راه و راهبر تناسب و سنخیت است و هرچه راه مشکل‌تر و مسیر سخت‌تر، راهنما هم کم‌یاب‌تر است. راه انتظار راهی بس دشوار است و از این مسیر است که انسان به هدف خویش می‌رسد. اوج کمال و انتهای تربیت انسان در عالم، رسیدن به عبودیت حضرت حق است که از مسیر انتظار در دوران غیبت حضرت مهدی می‌گذرد و این مسیر سخت و دشوار، راهنمایی از همان جنس می‌خواهد که به ورای دنیای مادی آشنا بوده بهترین بنده خدا در عالم هستی

باشد. از این رو است که راه انتظار که به سعادت بشر ختم می‌شود، با راهنمایی و هدایت امام علیه السلام صورت می‌پذیرد و ما را مکلف به شناخت نسبت به امامان علیهم السلام خویش به ویژه حضرت مهدی علیه السلام می‌کند. شناخت کامل و مناسب نسبت به ائمه معصومین علیهم السلام به ما کمک می‌کند تا خود را برای استفاده از ویژگی‌های آن بزرگواران و رفتن به سوی مقصود، بهتر آماده کنیم. البته شناخت مورد نظر در این مقوله صرفاً این نیست که اهل بیت علیهم السلام را بزرگوار دانسته آنها را رهبر خویش بدانیم، چنان‌که از زبان ابونصر بیان شد. راهنمای این راه کسی است که با صلابت و استواری و در عین بی‌نیازی به خلق جهان، برای نجات آنها قیام خواهد کرد، در حالی که همه ملل جهان به خاطر ناکامی‌ها و مشکلات فراوان، به او نیاز دارند و تنها راه نجات خویش را در او و آیین او که همان آیین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است می‌بینند؛ چنانکه در روایت آمده:

«مهدی را با سکینه و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز همگان به او، و بی‌نیازی او از همه، خواهید شناخت»^۱.

راهبر و راهنماشناسی، به این معنا است که بدانیم تنها هادی و راهنما و دستگیر ما، امامان معصوم علیهم السلام و به ویژه حضرت حجت علیه السلام است. بنابراین تنها به دامان آن بزرگواران پناه برده یا از کسانی فرمان بریم که امامان، ما را به آنان ارجاع داده‌اند. این همان دیدگاهی است که نسل متظر ما باید نسبت به هادیان و راهنمایان خود داشته باشند. به همین جهت توجه به راهکارهای

۱. «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، وَ يَعْرِفُهُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ بِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، وَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى أَحَدٍ»؛ غیبت نعمانی، ص ۱۲۷؛ منتخب‌الانوار، ص ۳۰۹.

زیر در این رابطه مفید به نظر می‌رسد:

- امکان بهره‌وری از امامان معصوم به ویژه حضرت حجت علیه السلام؛

- توجه به هدایت‌های ارشادی و تکلیفی ائمه علیهم السلام؛

- تمسک به قرآن به عنوان عدل معصوم؛

- پرهیز از همنشینی و همراهی با دشمنان حضرت حجت علیه السلام؛

- پرهیز از حرکت خودسرانه و تصمیمات خودسرانه بدون توجه به

خواسته‌های امام علیه السلام؛

- توجه به نیاز ضروری وجود راهنمایی چون حضرت مهدی علیه السلام در این

مسیر پر فراز و نشیب.

۵. مسئولیت شناسی

پس از آنکه منتظر، راه خویش را شناخت و به راهنمای خود آشنایی پیدا

کرد و دشمنان خود و امام خود را نیز شناخت، وقت آن می‌رسد که

مسئولیت خویش را در این مسیر پیدا کرده به وظایف خود عمل کند.

«کسی که از شما مصمم است که اگر قائم آل محمد علیهم السلام را

درک کند، از یاری او دریغ نکند، و همچون کسی است که

در حضور او شمشیر بزند و در حضور او به شهادت برسد. و

برای او دو شهادت است.»^۱

شناخت مسئولیت و آماده شدن برای انجام آن از مهم‌ترین راه کارهایی

است که انسان را در راه رسیدن به هدف آماده و پیر انگیزه می‌کند. مسئولیت-

۱. الْقَائِلُ مِنْكُمْ: «إِنْ أَدْرَكَتَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتَهُ، كَالْمَقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَ الشَّهِيدِ مَعَهُ، لَهُ

شهادتان»: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۹۵.

های یک منتظر آگاه می‌تواند در ابعاد مختلفی تجلی یابد؛ از جمله‌اند:

- علم آموزی و توجه به رشد علمی جامعه مسلمین؛
- عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و ظلم‌گرایی؛
- عمل جدی به تکالیف دینی و دوری از گناه و آلودگی؛
- توجه ویژه به مسائل اجتماعی و پرهیز از خودخواهی؛
- همدلی و همدردی با مظلومین و مستضعفان و تلاش در جهت حل مشکلات آنان؛

- اقدام برای حل مشکلات مسلمانان و احساس وظیفه برای حل مشکلات؛
- همراهی و همکاری خالصانه در زمینه‌سازی برای تحقق دین در جامعه؛
- احساس دین به ائمه اطهار به ویژه حضرت حجت علیه السلام

۶. دین‌مداری

دین‌مداری و اعتقاد پا برجا و راسخ به دین و هم‌چنین عمل به دستورات دین از نکات قابل توجه در راه انتظار است. انتظار از آخرین حلقه‌های وظیفه مؤمن بوده و ایستادگی کامل و تام را می‌طلبد. دین‌گریزی چه در باور و چه در عمل، انسان را از قافله منتظرین عقب انداخته موجبات نارضایتی امام علیه السلام را فراهم می‌نماید. آنان که وظایف دینی خود را چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی به بهانه‌های واهی از جمله این که خود امام زمان علیه السلام می‌آیند و مشکلات را حل می‌کنند ترک کرده و تنبلی و آرزوگرایی افراطی را در پیش گرفته‌اند؛ راه به جایی نبرده و در زمره یاران و منتظران آن حضرت نخواهند بود.

طولانی شدن غیبت از طرفی و حس دنیا خواهی و راحت طلبی از طرف

دیگر گریبان بسیاری را خواهد گرفت و تا رسیدن روز موعود بسیاری از این امتحان الهی سربلند بیرون نخواهند آمد چرا که آیین انتظار با منافع دنیایی و امور مادی ایشان تداخل بسیار داشته، مانع بسیاری از کارهای آنان می‌شود. نفاق و دورویی از اموری است که در کالبد زمان دوام نخواهد آورد و بالاخره منافق روزی چهره زشت خود را نشان خواهد داد. شاید یکی از دلایل طولانی شدن غیبت نیز همین باشد که سره از ناسره جدا شده و یاران حقیقی برای حمایت دین خدا باقی بمانند.

«له غیبة یرتد فیها أقوام، و یثبت علی الدین آخرون؛^۱
برای او غیبتی است که گروه‌هایی در آن ایام غیبت از دین
بر می‌گردند-مرتد می‌شوند- و گروه دیگری ثابت قدم
می‌مانند.»

در روایت دیگری می‌خوانیم:

«کأنی بالشیعة یجولون جولان الغنم یطلبون المرعی فلا
یجدونه! ألا و من ثبت منهم علی دینه قلبه لطول غیبة
إمامه، فهو معی فی درجتی یوم القيامة؛^۲
برای قائم علیه السلام غیبتی است که مدتش بسیار طولانی است.
گوئی شیعیان را به چشم خود می‌بینم که همچون گوسفند
بی‌شبان به دنبال چراگاهی می‌گردند و نمی‌یابند. آگاه باشید!
کسی که آن روز بر دین خود ثابت قدم باشد، قلبش از
طولانی شدن غیبت امامش به قساوت نمی‌گراید و در روز
رستاخیز در بهشت با من و در مقام من می‌باشد.»

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۰۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۹؛ منتخب الاثر، ص ۷۸. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۳.

همان طور که می‌بینیم در روایات سفارش فراوان به دین‌مداری و تدین در آخرالزمان شده است. دین‌داری و دین‌گرایی در آخرالزمان بسیار مهم و حیاتی است و دارای مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مختلفی است که نسل منتظر می‌بایست آنها را شناخته و عمل کنند؛ از جمله:

- پا بر جایی در اعتقاد به دین و پرهیز از سهل‌انگاری؛
- عمل به وظایف و دستورات دینی؛
- جلوگیری از تخریب دین به واسطه خرافات؛
- مبارزه با دشمنان دین در جهت نابودی آنان (به لحاظ تئوری و احیاناً در صورت نیاز و به فرمان ولی فقیه به صورت عملی)؛
- حمایت جدی از دین و دین‌گرایی و تشویق و ترغیب جامعه در این راستا؛
- تلاش در جهت حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه.

فصل پنجم

تربیت اخلاقی

۱. اخلاق گرایی
۲. پاکسازی اخلاقی
۳. زیباسازی اخلاقی
۴. دائمی سازی
۵. پاک زیستی

تربیت اخلاقی به معنای پرورش ملکات فاضله انسانی و تقویت روحیه ایمانی و ارزش‌گرایی در شخص منتظر است. او باید بداند که تنها در پرتو ورع و تقوی و اخلاق الهی می‌تواند به امام معصوم علیه السلام خود نزدیک شده و در مدار و مسیر هدایت قرار گیرد. با توجه به اینکه انسان متقی در درگاه الهی جایگاه ویژه و بلندی دارد و تنها راه قرار گرفتن در مسیر عبودیت نیز همین - تقوای الهی - بیان شده است، و منتظر هم باید در حد اعلای عبودیت و بندگی قرار بگیرد، لذا باید از حیث اخلاقی و رفتاری خود را چنانکه زیننده ولی خدا و ارتباط با حضرت حجت علیه السلام است ساخته و پرداخته نماید. دوری از اخلاق الهی و پیروی از نفس در اخلاقیات، انسان را از این مسیر دور کرده و در نهایت از صف منتظران حضرتش خارج می‌سازد. برای تربیت اخلاقی می‌توان به مراحل ذیل اشاره کرد:

- توجه به اهمیت و ارزش اخلاق و محور قرار دادن آن (اخلاق‌گرایی)؛

- پاک نمودن خود از معاصی و ناهنجاری‌های اخلاقی (پاکسازی اخلاقی)؛

- آراستن نفس به فضایل اخلاقی و انسانی (زیباسازی اخلاقی).

۱. اخلاق‌گرایی

اخلاق‌گرایی و توجه به اخلاق از اهمیت ویژه‌ای در دین شریف اسلام

برخوردار است. اخلاق یکی از ارکان سه‌گانه دین اسلام است.^۱ اخلاق به اندازه‌ای اهمیت دارد و از جایگاه بلندی برخوردار است که پیامبر اسلام ﷺ اصلی‌ترین هدف خویش را کامل کردن مکارم و خوب‌های اخلاق نامیده‌اند:

«علیکم بمکارم الأخلاق فان ربی بعثنی بها؛

بر شماست به خوبی‌های اخلاق پس به درستی که پروردگار
من مبعوث کرد مرا به آن.»

از این‌رو اولین قدم در تربیت اخلاقی، تثبیت ارزش و جایگاه اخلاق در دل و جان منتظر است. ابتدا منتظر باید به اهمیت این مفهوم در مسیر انتظار و رسیدن به جایگاه بلند منتظران پی برده، آن را با عمق وجود خویش درک نماید. به این نکته توجه داشته باشد که اخلاق‌گرایی و گرایش به اخلاق، آن چنانکه در دین شریف اسلام سفارش شده است، اقتدا به امام علیه السلام و ایجاد سنخیت با ایشان، توجه به اهمیت تقوا، عفت و انجام عمل صالح است که انسان را در مسیر هدایت نگه داشته، زمینه‌های پیوند با امام علیه السلام را ایجاد می‌نماید. قرار گرفتن در مسیر دنیا و هجوم عوامل مختلف شیطانی و دنیایی در طول تاریخ یکی از بهترین گزینه‌هایی بوده که شیطان برای انحراف بشریت استفاده کرده است. توجه به اخلاق و همگام نشدن با شیطان از عوامل نجات انسان، رسیدن به قلّه رفیع انتظار است. بی عفتی، بی ایمانی، بی عدالتی و... از جمله اموری است که سراسر دنیای قبل از ظهور را فرا گرفته و بشریت را در گرداب خویش غرق می‌کند. فقط آنان نجات پیدا می‌کنند که با الهام از

۱. ارکان سه‌گانه اسلام عبارتند از: عقاید، احکام، اخلاق؛ برای اطلاعات بیشتر رک: سیدجلال الدین مجتبیوی، علم اخلاق اسلامی.

دستورات الهی و معنوی دین اسلام، راه خویش را از دیگران جدا نموده، خود را برای احیای دین در رکاب ناجی دین آماده می‌سازند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«من دین الائمة الورع و العفة و الصلاح، و انتظار الفرج بالصبر!»

از دین ائمه است تقوی، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با

صبر و شکیبایی.

از جمله اخلاقیاتی که منتظر باید علاوه بر اخلاق‌گرایی شخصی و فردی بدان توجه داشته باشد، «اخلاق اجتماعی» است. اگر اخلاق‌گرایی اجتماعی از درجه اهمیت بشری در دستگاه انتظار برخوردار نباشد، کمتر از آن هم نیست. ایجاد و تأسیس روابط سالم اجتماعی و حفظ و تقویت آن و مقابله و مواجهه با عوامل برهم زننده روابط اجتماعی و تلاش برای حل اختلافات و مناقشات و نیز تقویت و ترویج اخلاق جمعی، نظم‌پذیری اجتماعی، کارگروهی، و دیگر‌گرایی در فرد و دیگران از جمله نکات مهم اخلاق اجتماعی است^۱ رعایت اخلاق اجتماعی می‌تواند مکر دشمنان و نقشه‌های شیطانی استعمارگران را از بین ببرد و رضایت خدای متعال، رسول خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام زمان علیه السلام را به همراه داشته باشد.

از جمله آثار اخلاق اجتماعی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سربلندی و پیروزی جامعه اسلامی؛

- آسان کردن امور و روابط اجتماعی؛

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۹۸؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری،

مؤسسه آل‌البیت، ج ۴، ص ۴۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. مهدی نیلی‌پور، بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۱۲۱.

- مانع نفوذ و حمله دشمنان می شود؛
- استفاده از تمام توان و نیروهای انسانی جامعه؛
- رشد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه؛
- پرهیز از گوشه گیری و انزوا.

۲. پاکسازی اخلاقی

بی تردید یکی از نکات مهم در مسئله انتظار، اخلاق است؛ چرا که انتظار اساساً در زندگی بشر، زیستن با امید و تلاش برای فردایی نیکوتر در سایه ولایتی الهی و رسیدن به کمال و سعادت مطلق و ابدی است. از ابتدای تاریخ، طهارت و پاکسازی چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی مد نظر علما، اندیشمندان و بزرگان بوده است. اساساً بشر برای رسیدن به همین منزلت و مقام است که در طول تاریخ با رویکردهای گوناگون دست به تحول و انتخاب زده است، گو اینکه در بیشتر موارد و شاید بهتر است بگوییم در تمام موارد تا به الان به خاطر موانع فراوان چه از ناحیه دنیا طلبان زورگو و چه از طرف نفس خویش موفق به رسیدن به سعادت نشده اما خود را همچنان امیدوار و منتظر برای آن روز موعود نگه داشته است. لذا منتظر باید موانع این مسیر را از سر راه خود بردارد. یکی از بزرگترین موانع، اخلاق زشت و نکوهیده است که باید از وجود انسان پاک شود. اخلاقیات زشت و ناپسند، قلب انسان را محل رشد و پرورش گناهان نموده، روح آدمی را تاریک می کند. در این حالت حتی اگر انسان اهل عبادت ظاهری هم باشد راه به جایی نخواهد برد. اما اگر وجود انسان از اخلاقیات ناپسند و نامطلوب پاکسازی شده و هر آنچه که با رشد و بالندگی انسان سازگار

نیست از وجود او خارج شود، آن گاه می‌تواند برای رسیدن به کمال مطلق؛ یعنی گل سرسبد عالم، امام زمان علیه السلام، بهترین و پاکترین موجود هستی، در انتظاری سبز و خداگونه به سر برد.

«لو لا أن الشیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم لنظروا
إلی ملکوت السموات و الأرض؛^۱
اگر شیاطین اطراف دلهای بنی آدم را فرا نگرفته بودند
آدمیان می‌توانستند به ملکوت و باطن آسمان‌ها و زمین
بنگرند.»^۲

پیراستگی اخلاقی و از بین بردن بدی‌ها و اخلاقیات ناپسند از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمن منتظر است. منتظر باید خود را از کژی‌ها پیراسته و به نیکی‌های اخلاقی آراسته نماید.

«من سره أن یكون من أصحاب القائم، فلینتظر، و لیعمل
بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر...»^۳
هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید
که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو
رفتار نماید، در حالی که منتظر است.»

این مهم در کلمات نورانی و آفتابگون امام عصر علیه السلام نیز چنین آمده است:
«فلیعمل کل امریء منکم بما یقرب به من محبتنا و
یتجنب (لیجتنب) ما یدنیه من کراهتنا و سخطنا، فإن

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۶۳.

۲. ر.ک، علم اخلاق، ترجمه جامع السعادات، مولی مهدی تراقی، ترجمه‌ی جلال‌الدین مجتبیوی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۷، ص ۴۳.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

أمرنا بغته فجاءة حين لا تنفعه توبه و لا ینجیه من
عقابنا ندم علی حوبه^۱؛

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما
می‌شود، پیشه خود سازد و از آنچه موجب خشم و
ناخشنودی ما می‌گردد دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره
و ناگهانی می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی
سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات
نمی‌بخشد.»

تهذیب نفس و دوری از زشتی‌ها و ناراستی‌ها از آن چنان اهمیتی
برخوردار است که در توقیع شریف امام علیه السلام خطاب به شیخ مفید، یکی از
اسباب و یا تنها دلیل غیبت و دوری شیعیان و محبان آن حضرت، گناه و
اعمال ناشایست شمرده شده است.

«... فما یحسبنا عنهم إلا ما یتصل بنا نکرهه، و لا نؤثره
منهم^۲؛

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده
می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما
می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نداریم.»

باید مورد توجه و دقت ما باشد که در صورتی می‌توانیم خود را پیرو
امام علیه السلام بدانیم و در ردیف منتظرانش قرار گیریم که در زندگی فردی و
اجتماعی خویش راه و روشی را استفاده کنیم که مورد تأیید و سفارش

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷؛ احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الإحتجاج، ج ۲،
ص ۴۹۵.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

ایشان باشد. باید با رعایت اخلاق خود را به دست مبارک حضرت سپرده
زمینه هدایت ایشان را در خود آماده کنیم.

«إنا غير مهملين لمراعاتكم و لا ناسين لذكركم ولو لا
ذلك لنزل بكم الأواء و اصطلمكم الأعداء. فاتقوا الله جل
جلاله و ظاهرونا على انتياشكم من فتنة قد أنافت
عليكم!»

همانا ما در رعایت شما سهل انگاری نداریم و از یاد شما
غافل نیستیم و گرنه سختی و بلا بر شما فرود می‌آمد و
دشمنان شما را از ریشه می‌کنند. پس، از معصیت خداوند
جلّ جلاله بپرهیزید و به ما کمک کنید تا شما را نجات
بخشیم.»

ما باید فکر کنیم و ببینیم که این همه گرفتاری‌های داخلی و خارجی،
برای چه پیش می‌آید و چه کرده‌ایم که به این همه بلاها، مبتلا می‌شویم و
می‌بایست در رفع این گونه ابتلائات چه کنیم؟ به این فکر کنیم که ما چه
کرده‌ایم که بی سرپرست مانده‌ایم؟ علت این است که ما خودمان را اصلاح
نکرده‌ایم و نمی‌کنیم و نخواهیم کرد و حاضر نیستیم خودمان را اصلاح
کنیم. به یقین اگر ما خودمان را اصلاح می‌کردیم، به این بلاها مبتلا
نمی‌شدیم.^۲ از دردهای شیعیان و درمانشان در سخنان آسمانی رسول گرامی
اسلام ﷺ چنین آمده است:

«ألا أخبركم بدائكم و دوائكم؟ دائكم الذنوب و دوائكم

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. امیدیان، محمد تقی، امام زمان در کلام آیت الله بهجت، ص ۵۹.

الإستغفار؛

- آیا شما را خبر دهم به دردها و درمان‌هایتان، امراض و دردهایتان از گناهان است و درمانتان استغفار می‌باشد.»
- بنابراین تا رابطه ما با ولی امر امام زمان علیه السلام تقویت نشود، کارما درست نخواهد شد. قوت رابطه ما با ولی امر علیه السلام هم در اصلاح نفس است. آیا واقعا تا خودمان را اصلاح نکنیم کار درست می‌شود.^۲
- پاکسازی اخلاقی نسل منتظر را می‌توان از طریق راه‌کارهای زیر پی‌گیری کرد:
- توجه به نارضایتی امام زمان علیه السلام از گناهکاران؛
 - توجه به مبارزه جدی و اساسی امام علیه السلام با گناه و زمینه‌های انحراف در دوران ظهور؛
 - توجه به این نکته که بزرگترین مانع برای رسیدن به امام عصر علیه السلام گناه است؛
 - دانستن این معنا که گناه و زمینه‌های آن می‌تواند در تأخیر فرج و گشایش تأثیر داشته باشد؛
 - توجه به این که پاکی و پاکدامنی محبت حضرت مهدی علیه السلام را در دل ما و محبت ما را در دل حضرت زیاد می‌کند.

۳. زیباسازی اخلاقی

زیباسازی اخلاقی، بدین معناست که انسان پس از آنکه درون خود را از ناراستی‌ها و زشتی‌ها پاک کرد، شروع به آراستن وجود خود با انواع فضایل

۱. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲.

۲. امیدیان، محمد تقی، همان، ص ۵۹-۶۰.

و نیکی‌ها کند. از آنجا که انسان بر اساس فطرت پاک و الهی خویش که در بدو تولد از طرف خدای متعال در وجودش قرار داده شده است زیبایی را دوست دارد و در جهت به دست آوردن آن تلاش فراوان می‌نماید - اگر چه در بسیاری موارد در تشخیص و انتخاب مصداق آن دچار خطا می‌شود - از این رو تحمل کجی‌ها و اخلاقیات ناپسند را نداشته و همواره در راه پاکسازی خود تلاش کرده است. البته عده‌ای از انسان‌ها به خاطر تشخیص اشتباه و عده‌ای دیگر به خاطر منافع دنیایی در این مسیر به خطا رفته و در گلوگاه خطر قرار گرفته‌اند. اما مشتریان بازار انتظار که خود را برای رسیدن به هدفی والا و آراستن به زیباترین اخلاقیات آماده می‌کنند می‌بایست غیر از این عمل کرده و اندیشه‌شان بالاتر از این باشد.

راه سبز انتظار، راهی است زیبا که مبدأ و مقصدش زیبا است و انسان باید در وجود خود زیباسازی اخلاقی و رفتاری را نهادینه نماید تا بتواند در ردیف منتظران دولت یار قرار گیرد. منتظر باید برای زیباسازی اخلاقی ابتدا درون خود را از بدی‌ها و ناراستی‌ها پاک کرده و بهترین اخلاقیات الهی را جایگزین کند؛ پس از آن تلاش کند تا خوبی‌ها را در درون خویش ثابت کرده، روح و فطرت خود را الهی نماید. انسان، چشم انتظار مظهر زیبایی‌ها و نیکی‌ها و پیرو امام هدایت و پاکی‌ها است. پس باید در حد توان، خود را به او نزدیک کند و با آراستن درون به فضایل اخلاقی، عشق و ارادت و دوستی خود را نشان دهد. در واقع معنای اصل و دقیق «انتظار»، خود را مجهز کردن به سلاح تقوا و دین‌مداری است تا با آمادگی تمام عصر ظهور را درک کرده و در آن مسیر قرار گیریم.

۴. دائمی سازی اخلاق

در این مرحله، منتظر قدم در جاده ثبات و پایداری اخلاقی می‌گذارد و هر آنچه که در مکتب مهدوی یاد گرفته، در وجود خود نهادینه می‌کند و می‌شود منتظر صالح. دائمی سازی اخلاق؛ یعنی او یک انسان اخلاقی و معنوی می‌شود و رنگ و بوی مهدوی به خود می‌گیرد و سعی می‌کند بر رفتارهای اخلاقی مداومت ورزد و راه را بر پلیدی‌ها ببندد.

برای رسیدن به چنین مرتبه‌ای، نسل منتظر باید به دانش و آگاهی‌های خود عمل کند و مجهولات را نیز با پرسش‌گری برای خود به دانش تبدیل کرده در پایداری اخلاقی خود به کار بندد، خیر دنیا و آخرت را برای همگان از خداوند متعال طلب کند، قلب خود را از کینه و دشمنی پاک کند تا بتواند بذر محبت امام زمان علیه السلام را در دل خود نشانده اخلاق مهدوی و سیره انتظار را در وجود خود دائمی سازد.

در این مرحله، منتظر به حدی می‌رسد که به غیر خدا تکیه نمی‌کند و جز به او امید نمی‌بندد و چنان مراقب سرزمین قلبش است که این کالای با ارزش را به ارزنی در راه شهوت و غفلت نمی‌فروشد زیرا ارائه دهنده چنین کالایی، دشمن نسل منتظر است و این معامله برای او سراسر سود است و برای نسل منتظر بهره‌ای جز ضرر دنیوی و اخروی نخواهد داشت. پس باید:

- به طور مستمر و دائمی بر ترک گناه مواظبت کرد؛

- اعمال نیک و رفتار دین را به صورت دائمی انجام داد و در وجود

خود نهادینه کرد؛

- از اختلافات و نابسامانی‌های فردی و اجتماعی پرهیز کرد؛

- مشکلات و گناهان روحی را شناخت و در رفع آن تلاش کرد؛
- رفتار خود را بر مبانی قرآنی و دینی استوار کرد.

۵. پاک‌زیستی

در اینجا او مسیر زندگی و تلاش خود را پیدا می‌کند و رفتارها و گفتارهای خود را بر اساس صلاح، تقوی، ورع و... سامان می‌بخشد و گام در حیات طیبه و الهی می‌نهد. این مرحله، مرحله عرفان و تربیت نفس به شکلی است که، تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را خدامحوری فرا می‌گیرد. پاک‌زیستی در زندگی انسان به عنوان وظیفه‌ای ترک نشدنی شکل گرفته، جایگاه ویژه خود را پیدا می‌کند. در این مرحله منتظر با توجه به اینکه امام خویش را موجود می‌داند و او را مظهر «هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱، «هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۲ و «هُوَ عَلِيٌّ كُلُّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۳ می‌داند، همواره خود را در محضر ایشان می‌بیند؛ همان گونه که خود را در محضر خدای متعال می‌داند و سعی می‌کند طوری رفتار نماید که دستورات دینی خود را رعایت کرده و اخلاق و تربیت دینی را در وجود خود نهادینه ساخته، پاک‌زیستی را در تمام ابعاد زندگی پیشه خود قرار دهد و پاک و مطهر در انتظاری که سیره خود قرار داده قلب خود را نورانی کند تا به نقطه مطلوب برسد.^۴ برای پاک‌زیستی باید:

- اهل بیت علیهم‌السلام را الگوی رفتاری خویش قرار داد؛

۱. بقره (۲)/۲۹.

۲. اسراء (۱۷)/۱.

۳. سبأ (۳۴)/۴۷.

۴. ر.ک: جوادی عاملی، عبدالله، امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، ص ۱۸۵.

- از توجه به غیر خدا پرهیز کرد؛
- زمینه‌های گناه را در زندگی فردی و اجتماعی خود از بین برد؛
- زیبایی‌های رفتار و اخلاق دینی را در خود نهادینه کرد؛
- روح و جان خود را با توسل به ائمه علیهم‌السلام صیقل داد.

فصل ششم

تربیت اجتماعی

۱. انزواگرایی
 ۲. جمع گرایی (انسجام)
 ۳. مدعی ستیزی
 ۴. انحراف ستیزی
 ۵. استواری و پابرجایی
- پرهیز از تعیین وقت
دوری از مطالب سست و بی بنیاد
پرهیز از طرح مسائل کم اهمیت

تربیت اجتماعی، به معنای این است که نسل منتظر برای حضوری فعال و مهدوی در اجتماع تربیت شود و به مسئولیت‌ها و وظایف اجتماعی خود آشنا و عامل گردد. در تربیت اجتماعی فرد، به شکلی مورد خطاب راهبر و راهنمای خویش است که برای پذیرش هر گونه مسئولیتی در جامعه آماده شود. از آنجا که ظهور و برنامه‌های مهدوی برای تمام افراد و تمام گستره هستی است، منتظر نیز باید با این رویکرد تربیت شده و آمادگی برای چنین فضایی را پیدا نماید. کسی که منتظر موعود منجی، برای تمام اجتماع انسانی است، می‌بایست خود را برای چنین حرکتی تربیت کرده و از هر لحاظ آماده کند. از این رو نسل منتظر باید هم صالح باشد و هم مصلح و کسی که قرار است مصلح باشد؛ یعنی، قرار است در جهت تربیت دیگران قدم بردارد باید به گونه‌ای اجتماعی و برای حرکت‌های اجتماعی ساخته و آماده شود. در جهت ایجاد روحیه اجتماعی و تربیت نسلی منتظر در راستای اهداف بلند مهدوی ﷺ نکات ذیل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. انزوا گریزی

از وظایف مهم نسل منتظر، دوری از گوشه‌نشینی، کناره‌گیری و بی‌اعتنایی به امور است. انزوا و قطع ارتباط با جامعه، به طور کلی با طبیعت بشر که

موجودی اجتماعی است سازگاری ندارد. انسان به شکلی آفریده شده است که اموراتش را در جمع و با همکاری و همیاری هم نوعانش می‌گذراند. این مهم در امر انتظار نیز مورد توجه و با اهمیت است. برخی با برداشت‌های نادرست از روایات و برخی هم از روی عمد و دشمنی، انتظار را طوری معنا می‌کنند که شیعه منتظر امام زمان عجل الله فرجه گوشه عزلت گزیده با رخوت و تنبلی به امید روز موعود، زندگی بگذراند و همه کارها را به دست خود آن حضرت بسپارد، در حالی که پویایی و بالندگی از نتایج انتظار صحیح است؛ انتظاری که مؤمن منتظر باید خود را بدان آراسته و برای قیام مهدی عجل الله فرجه آماده کند، انتظاری است رشد آفرین، فعال و با برنامه که حرکت به سمت جلو را زمینه‌سازی می‌کند. از این رو یکی از شاخصه‌های عمده اعتقاد به مهدویت، انتظار و آمادگی مداوم به دور از هر گونه انزوا و گوشه‌گیری است. منتظر باید درد اجتماع را درد خود و رنج بشر را رنج خود بداند و خود را در سرنوشت دیگران سهیم و همراه سازد. سید محمد باقر صدر در این رابطه چنین می‌نویسد:

«مهدویت، تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریچه آن... روز موعود را می‌بینند. مهدی عجل الله فرجه تنها یک اندیشه نیست که ما در انتظار ولادت او باشیم و یک پیشگویی نیست که به امید مصداق آن نشسته باشیم؛ بلکه مهدی یک واقعیت خارجی و آماده باش است که ما منتظر عملیات او هستیم. تفکر «نفی هر نوع ظلم و ستم» اینک در شخص پیشوای منتظر - که به زودی ظهور خواهد کرد - تجسم یافته است، شخصیتی که به همه

قدرت‌ها «نه» می‌گویند و تعهدی نسبت به هیچ حاکم ستمگری ندارد.^۱

این چنین تفکری با گوشه‌گیری و فرار از اجتماع سازگار نبوده، راهی به سعادت نمی‌یابد.

نظریه بی‌بدیل انتظار، مانند محوری مستحکم و رکنی استوار، پایه حیات دینی، سیاسی و اجتماعی شیعه و در نهایت نجات بشریت است. انتظار با این رویکرد دارای مؤلفه‌های زیادی است که در سیره علمی و عملی تشیع به روشنی آمده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی‌عدالتی و تباهی)؛

- طرد و عدم پذیرش حکومت‌های سیاسی (نامشروع دانستن آنها)؛

- اصلاح طلبی و امید به زندگی (فرج و گشایش)؛

- تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی، قیام، انقلاب و نهضت مداوم و فعال؛

- تشکیل حکومتی مشروع و دینی؛

- عدم انقیاد و سازش در برابر ظالم و مفسدان و...^۲

با توجه به این نکات ارزنده می‌توان گفت از بهترین رازهای نهفته در کالبد شیعه که او را از انزوا خارج کرده و گوشه‌گیری را در قاموس وی حرام می‌داند، همین روح انتظار است. این چنین انتظاری است که وجود شیعه را سرشار از عشق کرده همواره او را به تلاش و کوشش وامی‌دارد.

۱. گفتگو درباره امام مهدی (ترجمه «بحث حول المهدی» از (شهید صدر)، مترجم: مصطفی شفیع، (به نقل از نشریه موعود)، ش ۱۸، ص ۳۶.

۲. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، ص ۲۲۶.

«علی وردی» (استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد) بر این باور است که تشیع آتشفشان کوهسار اسلام است که گاه و بی گاه، دود، بخار، لرزه و تکان اندکی پدید می آورد و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است.^۱ این حرکت انقلابی، پویا و زنده به خاطر شاخصه و ویژگی اعتقاد به مهدویت و فرهنگ انتظار است. شیعه معتقد به مهدویت و زاده فرهنگ انتظار، با انزوا، گوشه گیری و ظلم پذیری نامأنوس بوده و هر زمانی که فرصت پیدا کرده صدای خود را به گوش تاریخ رسانده است.

در یک نگاه اجتماعی، منتظر می بایست بر اساس رویکردهای زیر تربیت شود:

- همدردی با دیگران
- همدلی با مظلومان
- ظلم ستیزی و فساد ستیزی
- دوری از انزوا و گوشه گیری
- توجه به تمام ابعاد جامعه و مردم
- حضور مؤثر در روابط اجتماعی

۲. جمع گرایی (انسجام)

جمع گرایی؛ یعنی وحدت، انسجام، همبستگی و یکپارچگی منتظران و دوری از اختلاف، پراکندگی، دشمنی و... منتظران واقعی کسانی هستند که در صدد قرار گرفتن جبهه واحد حق طلبان و نیز در صفوف مبارزه با کفر و

۱. انتظار بذر انقلاب، ص ۱۶۴ (به نقل از: ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و...، ص ۲۲۹).

باطل و فساد هستند. اگر انتظار به معنای واقعی تبیین شود و برداشتی صحیح از آن داشته باشیم، در نتیجه به این اتحاد و انسجام لازم دست پیدا می‌کنیم. برداشتهای انجام شده از مفهوم انتظار عبارتند از:

الف. انتظار به معنای قیام و انقلاب و مبارزه با فساد، ظلم، تباهی و...
 ب. انتظار، به مفهوم انزوا، بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به امور اجتماع و حکومت‌های بی دین و نامشروع و نیز بی توجهی به فساد و تباهی‌های موجود.
 این دو برداشت، دو گونه روش و منش را ایجاد می‌کند که هر کدام تأثیر خاص خودش را در رویکرد اجتماعی انسان می‌گذارد. یکی انسجام و با هم بودن را نفی می‌کند و انسان را به گوشه‌ای سر در گریبان فرا می‌خواند و دیگری حرکت با هدف و منسجم را فرا روی انسان قرار می‌دهد. آنچه بدان سفارش شده است و در طول تاریخ از انسان‌ها انتظار می‌رفته، معنای دوم است که فقط فرهنگ انسان‌ساز تشیع در گستره وسیع تاریخ بدان عمل کرده است. مؤمنی که انتظار دولت حق را می‌کشد باید با همکاری دیگر هم نوعان و هم فکران خویش برای رسیدن به آن هدف بزرگ تلاش کنند و همدل و همراه، مسیر حرکت به سوی جامعه موعود را پیمایند. اینان باید برای زمینه‌سازی ظهور کوشیده و به این منظور جمعیت مبارز، متحد و منسجم انقلابی را تشکیل دهند. باید از اختلاف و چند دستگی پرهیز کرده و میدان را برای دشمنان و مخالفان منجی موعود خالی نکنند. در سخنانی آفتابگون از وجود مقدس امام زمان علیه السلام در ضمن تویح ایشان به شیخ مفید آمده است:

«... وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَاعْتِهِ، عَلِي إِيْتِمَاعِ مَنْ

الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ
بِلِقَائِنَا،...؛^۱

...اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت خود موقت
بدارد- دل‌هایشان در وفا کردن به پیمان قدیم یکی شود،
هرگز سعادت دیدار ما از آنها به تأخیر نمی‌افتد...».

و یا در روایت دیگری آمده است:

«انی یکون ذلک و لم یستدر الفلک، حتی یقال مات او
هلک، فی ای وادسلک، فقلت: و ما استدارة الفلک؟ فقال:
اختلاف الشیعة بینهم؛^۲

چگونه ممکن است آن امر الهی الآن واقع شود، در حالی که
هنوز فلک بر نگشته است». پرسیدند: منظور از برگشتن (ودایره
شدن) فلک چیست؟ فرمود: اختلاف شیعیان با یکدیگر».

اختلاف، پراکندگی و عدم انسجام و اتحاد از جمله اموری است که
جهان اسلام و بشریت را از نعمت عظمای الهی و حضور و ظهور آخرین
ذخیره الهی محروم می‌کند و به دنبال آن، امنیت، آسایش، عدالت و... از
نعمت‌هایی است که تا روز موعود، بشر از آنها محروم خواهد بود.

برای رسیدن به وحدت و تربیت نسل منتظر توجه به رهنمودهای زیر
بایسته است:

- حفظ هویت شیعی؛

- تشکیل جبهه حق؛

- مبارزه با ریشه‌های اختلاف و پراکندگی؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. غیبت نعمانی، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

- پرهیز از اختلافات و تضادهای درونی؛
- محدود کردن میدان عملیاتی دشمن در بین جامعه شیعه؛
- برنامه‌ریزی و تلاش برای رسیدن به اجتماعی یکدست حول محور ولایت و انگیزه‌های مهدوی.

۳. مدعی ستیزی

از وظایف و مسئولیت‌های منتظران امام زمان علیه السلام، مبارزه با مدعیان ارتباط با امام زمان علیه السلام نیابت از آن حضرت، رسالت و توصیه از ایشان است. در واقع نسل منتظر در طول تاریخ با ادعاهای دروغین زیاد و پوشالی فراوانی مواجه بوده و هست، از این رو باید طوری تربیت شده و آمادگی پیدا نماید که بتواند خوب را از بد، صحیح را از غلط تشخیص داده، راه درست را انتخاب نماید. مدعی ارتباط و یا ادعای امامت یکی از حربه‌های مورد استفاده دشمنان در طول تاریخ نیز بوده که در راستای تضعیف کردن روحیه و اعتقاد منتظران از آن استفاده نموده‌اند؛ اگرچه بسیاری از این مدعیان توان هیچ کاری را نداشته و صرفاً از دروغ و حيله و ترفندهای عوامانه استفاده می‌کنند، ولی نسل منتظر باید چنان هوشیار باشد که فریب این گونه افراد و حتی کسانی که مدتی را ریاضت کشیده و همچون مرتاضان، به توانمندی‌هایی نیز دست پیدا کرده‌اند، را نخورد. گاهی دیده و یا شنیده می‌شود که افرادی بر اثر سادگی و پاکی نفس، به راحتی به دام شیطان می‌افتند. ممکن است به شما خبر دهند که شخصی از اولیاءالله در فلان جا زندگی می‌کند و پس از مدتی که اجازه ملاقات به شما دادند، اطلاعاتی از باطن‌تان را برای شما باز گوید؛ به طوری که یقین می‌یابید او ولی خداست؛

در صورتی که چنین چیزهایی از افرادی همچون مرتاضان هم که اعتقادی به خدا و پیغمبر ندارند، برمی آید. مرتاضان هند و تبت، چنین هنری دارند که از گذشته و آینده اطلاعات غیبی می دهند. و این دلیل بر حقیقت شخص و درستی راه و اعتقادش نیست. اگر کسی خبری از آینده به شما داد، فریب نخورید؛ اول باید صحت اعتقاد شخص را درک کرد. اگر شخص، در اعتقادش خدش‌های باشد، هر چند هزاران کار خارق‌العاده انجام دهد، کارهای او به ارزشی نمی‌ارزد؛ چرا که آن شخص نوکر شیطان است و همه قدرت‌های شیطانی را برای فریب دادن مردم در اختیار گرفته است.^۱

۴. انحراف ستیزی

از دیگر نکاتی که منتظر باید در وجود خود احیا کند، مسئله انحراف ستیزی است. مبارزه با انحرافات و برخورد با کسانی که قصد منحرف کردن این مسیر ارزشمند را دارند از وظایف مؤمن منتظر است. در اینجا به طور اختصار به برخی از انحرافات، آسیب‌ها، خطرات و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد اشاره می‌کنیم:

الف. پرهیز از تعیین وقت

بر اساس تعالیم دین مبین اسلام و تعالیم ارزشمند رهبران الهی تشیع، منتظر باید همیشه و در همه حال آماده ظهور باشد. او باید زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان مشیت الهی بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفت بتواند با آمادگی لازم و سربلندی تمام به خدمت حجت خدا درآید.

۱. رک: مصباح یزدی، محمد تقی، *افتاب ولایت*، ص ۴۰-۴۰.

قرار گرفتن ظهور در هاله‌ای از ابهام و منتظر بودن در حالی که زمانی برای اتمام آن مشخص نشده، منتظر را در برزخی از بیم و امید نگه می‌دارد. شاید الآن و یا ماه بعد و چندی بعد ظهور انجام شود و ما در خواب باشیم هر چند امید است که هر چه سریعتر این امر عظیم محقق شود و مشکلات جهان حل شده مردم به سعادت و آسایشی ابدی دست پیدا کنند. با این بیان، تعیین وقت و زمان برای ظهور، بر خلاف فلسفه انتظار است. تعیین وقت ممکن است منتظر را به کاهلی و سستی کشانده، از وظیفه اصلی دورش کند. چرا که تعیین وقت - به ویژه اگر در آینده‌ای دور باشد - منتظر را به سکون و رکود مبتلا کرده و طولانی بودن زمان را دلیلی برای به تأخیر انداختن آمادگی خود قرار می‌دهد. از طرفی انجام نشدن ظهور در زمان مشخص به هر دلیلی، انسان منتظر را ناامید کرده، ممکن است به اصل اعتقادات مهدوی آسیب برساند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إن من وقت لمهدينا وقتا فقد شارك الله تعالى في علمه، و ادعى أنه ظهر على سره. و ما لله من سر إلا و قد وقع إلى هذا الخلق المعكوس الضال عن الله، الراغب عن أولياء الله! و ما لله من خير إلا و هم أخص به لسره و هو عندهم. و إنما ألقى الله إليهم ليكون حجة عليهم!»

کسی که برای مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خدا شریک پنداشته است و ادعا کرده که بر اسرار خدا واقف است! و خیال کرده که هیچ سری از اسرار الهی

نیست جز اینکه به این بنده گمراه و منحرف از خدا و روگردان از اولیاء خدا تعلیم شده است! می‌پندارند که هیچ خبری نیست جز اینکه خدا به آنها آموخته است! تا حجّت بر آنها تمام شود».

آری منتظر واقعی این گونه خود را برای این مهم تربیت می‌کند که آن روز موعود نزدیک است و نشانه هایش یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود و ما در آستانه روز رهایی انسان‌ها از زیر یوغ استعمار و استبداد هستیم و این امیدواری و اظهار نزدیک بودن ظهور اشکالی ندارد و باعث آمادگی هر چه بیشتر منتظر می‌شود.

ب. دوری از مطالب سست و بی‌بنیاد

گذری هر چند اجمالی بر منابع روایی اصیلی که از پیش از تولد امام زمان علیه السلام تا به امروز به جا مانده، نشان دهنده این نکته است که اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین ذخیره الهی برای هدایت بشر، در معارف و منابع اسلامی از مبانی و پایه‌های عقلی و نقلی استواری برخوردار است که هیچ معاند و مخالفی توان انکار آن را ندارد. حتی آنان که امروزه سعی بر انکار این رخداد عظیم را در لفظ دارند، در عمل برنامه‌ریزی برای مبارزه با او می‌کنند. به خوبی می‌دانند که این باور از استوارترین اعتقادات دین است و نمی‌توان آن را از بین برد. از این رو مدافعان و باورمندان به این اندیشه عالی نیاز به مطالب سست و بی‌پایه‌ای همچون خواب، رویا خیال پردازی، داستان‌های بی‌اساس و... ندارند. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

«...تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هر گونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیر صحیح نیست. باید در منابع از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامت‌های مسلم‌الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط بر انگیختن احساسات، که آن امری غیر پایدار و گذرا^۱».

حرکت بر پایه مطالب سست و بی بنیاد و تکیه بر خواب و رؤیا برای ترویج و تبلیغ اندیشه و فرهنگ پر بار و عظیم مهدوی مردم را در حد و توان نازل و ضعیفی قرار داده، اعتقاد و باور آنها را شکننده و آسیب پذیر می‌کند. این نوع مطالب توان و استقامت را در برابر دشمنان به حد زیادی کاهش داده و شکست در برابر دشمنان را امری حتمی می‌گرداند. اعتقاد و باور استوار با دلایل کافی و وافی است که انسان را در شرایط سخت و مبارزه‌های سنگین حفظ می‌نماید. اعتقادی که با خواب بیاید با خواب و رؤیا هم از بین می‌رود. از این رو در امر تبلیغ و ترویج اندیشه مهدوی باید توجه لازم را به نکات زیر داشت:

- در دفاع از فرهنگ مهدوی از مبانی عقلانی و دلایل استوار عقلی و

نقلی استفاده کنیم؛

– در نقل داستان‌ها، تشرفات و ... دقت لازم را به مستندات و منابع نقل آنها داشته باشیم؛

– از نقل مطالب بی پایه و اساس هر چند از لطافت و زیبایی بالایی هم برخوردار باشند پرهیز کنیم؛

– محوریت در باور مهدوی را به عقل‌گرایی دهیم نه عاطفه و احساس بدون مبانی دقیق؛

– همت خود را بر گسترش اموری که در روایات تأکید و سفارش فراوان شده صرف کنیم. (مثل تقوی و عمل صالح).

ج. پرهیز از طرح مسائل کم‌اهمیت

توجه به امامت امام علیه السلام در جهت شناخت و اطاعت از ایشان، وظیفه هر مؤمن متعهد و منتظر است. آنچه برای انتظار و رسیدن به هدف والای آن یعنی رسیدن به دولت عدالت محور و نجات از ظلم‌ها و مشکلات لازم است همین نکته است. لذا می‌بایست از طرح مسائلی که تأثیری در رشد، پویایی و شناخت منتظران ندارد، پرهیز کرد. شناخت و معرفت نسبت به هر آنچه در اطاعت ما از ایشان تأثیر مثبت گذاشته و کمک به اطاعت بهتر ما می‌کند لازم و غیر از آن هر آنچه طرح شود بیهوده است و نیازی به آن نیست. در این راستا باید منتظران را به نکاتی مانند موارد ذیل متوجه کرد:

– تقویت شناخت شخصیت امام زمان علیه السلام؛

– تقویت و ارتقای سطح کیفی اعمال و رفتار دین‌محور؛

– بالا بردن دانش و بینش مهدوی؛

– زدودن موانع و آسیب‌هایی که ما را از هدف اصلی خود دور می‌کند.

۵. استواری و پابرجایی

نسل منتظر در دوره‌ای زندگی می‌کند که آکنده از ناملایمات، سختی‌ها، دشمنی‌ها، انحرافات، تردیدها و اضطراب است؛ به همین جهت باید خود را قوی و محکم ساخته و از ناملایمات ترس و اندوهی به خود راه نداده و صبر و بردباری انقلابی را پیشه خود ساخت. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

« من دین الأئمة الورع... و إنتظار الفرج بالصبر؛

از دین امامان است پرهیزگاری... و انتظار فرج با صبر و شکیبایی.»

شرایط حاکم بر دوران غیبت و طولانی شدن این پروسه پر فراز و نشیب همراه با ناامنی، بی عدالتی، ترس و وحشت و اضطراب و مشکلات فراوان دیگری بشر را از بسیاری از آرمان‌های بلندش باز داشته و در این میان، تنها صبر است که می‌تواند زمینه‌های تربیت یک منتظر واقعی را ایجاد نماید. منتظر صبور در رویارویی با مشکلات، غافلگیر نمی‌شود و کاسه صبرش لبریز نمی‌گردد. برای او برخورد با ترس و مشکلات نوعی سازندگی در حرکت عظیمی است که شروع کرده و باید تا رسیدن به هدف متعالی خویش ادامه دهد. منتظر باید مشکلات دوران انتظار را پیش بینی و تحمل نموده و با تدبیر و درایت از بحران‌های ناشی از هجوم مشکلات، فرصتی برای پیش برد اهداف خویش ایجاد نماید. امام حسین علیه السلام می‌فرمایند:

«برای او غیبتی است که گروهی در آن دوران از دین برگشته، برخی دیگر، بر دین پایدار خواهند ماند و مورد اذیت و آزار قرار خواهند گرفت. به آنان گفته می‌شود اگر راست می‌گویید پس این وعده ظهور مهدی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ لیکن آن که در زمان غیبت، بر آزارها و تکذیب‌ها، استوار ماند، گویا مجاهدی است که در رکاب رسول خدا ﷺ با شمشیر، به جهاد برخاسته است.»^۱

در سخنان آفتاب گون امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت، جز به وسیله کشتن و ستمگری به دست نیاید، و ثروت جز با غصب و بخل فراهم نگردد، و محبت و دوستی، جز با بیرون رفتن از دین به چنگ نیاید. پس هر کس، آن زمان را در یابد و بر فقر صبر کند، یا این که محبت مردم را بتواند جلب کند، و بر خواری و ذلت صبر کند، در صورتی که قدرت عزیز شدن را داشته باشد، خداوند پاداش پنجاه تصدیق کنندگان مرا به او خواهد داد.»^۲

و نیز امام کاظم علیه السلام در کلامی از جنس آفتاب می‌فرمایند:

«هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می‌رسد و انتظار فرج، بخشی از فرج است.»^۳

صبر و بردباری در دوره انتظار از ویژگی‌های مهم منتظر است که باید در وجود او نهادینه شده؛ به اصلی تخلف‌ناپذیر تبدیل شود؛ چرا که ایشان از

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

۳. مکالم المکارم، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

زبان رسول گرامی اسلام ﷺ، از رستگاران شمرده شده، مانند کسانی هستند که به غیب گرویده‌اند:

«طوبی للصابرین فی غیبتہ... أولئک وصفهم الله فی کتابه و قال: «الذین یؤمنون بالغیب» و قال «اولئک حزب الله هم المفلحون!»

خوشا به حال شکیبان در غیبت او... که آنان را خدای متعال در کتابش چنین توصیف کرد «کسانی که ایمان به غیبت می‌آورند» و فرمود: «ایشان حزب خدای متعال و رستگارانند.»

البته باید گفت که این راه بسیار دشوار و صبر بر آن امری سخت و طاقت فرسا است تنها کسانی می‌توانند در این راه صبر کنند که تربیت شده‌ی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در رابطه با صابرین دوران غیبت می‌فرماید:

«و الذی بعثنی بالحق بشیراً، إن الثابتین علی القول به زمان غیبتہ لأعز من الکبریت الأحمر!»
سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می‌مانند از کبریت احمر کمتر خواهند بود.»

و نیز همین بیان در روایت دیگری از وجود نازنین و مقدس امام حسین علیه‌السلام چنین آمده است:

«برای او غیبتی است که گروه‌هایی در آن ایام غیبت از دین بر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳، ح ۶۰

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

می گردند - مرتد می شوند - و گروه دیگری ثابت قدم می مانند^۱.

از بیان این حدیث روشن می شود، کسانی که صبر می کنند و به رستگاری می رسند تنها یک گروه اند و آنان که منحرف و مرتد می شوند، گروه های متعددی هستند. پس می بایست در نظام اخلاقی اهل بیت علیهم السلام آموخته های خود را افزوده، تربیتی خدایی پیدا کنیم تا بتوانیم در دوران غیبت صبر نموده برای قیام و یاری مهدی علیه السلام آماده شویم. صبر و مقاومت نتیجه امید به نیرویی برای نجات است. غرق می که گروه نجات را از دور می بیند، برای نجات خود بر آب غلبه کرده و امیدوار است، اما غرق می که حتی از دور نیرویی را برای نجات خود نمی بیند امیدی به نجات نداشته، با ناامیدی تمام به غرق شدن خود کمک می کند. زمانی منتظر، امید به نجات دارد که از وجود نجات دهنده ای برای آینده خود اطمینان دارد و با امید بسیار بر همه مشکلات غلبه کرده صبر را پیشه خود قرار می دهد.

از جمله راهکارهایی که می توان با تمسک به آنها صبر و بردباری را در خود تقویت کرد می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- پیوند عمیق و ناگسستنی با خدای متعال و عبودیت و بندگی محض به درگاه الهی؛

- توکل جدی و واقعی در مشکلات به خداوند متعال؛

۱. قال الحسين علیه السلام «له غيبه يرتد فيها أقوام و يثبت على الدين آخرون».

- درک عمیق این مطلب که اگر صبر را پیشه خود سازیم خداوند متعال یاریمان می‌کند؛

- باور به این نکته که تنها راه نجات بشریت صبر و بردباری در راه انتظار و چشم‌براه موعود منجی بودن است؛

- اعتقاد به اینکه انسان‌های سست اراده به هیچ یک از اهداف خود نخواهند رسید. (این نکته به تجربه بارها در طول زندگی‌ها دیده شده است.)

فصل هشتم

تربیت عاطفی

۱. جذب و کشش
۲. دوستی
۳. ولایی و پیوند (وصل)
۴. عشق (حجت ماندگار)

در تربیت نسل منتظر، رویکردهای احساسی، عاطفی و روانی اثر گذاری سریع‌تری دارد و پیوند قلبی و درونی بیشتری برقرار می‌کند. در این نوع تربیت، بر عواطف و احساساتی مانند عشق‌ورزی و محبت شدید در دل با محبوب و توجه همیشگی به او و... تأکید می‌شود. هر چند سفارش شده است که باورهای خود را بر مبانی عقلی و دلایل استوار، بنا نمایید، اما تأثیر عاطفه، احساس و دل‌بستگی عاطفی از نکاتی است که به لحاظ اجتماعی بودن انسان در روابط، به ویژه آنجا که نیاز به از خود گذشتگی دارد بسیار مهم بوده و تأثیر بسیاری در سرنوشت انسان می‌گذارد. از جمله نکات مهمی که در ایجاد و تقویت تربیت عاطفی می‌توان ذکر کرد به شرح ذیل می‌باشد:

۱. جذب و کشش

جذب و کشش از نکاتی است که در روابط عاطفی جزء امور محوری است. یعنی اگر جذابیت و به دنبال آن، کششی وجود داشته باشد روابط ماندگار می‌شود و گرنه بعد از مدتی به جدایی و فراموشی خواهد گرایید. از بهترین راه‌کارها برای ایجاد میل کشش و جذب، داشتن صفاتی است که مورد

توجه طرف مقابل است. اگر ما خود را به اخلاقیات و رفتارهای مورد علاقه شخص مورد توجهمان مزین کنیم، در آن صورت می‌توانیم زمینه را برای جذب و کشش آماده نماییم. نسل منتظر نیز برای اینکه بتواند خود را در دایره جذبۀ حضرت حجت علیه السلام قرار دهد، باید شرایطی فراهم سازد که سنخیت و زمینه لازم را به دست آورد. عاطفه و محبت از جمله اموری است که اگر به صورت صحیح و منطقی بر روابط انسان حاکم شود، می‌تواند جذابیت بسیاری ایجاد نماید. یکی از اساسی‌ترین عوامل ارتباطی بین انسان‌ها که جذابیت و کشش زیادی ایجاد می‌کند عاطفه، محبت و مهربانی است. هر جا انسان بخواهد به آمال و آرزوهای خویش در اجتماع دست یابد و جایگاهی ویژه برای خود دست و پا نماید، محبت کردن و ایجاد روابط عاطفی بهترین راهکار در این راستا است.

بدیهی و روشن است که امام علیه السلام به خاطر شرایط شخصیتی و جایگاه خلیفۀ الهی که در عالم دارد نسبت به انسان‌ها محبت و عاطفه فراوانی داشته و دارد و اساساً به همین خاطر رنج‌های دنیا را بر خود هموار کرده‌اند. خداوند متعال به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛

و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای عالمیان.

و امام زمان علیه السلام که آخرین بازمانده این خاندان بزرگوار است نیز، امام رحمت و عاطفه است و بهترین و برترین محبت‌ها را نسبت به بندگان خداوند متعال دارد. بنده مؤمن و پایبند به مبانی دینی که در دوران انتظار

خود را در ردیف یاران و منتظران حضرتش می‌داند باید نسبت به امام و رهبر خویش محبت و عاطفه داشته باشد چرا که:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۱؛

آنان که ایمان آوردند دلبستگی عمیقی به خدا دارند.

بدیهی است نتیجه چنان عاطفه و محبت عمیق و معنوی، جذب و کششی است که انسان منتظر را به سوی امام خویش هدایت می‌کند و با حرص و ولع، منتظر رسیدن به آن یار سفر کرده است؛ چرا که بر اساس آیات قرآن کریم:

﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ﴾^۲؛

انسان از شتاب آفریده شده است.

و باز بر اساس آیه کریمه‌ای:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾^۳؛

پس در کارهای خیر پیشی بگیرید.

آری منتظر راستین برای رسیدن به امام خویش، جذبه و کشش فوق‌العاده و عظیمی در خود احساس می‌کند. برای اینکه این کشش قوی‌تر باشد، می‌توان راه‌کارهای زیر را پیشنهاد نمود:

- بیان اوصاف و ویژگی‌های امام؛

- تبیین زیبایی‌های ارتباط با امام؛

- ایجاد سنخیت بین خود و حضرت حجت علیه السلام؛

۱. بقره (۲)/۱۶۵.

۲. انبیاء (۲۱)/۳۷.

۳. بقره (۲)/۱۴۸.

- تبیین و روشن‌سازی زشتی‌های دشمنان حضرت حجت علیه السلام
- آگاهی نسبت به پایان راه انتظار و نعمت‌های فراوان آن.

۲. دوستی

پس از اینکه نسل منتظر، جذبه و کشش ویژه‌ای نسبت به امام خود پیدا کرد، نوبت به ایجاد دوستی و محبت واقعی می‌رسد. در واقع باید بین ما و حضرت حجت علیه السلام دوستی و محبت الهی حاکم شود. محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام عملی است واجب، بلکه از اعظم واجبات است، به حدی که فرموده‌اند:

«لم یناد بشیء کما نودی بالولایه»

به هیچ چیز، همانند ولایت فرا خوانده نشده است».

محبت هر قدر رتبه‌اش بیشتر باشد، اثر آن در اعمال پیش‌تر خواهد بود. مودت و دوستی اهل بیت به ویژه مودت امام زمان علیه السلام برای مردم عصر غیبت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که آنان وظیفه سنگین غیبت و آماده شدن برای حمایت از امام زمان علیه السلام را نیز بر عهده دارند. اگر ما به ایشان مودت داشته باشیم همه کارهایمان را خالصانه برای ایشان و در راه رضایت ایشان انجام خواهیم داد چرا که روحیه عاطفی و مودت انسان اجازه نمی‌دهد خلاف نظر کسی که واقعاً دوستش داریم و به او از روی صدق و راستی عشق می‌ورزیم، عمل کنیم. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مؤمنین منتظر و یاران حضرت مهدی علیه السلام را برادران خود می‌خواند و رمز آن را سختی و دشواری پابرجا ماندن برحق و حقیقت در عصر غیبت معرفی

می کند و در همین راستا می فرماید:

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او و پا برجایان در محبت او که آنها را خدای تبارک و تعالی در کتابش چنین توصیف فرموده است: ^۱ «این قرآن است برای پرهیزگاران، آنها که به غیب ایمان می آورند» ^۲.

در روایت دیگری نبی مکرم اسلام دوستی با امام زمان علیه السلام را با ارزش خوانده، دوست داران ایشان را نجات یافته می داند:

«طوبی لمن لقیه و طوبی لمن أحبه... ینجیهم الله من الهلکة... مثلهم فی الأرض کمثل المسک الذی یسطع ریحہ فلا یتغیر أبداً...» ^۳

خوشا به حال کسی که او را دیدار کند، خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد... خداوند آنها را از هلاکت نجات بخشد... مثل آنها در روی زمین مانند مثل مشک است که فضا را خوشبو می سازد و خود هرگز تغییر نمی یابد...».

آری این همه در سایه دوستی و مودت با امام مهدی علیه السلام برای مؤمن منتظر مهیا می شود و او را از زمره سعاتمندان می گرداند.

۳. ولاء و پیوند (وصل)

در این مرحله، نسل منتظر باید یک رابطه ولایی و حقیقی با امام خود برقرار کند؛ او امام است و راهنما و نسل منتظر، مأموم است و هدایت شده و باید

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.

۲. بقره (۲)/۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

که ولایت‌مدار باشد. پیوند و ارتباط عمیق از مشخصه‌های مسلمانان است. در مبانی دینی ما سفارش زیادی به این نکته شده است که جامعه مسلمانان در اوج همدلی و همبستگی، باید همچون پیکری واحد باشند که اعضاء و جوارح آن با هم ارتباطی منسجم دارد. پیوند بین افراد جامعه اسلامی چنان است که قرآن کریم در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿والمؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیا بعض﴾؛

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند.

امتی که با چنین پیوند مستحکمی با یکدیگر مرتبط‌اند، ملتی توانمند هستند. نکته قابل توجه آنکه محور و رکن این همبستگی باید امام علیه السلام باشد. منتظر واقعی دل‌باخته و عاشق امام زمان علیه السلام است و دل و جانش را با قلب ایشان - که قلب عالم امکان است - گره می‌زند و بدینوسیله قلب کوچک و محدود خود را به دریای بی کران اسرار الهی پیوند زده، به سعادت ابدی دست پیدا می‌کند.

از لوازم اساسی و غیر قابل انکار در مکتب انتظار و لاء و پیوند این چنینی با یگانه اقیانوس بی انتهای محبت است. و لاء و دوست امام زمان علیه السلام برای هدایت و موفقیت انسان امری ضروری و غیر قابل انکار است. بدیهی است نتیجه این پیوند و ولاء غرق شدن در دریای رحمت و بی انتهای الهی است و در نتیجه تسلیم شدن به امر مولی، که از اساسی‌ترین نیازهای هر مسلمان در هر زمان به ویژه دوران پر حادثه انتظار است. آری در این

صورت است که محب، او را در طول هستی ولی و محبوب خود قرار می‌دهد. این پیوند و ارتباط عمیق و قلبی در نتیجه اعتقاد و باور به امام علیه السلام و نیز ثبات قدم در این راه است که ارزش و آثار بسیاری به همراه دارد، چنانکه در روایتی ارزشمند از امام زین العابدین می‌خوانیم:

«من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا، أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهدا بدر و أحد؛»

کسی که در زمان غیبت قائم ما علیه السلام بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و أحد عطا می‌فرماید.

بدیهی است ماندن بر عهد و استواری بر هدف و پیمان، نشان از پیوندی عمیق و ماندگار دارد، چرا که انسان انگیزه‌ای برای ماندن در عهدی که برگرفته از ارتباط و پیوند روحی و معنوی نباشد، ندارد.

۴. عشق (حبّ ماندگار)

در نهایت تمام محبت‌ها و ولاءها و پیوندها، باید تبدیل به یک عشق حقیقی و ماندگار شود و این در صورتی امکان دارد که ما از اعماق وجود، امام زمان علیه السلام و اهداف بلند ایشان را دوست داشته باشیم و قلبمان برای رسیدن به آن روز موعود پر بکشد. و باور داشته باشیم که این رابطه، امری حقیقی است. شاید برای بشر باور کردنی نبود که روزی بتواند از فرسنگ‌ها فاصله با عزیزان خود صحبت کند و ارتباط داشته باشد اما به وسیله امواج الکترومغناطیسی و پیشرفت علم و تکنولوژی این امکان ایجاد شد، در حالی

که این امواج همیشه در جهان وجود داشته‌اند ولی بشر از آنها بی اطلاع بوده است. در قلمرو مسائل روحی و معنوی نیز روابطی وجود دارد که ما نسبت به آنها بی اطلاع هستیم. همان طور که در این جهان قوه جاذبه‌ای هست و عمل می‌کند و ما نمی‌فهمیم در گسترهٔ دل ما نیز چنین رابطه‌ای برقرار است و واقعیت دارد^۱. ما باید این قدرت را شناخته و در خود بارور کنیم. روح آدمی می‌تواند با روح بلند امام علیه السلام ارتباط داشته باشد. این رابطه‌ای است بسیار مهم که امکان آن از جانب خداوند متعال در اعماق وجود ما به ودیعه گذاشته شده است و ما می‌بایست بر آن آشنایی پیدا کرده و آن را به فعلیت برسانیم. این رابطه و ارتباط است که ما را برای جهادی مهدوی آماده می‌کند. محبت و علاقهٔ ما باید به حدی برسد که دوست داشتن و علاقهٔ ما تنها برای خود حضرت باشد و هیچ دلیل دیگری نداشته باشد. اگرچه ممکن است این عشق و علاقه الآن در وجود ما نباشد و با هزاران خواسته و علاقهٔ دیگر آمیخته شده باشد، اما همان طور که بیان شد امکان آن در وجود آدمی قرار داده شده و باید با تلاش و رعایت نکات اساسی و ایجاد ارتباط و پیوند با امام زمان علیه السلام این عشق ماندگار را در وجود خود احیا نماییم. برای احیاء، تقویت و زنده ماندن عشق به مهدی علیه السلام باید به نکات ذیل توجه داشت:

- انجام واجبات و ترک محرّمات؛

- دشمنی با دشمنان حضرت و دوستی با شیعیان ایشان؛

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، *افتاب ولایت*، ص ۱۰۹.

- رعایت اخلاق نیک و اسلامی؛
- تقویت دوستی و علاقه معنوی با امام علیه السلام؛
- توجه، توسل و ارتباط معنوی با امام علیه السلام؛

فصل هشتم

تربیت برتر ایمانی

۱. خداگرایی
 ۲. روشن بینی و دقت
 ۳. منزلت شناسی
 ۴. اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)
 ۵. حق باوری (حق پویی)
- آگاهی به سنت‌ها و قوانین الهی
- آگاهی به مشکلات و سختی‌های دوران غیبت
- آگاهی نسبت به حوادث و رویدادهای جهان

در این نوع تربیت، نسل منتظر به بینش و رشد والایی رسیده و با آگاهی و بصیرت تمام، حوادث، رویدادها و امور اجتماع را پی گیری می کند. در این مرحله منتظر حول محور ایمان خویش حرکت کرده و می بایست به نقطه ای برسد که هیچ عاملی نتواند ایمان او را خدشه دار کرده و از بین ببرد. در اینجا منتظر ایمان به حضرت مهدی علیه السلام، غیبت و مبانی انتظار را چنان در وجود خود ریشه دار و محکم کرده است که به روشنی و اطمینان زیاد به راه خود تا رسیدن به نقطه مطلوب ادامه می دهد. یعنی باید به آنجایی برسد که هیچ چیز و هیچ کس نتواند آن ایمان را خدشه دار کرده و تردید را به دل منتظر وارد کند. باور به خداوند متعال و مبانی دینی عمیقاً در وجود او نهادینه شده و تمام برنامه های زندگی منتظر بر اساس دستورات دینی بسته، و طبق آن عمل شود. باور به مهدویت و انتظار در راستای تکالیف دینی از مهم ترین وظایف انسان در این مرحله است. به شکلی که در رأس امور قرار داشته و تمام برنامه های فردی و اجتماعی بر اساس آن برنامه ریزی می شود. وقتی منتظر به حدی می رسد که از حیث ایمانی تربیت شده و خود را برای یاری آن حضرت آماده می کند، باید توحید و تمام اصول و فروع دین را برای خود تا حد اعلا حل کرده و باوری غیر قابل تردید در وجود خود

ایجاد نماید، نسبت به شرایط جهان و حوادث پیرامون خود آگاهی و بصیرت کامل پیدا کند، وظایف خود را شناخته و در صدد یافتن بینش و بصیرت نسبت به تکالیف واقعی خود در این دوران باشد، منزلت و جایگاه خود را پیدا نموده و نسبت به آن آشنایی و بصیرت کامل بدست آورده، آن را تقویت کند و با رفتارهای غیر اصولی آن را خدشه دار ننماید. در مرحله تربیت ایمانی، منتظر، معتدل و بدون گرایش‌های افراطی و تفریطی عمل کرده و تصمیمات لازم را به موقع و دقیق اتخاذ می‌کند. در این مرحله منتظر حق‌باور بوده و باورهای باطل را به درون خود راه نمی‌دهد. برای رسیدن به این حد از کمال، منتظر باید به ویژگی‌های زیر مجهز شود تا به یک تربیت عالی ایمان دست پیدا نماید:

۱. خدا گرایی

ایمان به خدا و خداگرایی در رفتار و اعمال، از نکات مهم و اساسی برای منتظر است. خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با شیعیان منتظر در آخرالزمان آیاتی دارد که ما به یکی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

﴿يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از آیین خود باز گردد، [بداند که] خداوند به زودی، قومی را بر می‌انگیزد که ایشان را بسیار دوست می‌دارد و آنها نیز

خداوند را دوست می‌دارند و در برابر مؤمنان سر افکنده و فروتن و در مقابل کافران سرافراز و مقتدرند.

روشن است که در این آیه عشق و علاقه مؤمنین در آخرالزمان به خداوند متعال بیان شده است و بشارتی به مؤمنان و پیامبر خدا ﷺ داده شده که نهراسید از اینکه عده‌ای از دین خدا بازگشتند و یا برخی به این دین رو نمی‌آورند. خدای متعال در روزی از روزهای تاریخ سراسر فرازونشیب این جهان، قوم و مردمی را خواهد داشت که به خداوند اعتقاد و باوری قلبی داشته و با تمامی وجود بنده و فرمانبردار هستند، خداوند ایشان را دوست دارد و ایشان نیز به خدای خویش عشق و علاقه فراوان دارند. آری این ایمان و علاقه است که انسان را در ردیف منتظران دولت حق حفظ و نگهداری می‌کند. این نکته در روایتی از وجود نورانی امام باقر علیه السلام چنین آمده است که:

«يُخْرِجُ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَ حَيْرَةٍ، لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَي دِينِهِ إِلَّا الْمَخْلُصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بَوْلَايَتِنَا، وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحِ مَنْهٍ!»^۱

بعد از غیبت و حیرت ظاهر می‌شود، در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود مخلص باشند و با روح یقین همراه و آنها کسانی هستند که خداوند از آنها درباره ولایت ما پیمان گرفته، و در دل آنها ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تأیید نموده است.

۱. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰.

۲. روشن بینی و دقت

آنچه در این دوران پُر دامنه و طولانی تاریخ که عصر انتظار نام گرفته، بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و توجه انسان است، بصیرت، آگاهی و روشن بینی است. انسان ابتدا می‌بایست نسبت به خالق جهان، بینش و آگاهی تام و تمام داشته باشد. همه چیز را در ید قدرت او دیده و توحید را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد و نسبت به وعده‌های الهی در شرایط گوناگون به ویژه شرایط سخت و طاقت‌فرسا آگاهی و توجه کامل داشته باشد، و این مهم را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد که در قانون الهی انسان‌های آگاه و قوی بنیه که به وعده‌های الهی آگاهی دارند جزء برترین بندگان الهی‌اند:

«ولا تهنوا ولا تحزنوا و أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنین»؛
سست مشوید و اندوه نخورید، شما برترید اگر مؤمن باشید.

از دیگر وعده‌های الهی می‌شود به این آیه اشاره کرد:

«كتب الله لأغلبن أنا و رسلی»؛

خداوند مقرر کرده است که حتما من و فرستادگانم هر آینه پیروز خواهیم شد.

از دیگر مواردی که نسل منتظر باید نسبت به آن بصیرت و آگاهی کامل داشته باشد، جهان و حوادث پیرامون آن است. بینش و بصیرت نسبت به جهان و اتفاقات پیرامون آن، منتظر را برای رسیدن به یک باور عمیق کمک فراوانی می‌کند. مشکلات فراوان، سختی‌ها، ناامنی‌ها و... که بشر در طول

۱. آل عمران (۳)/۱۳۹.

۲. مجادله (۵۸)/۲۱.

تاریخ متحمل شده است همه ناشی از یک سری اعتقادات دنیامدارانه و مادی بوده که منفعت طلبان زورگو برای رسیدن به مطامع خویش از آن استفاده کرده‌اند. توجه نسل منتظر به حضرت علیه السلام و تمام زوایای این تاریخ سراسر مشکلات و پرفراز و نشیب انسان‌های آرزومند و منتظر آنها را نسبت به باور خویش محکم‌تر کرده بر درجات ایمان‌شان می‌افزاید.

۳. آگاهی به اوضاع جهان و وظایف خود

از دیگر نکات مهم در رسیدن به یک تربیت ایمانی و رشد یافته آگاهی نسبت به نقش و وظیفه خویش در جهان است؛ به ویژه در دوران انتظار، که یک انسان مؤمن منتظر نقش بسیار سنگین و مؤثری در رشد و ترویج شریعت اسلامی و فرهنگ مهدوی دارد. آگاهی‌های مورد نیاز در این عرصه بسیار است که به برخی اشاره می‌شود:

الف) آگاهی نسبت به سنت‌ها و قوانین الهی

از مواردی که انسان در راه تربیت خویش برای قرار گرفتن در کانون حامیان امام زمان علیه السلام باید نسبت به آن آگاهی و بینش کافی داشته باشد، عبارت است از سنت‌های الهی. سنت‌های الهی غیر قابل انکاراند و خداوند فرمان داده است انسان آمادگی لازم برای ورود به این عرصه را در خود ایجاد نماید. «وعدوا لهم ما استطعتم من قوة؛ تا می‌توانید در مقابل دشمنان نیرو مهیا کنید». این آگاهی‌ها و بینش‌های متفاوت نسبت به هر آنچه که یک انسان

معتقد به دین باید در شرایطی مانند دوران ظهور برای خود داشته باشد، باعث می‌شود انسان منتظر در زمره بهترین‌ها قرار گرفته آمادگی لازم را برای مأموریت خویش پیدا کند. در این خصوص امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند:

«إن أهل زمان غيبته، القائلين بأمامته، المنتظرين لظهوره، أفضل أهل كل زمان. لأن الله و تعالی ذكره أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله ﷺ بالسيف! أولئك المخلصون حقاً، و شيعتنا صدقاً، والدعاة إلى دين الله سرأ و جهراً!»

اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او، منتظر ظهور باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می‌باشند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا کرده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان ظهور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم ﷺ شمشیر بزنند. آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می‌باشند.»

همان طور که در روایت روشن است سه چیز مورد توجه قرار گرفته است، «عقل»، «فهم» و «معرفت» که هر سه نشان از آگاهی، بینش و اوج علم

و شعور انسان منتظر در عصر تاریخ‌ساز انتظار دارد. در روایتی دیگر، از انسان‌های آگاه در دوران انتظار با عنوان مشعل‌های فروزان نام نهاده شده که خداوند آنها را به خاطر همین آگاهی و بینش، از دام فتنه‌های بزرگ آن زمانه رهایی می‌بخشد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

لتأتین فتن کقطع اللیل المظلم، لا ینجوا منها إلا من
أخذ الله میثاقه. أولئک مصابیح الهدی و ینابیع العلم،
ینجیهم الله من کل فتنه مظلمة؛

فتنه‌هایی چون امواج تاریک شب بر آنها هجوم می‌آورد، که کسی از آنها رهایی نمی‌یابد به جز افرادی که خداوند از آنها پیمان گرفته است. آنها مشعل‌های هدایت و سرچشمه‌های دانش و فضیلت هستند، که خداوند آنها را از هر فتنه تاریک نجات می‌دهد.

ب. آگاهی به نقش خود در تغییر اوضاع

منتظر آگاه و بصیر کسی است که به نقش و اراده حق‌طلبانه خود در تغییر دادن به اوضاع و نزدیک شدن به عصر ظهور، پی‌ببرد و در این راستا حرکتی عالمانه و مجاهدانه به سمت اهداف و آرمان‌های متعالی و شکوهمند خود بردارد.

ج) آگاهی به مشکلات و سختی‌های دوران غیبت

تردید و دودلی و گم کردن راه سعادت مهم‌ترین مشکلی است که جهان

دوران غیبت را به خود مشغول کرده است. دین‌گریزی که از سده‌های گذشته مورد تأکید و ترویج سردمداران کشورهای غربی و شرقی در جهت اهداف منفعت طلبانه خود قرار گرفته است، جهان را به نقطه‌ای نامعلوم در رابطه با سرنوشت انسان‌ها کشیده است. آنچه قرار بود توسط این افراد و سردمداران حکومت‌های دنیا برای بشر به ارمغان آورده شود، امنیت، آسایش و رفاه بوده که هرگز در تحقق آن موفق نبوده‌اند. اساساً قرار هم نبوده که به این اهداف دست پیدا کنند، چرا که همه منفعت آنان در مشکلات و فقر و ناامنی جهان به دست می‌آید.

از جمله مشکلاتی که جهان امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ناامنی در حوزه‌های فردی و اجتماعی

- نبود عدالت و عدم توزیع درست سرمایه‌ها

- فقر و تنگدستی تعداد زیادی از انسان‌ها

- نبود روابط صحیح اجتماعی

- سست و بی‌پایه بودن نهاد خانواده‌ها

- جنگ و خونریزی و ظلم

- اختلاف طبقاتی

- حاکمیت یک گروه خاص بر تمام مردم

- گسترش ظلم، فساد، فقر و نابرابری.

(د) آگاهی نسبت به حوادث و رویدادهای جهان

از نکات مهم و اساسی و مؤثر در تربیت نسل منتظر، آگاهی و شناخت

نسبت به رویدادهای جهانی و حوادث پیرامون او است. رشد فزاینده تکنولوژی و فتح قلّه‌های علمی، یکی پس از دیگری در سرنوشت انسان تأثیر بسزایی گذاشته است. این تفکر که بشر می‌تواند نیازهای خود را تأمین کند و توانایی و لوازم مورد نیاز برای حفظ حیات و امنیت خویش را دارد، سالیانی است از طرف سیاستمداران و سودجویان عالم زمزمه می‌شود. اینان بر این باور بوده و هستند که ما می‌توانیم انسان را با علم و فن‌آوری‌ای که در اختیار داریم، سعادت‌مند و خوشبخت نموده، زندگی‌ای همراه با شادی و سلامتی برای او مهیا کنیم، اما با گذشت سالیان دراز و رشد فراوان تکنولوژی و ماشینی شدن زندگی، هنوز انسان امروز کمبودهایی را در وجود خود و جامعه خود احساس می‌کند. شناخت، آگاهی و بصیرت نسبت به این موضوع و حوادثی که برای جهان امروز در جهت تحقق این دو هدف اتفاق می‌افتد، کمک بسیاری به نسل منتظر برای حرکت و برنامه‌ریزی می‌کند. آنچه جهان در یک تاریخ طولانی در مبارزه با دین و به ویژه جنگ سازمان یافته با تفکر منجی‌گرایی برای بشر به ارمغان آورده چیزی جز ناامنی، فساد و بی‌هویتی، جنگ، سردرگمی و... است که نسل منتظر باید نسبت به آن آشنایی کامل پیدا نموده و برای حل معضلات این چنینی، تفکر مهدوی و منجی‌گرایی را به خوبی تبیین کند. تا انسان دوران غیبت نسبت به این موضوع آشنایی کامل پیدا کرده حل مشکلات خود را منحصرأ در مسیر انتظار و مهدویت پیدا کند.

۴. منزلت شناسی

از دیگر ابعاد تربیتی نسل منتظر، توجه دادن او به موقعیت، ارزش و منزلتش

در اجتماع بشری و نزد خداوند متعال است. نسل منتظر باید بداند که جایگاه و منزلتی که در روایات برای او ذکر شده؛ مقامی بس عظیم و ارزشمند است. بلندی و مرتبت مقام منتظر به حدی است که آنان را به شهدای در راه خدا تشبیه کرده‌اند. در روایتی نورانی از امیرالمؤمنین آمده:

«المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله؛

منتظر امر (فرج) ما، همچون کسی است که در راه خدا به خون خویش می‌غلتد».

انتظار از انگاره‌های بسیار با ارزش در تفکر شیعی و اسلامی است که در روایات ما به برترین اعمال امت نامیده شده است.^۱ بر همین اساس منتظر نیز باید بهترین امت باشد. اتصاف به صفت انتظار، تناسب و سنخیت با این مفهوم با ارزش را می‌طلبد. جایگاه منتظر، جایگاه یک مومن متدین و آشنا به وظایف خویش متناسب با زمان و مکان است. در ارزش، جایگاه و منزلت منتظر مؤمن و متعهد همین بس که هر کدام از آنان با پنجاه نفر از اصحاب رسول گرامی خدا ﷺ مقایسه و برتر شناخته شده‌اند. این معنا در کلامی نورانی و آسمانی از وجود نازنین پیامبر مهربان اسلام چنین آمده است:

«سیأتی قوم من بعدکم، الرجل منهم له أجر خمسين منکم. قالوا: یا رسول الله نحن کنا معک بیدر و حنین و أحد و نزل فینا القرآن! فقال: إنکم لو تحملون ما حملوا لم تصبروا صبرهم»^۲

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۶، ح ۷.

۲. «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»: الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۶۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۲۰۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شماست. گفتند: یا رسول الله ﷺ مگر نه این است که ما در حضور شما در بدر و احد و حنین شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شد؟ فرمود: اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می‌داد شما نمی‌توانستید چون آنها صبر و شکیبائی را پیشه خود سازید».

اگر در مقام و منزلت منتظران دولت مهدی ﷺ تنها همین روایت بود و اگر نبود برای منتظران مگر برابری آنها با پنجاه نفر از اصحاب رسول خدا ﷺ، بس بود که انسان آخر الزمان در هر شرایط و با تمام قوا برای رسیدن به این مقام و منزلت تلاش فراوان کرده، خود و خانواده خویش را در این راه فدا نماید. منتظر کسی است که ظهور امامش را به انتظار نشسته است و در این راه عبادت کردن را پیشه خود کرده خواهان برقراری عدالت و رفع ظلم و ستم در عالم است از این رو برای او مقامی است، برابر با آنچه او طلب می‌کند و انتظار می‌کشد. اینان را در روایات، اهل بهشت دانسته‌اند و در رابطه با جایگاه آنان چنین فرموده‌اند:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

یا اباالحسن: حقیق علی الله أن یدخل أهل الضلالة الجنة؛^۱

ای اباالحسن! بر خدا شایسته است که «اهل ضلالت» را وارد بهشت کند».

بدیهی است که اهل ضلالت در این روایت منظور طایفه اهل گناه و

گمراهی نیست، چرا که سخن درباره قومی است که بهترین مخلوقات الهی نامیده شده‌اند و برای آنان درجاتی عالی در بهشت الهی متصور شده است در این روایت منظور از ضلالت پیروان امامی است که از دید آنها ناپدید شده است. سخن از تمجید افرادی است که امامشان را ندیده‌اند ولی برای رسیدن به وی تلاش فراوان کرده‌اند و رنج بسیار برده‌اند. در سخن آرمانی دیگری رسول خدا ﷺ اوضاع این افراد الهی را چنین وصف نموده‌اند:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«عندها یندوب قلب المؤمن فی جوفه کما یندوب الملح فی الماء: مما یری من المنکر فلا یستطیع أن یغیره! المؤمن یمشی بینهم بالمخافة، فان تکلم أکسوه، و إن سکت مات بغیظه!»^۱

در آن ایام قلب مؤمن در درون خود آب می‌شود، آن چنانکه نمک در آب ذوب می‌شود. زیرا منکرات را می‌بیند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارد. مؤمن در میان آنها با ترس و لرز راه می‌رود، که اگر حرف بزند او را می‌خورند، و اگر ساکت شود غصه مرگ می‌شود».

شرایط برای منتظر آن چنان سخت و دشوار است که سکوت او همراه غم و اندوهی مرگبار است. البته رسیدن بدین نقطه برای مردم دوران ظهور بسی سخت و مستلزم رعایت دستورات بسیاری است که سعادت بشری در گرو عمل به آنها و قرار گرفتن در آن مسیر است. به همین جهت منتظر می‌بایست جایگاه و منزلت واقعی و والای خود را شناخته و آن را پاس

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۲؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۵.

بدارد، از رفتار و اعمالی که با این جایگاه پر عظمت سازگاری ندارد پرهیز کند و اسباب و لوازم رشد خویش را به مرتبه‌ای بالاتر مهیا ساخته و کمال بندگی و عبودیت را در فرهنگ انتظار جستجو نماید.

چه زیبا و باعظمت رسول گرامی اسلام منتظران حضرت حجت علیه السلام را توصیف کرده و جایگاه آنها را نشان داده است:

«اللهم لقنی إخوانی! فقال له واحد: أما نحن إخوانک یا رسول الله؟ فقال: لا إنکم أصحابی و إخوانی قدم فی آخر الزمان آمنوا بی ولم یرونی... لقد عرفنیهم الله یأشما یهم و أسماء آبائهم من قبل أن یخرجهم من أصلاب آبائهم و أرحام أمهاتهم. لأحدهم أشد بقیة علی دینه من فرط الفتاد فی لیلة الظلماء، أو کالقابض علی جمر الفضا! أولئک مصابیح الدجی، ینجهم الله من کل فتنة کبراء مظلمة!»

خداوند! برادرانم را به من بنمایان. یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ ای رسول گرامی خدا! فرمود: نه! شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند، و به من ندیده ایمان می آورند. خداوند آنها را پیش از آنکه از صلب پدران به رحم مادران در آیند با نام خود و پدرانیشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آنها در دین خود، از کسندن خارهای گون در شب تاریک، و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آنها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می بخشد.

۵. اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)

میانه روی و اعتدال در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم و از ضروریات مورد سفارش دین اسلام برای سعادت بشری است. انسان در هر شرایطی با زیاده‌روی در امور، نه تنها به نتیجه نرسیده بلکه سرمایه‌های خود را نیز بیهوده از دست می‌دهد. البته از طرف دیگر، با کم کاری و کوتاهی هم، راه به جایی نخواهد برد. بهترین راه برای نتیجه‌گیری در هر کاری رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است. مؤمن متعهد منتظر نیز برای رسیدن به اهداف بلند خویش باید اعتدال را سرلوحه تمام رفتارهای فردی و اجتماعی خویش قرار دهد. منتظر امام زمان علیه السلام نه آنچنان غرق در رفتارهای شخصی و عبادی شده که دستورات و وظایف اجتماعی خویش را فراموش نماید و نه آن چنان به وظایف و امور اجتماعی مشغول می‌شود که از ساخته شدن خود بازماند، بلکه میانه رو و معتدل، هر امری را در جای خود دنبال می‌کند تا به بهترین نتیجه دست یابد. برخی چنان غرق در دیدار و ملاقات می‌شوند که تمام وظائف خود در دوران انتظار را فراموش می‌کنند و تنها دغدغه آنها ملاقات با امام زمان علیه السلام می‌شود و یا آنچنان به مسائل اجتماعی می‌پردازند که رفتارها و اخلاقیات و وظایف دینی خویش، که برای ساخته و پرداخته شدن در مسیر انتظار باید دنبال کنند را به فراموشی می‌سپارند، در صورتی که منتظر واقعی باید چنان تربیت شده و خود را با فرامین و دستورات دین هماهنگ سازد که تمامی زوایای کار و وظایف خود را دقیق شناخته و هر یک را در جای خود انجام دهد. اصرار بیش از اندازه در برخی امور، انسان منتظر را در ورطه هولناک افراط و تفریط می‌اندازد و منتظر باید

بسیار دقیق در این مسیر عمل کند. مواردی نیز مثل خواب‌ها و رؤیاها، توجه بیش از حد به مکاشفات و اعتماد به هر کسی در این مسیر و همچنین پیروی از مدعیان ارتباط و... که بدون توجه به مبانی و مشخصه‌های این موضوعات برخی افراد بسیار افراطی و با زیاده‌روی به دنبال آنها می‌روند انسان را از وظیفه اصلی خویش باز می‌دارد. ضمن اینکه بعد از مدتی با از دست دادن زمان و توان خویش یا ناامید باز می‌گردند یا در دست منفعت‌طلبان به ورطه هولناک بی‌دینی کشیده می‌شوند. بهترین انتخاب برای منتظر حرکت بر اساس دستورات رسیده و وظایف مشخص شده از طرف اهل بیت علیهم‌السلام در دوران غیبت است که نه کم و نه زیاد باید عمل شود تا نسل منتظر در مسیر انتظار تا انتهای راه هدایت شود.

۶. حق باوری (حق پویی)

در دوران آخر الزمان که همه چیز مشتبه شده و فتنه‌ها فراوان می‌شود. ستاره-های آسمان هدایت، سالیان درازی از غروبشان می‌گذرد و آخرین آنها نیز مدتهاست که از دیدگان بشر غایب شده است و حجت‌های الهی همه بواسطه افرادی غیر از معصوم و از درون کتاب‌ها به ره‌پویان راه الهی رسیده است. در این وضعیت مشتبه و آلوده به شبهات، مؤمنان و متعهدان به امام علیه‌السلام می‌بایست مسیر حق را تشخیص داده و در آن حرکت نمایند. اوضاع آنان در روایتی چنین وصف شده است: «مثل اهل بیت من در میان این امت، مثل ستارگان آسمان است. که هر وقت ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع می‌کند. هنگامی که با یکی از آنها انس گرفتید و در هر حاجتی به سوی او شتافتید، اجل فرا رسیده، پیک مرگ او را از دست شما خواهد گرفت. آنگاه مدتی بس

دراز حیران و سرگردان خواهید ماند تا هنگامی که خداوند ستاره شما را ظاهر سازد. پس خدا را شکر نموده از امام خود فرمان بپزید»^۱.

کتابنامه

۱. حائری، محمد حسن، آشنایی با اخلاق اسلامی، چاپ دوم، نشر قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدة (بالنصوص و المعجزات من الامام...)، سه جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ۲۹ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۴. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ج ۱، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۴.
۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور (مجموعه سخنرانی)، تهران، سازمان مدارک انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۱.
۷. رشیدپور، عبدالمجید، تربیت از دیدگاه وحی، چاپ سوم، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۰.

۸. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۹. شفیعی، سیدمحمد، *پرتویی از مبانی تربیتی - عرفانی امام خمینی علیه السلام*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف اله، *منتخب الاثر*، ج ۱، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، ۱۴۱۹.
۱۱. صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
۱۲. _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۱۳. _____، *الخصال*، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات جهان دفتر اسلامی، ۱۴۰۳.
۱۴. _____، *امالی*، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری*، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۱۶. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن، *کتاب الغیبه*، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
۱۷. _____، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
۱۸. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودّة*، دو جلد، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.
۱۹. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، چاپ دوم، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.
۲۰. کاظمی، سیدمصطفی، *بشارة الاسلام*، چاپ اول، نجف، ۱۳۸۲.

۲۱. کانت، ایمانوئل، دین در محدوده عقل تنها، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۱.
۲۲. کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب، کافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۳. کورانی، علی و...، معجم احادیث المهدی، ۴ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۲۵. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، الزهراء، ۱۳۶۲.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، خودشناسی برای خودسازی، سوم، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۰.
۲۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، چاپ پانزدهم، قم: صدرا، ۱۳۷۴.
۲۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی، اسالی، ج ۱، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۲۹. _____ الاختصاص، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۳۰. مک ناوین، دیوید، بصیرت اخلاقی، ترجمه محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۳۱. مکارم، محمدحسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، چاپ هشتم، قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۷۶.

۳۳. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات (علم اخلاق اسلامی)، ترجمه مجتهدی، تهران، حکمه، ۱۳۶۶.
۳۴. نعمانی، ابی عبدالله محمدبن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۳۵. یزدی حائری، علی، الزام الناصب، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.
۳۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، چاپ اول، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۳۷. امینیان، مختار، مبانی اخلاق اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۳۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم: شفق، ۱۳۷۹.
۳۹. بنی هاشمی، سیدمحمد، معرفت امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۳.
۴۰. حر عاملی، محمدبن حسن، اثبات الهدی، سه جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۴۱. صافی گلپایگانی، لطف اله، امامت و مهدویت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۲. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، قم: ۱۳۸۶.
۴۳. _____، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۷.
۴۴. سلیمیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۸.
۴۵. _____، درسنامه مهدویت، ۲ جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۸.

۴۶. همتیان، علی اصغر، شرح فراق، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود علیه السلام، ۱۳۸۸.

۴۷. آفتاب مهر، واحد پرسش و پاسخ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود علیه السلام، ۱۳۸۷.

۴۸. کیانی، علی اصغر، در اندیشه حکومت برتر، قم، انتشارات آئین احمد، ۱۳۸۷.

طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب قم، انتشارات زائر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.